



گزارش آماری
چهاردهمین جشنواره
بین المللی فارابی



ایران

ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی • ۱۹ تیرماه ۱۴۰۲

عیارسنجی وضعیت علوم انسانی اسلامی در ایران

نقشه راه دیپلماسی علمی

گفت‌وگو با محمدعلی زلفی گل
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:

علوم انسانی در نظام آموزش عالی
هنوز با نقطه مطلوب فاصله دارد



سهم علوم انسانی
در حکمرانی برتر

عبدالحسین کلانتری: کشور را بدون علوم
انسانی نمی‌توان اداره کرد



گفت‌وگو با روح‌الله دهقانی فیروزآبادی: مدیر
اجرایی و معاون علمی، فناوری و اقتصاد
دانش بنیان رئیس جمهور

حل مسائل کشور با کاربردی
کردن علوم انسانی



گفت‌وگو با رضا غلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات
فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم

جای خالی تفکر انتقادی



گفت‌وگو با دکتر ناصر باقری مقدم
قائم مقام بنیاد ملی نخبگان

حکمرانی مطلوب با مدیران نخبه



با آثار و گفتاری از:

- ابوالقاسم علیدوست
- مهدی عباس‌زاده
- محسن مهاجرنیا
- محمدهادی همایون
- احد فرامرزی قراملکی
- محمود حکمت‌نیا
- عطاءالله رفیعی آثانی
- علی آقاپور
- نجمه کیخا
- رضا ماحوزی
- شریف لکزایی
- کامیار صداقت ثمرحسینی
- علیرضا قائمی‌نیا
- منوچهر صانعی دره‌بیدی



چهاردهمین
جشنواره
بین‌المللی
فارابی

علوم انسانی تراز انقلاب

علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی ممکن می‌شود که جشنواره فارابی به عنوان معتبرترین رویداد علمی کشور در حوزه علوم انسانی درصدد است که به تحول در علوم انسانی سرعت بخشد و خود ایفاگر نقشی مهم در این زمینه باشد. همان‌طور که مقام معظم رهبری تأکید دارند عقب‌ماندگی در حوزه علوم انسانی باید جبران شود: «در زمینه علوم انسانی عقیم. دوستان که درباره علوم انسانی صحبت کردند، بدرستی روی اهمیت علوم انسانی، حتی در صنعت، تکیه کردند... علوم انسانی بسیار مهم است. تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست. من می‌بینم [گزارش کارها]، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی -همین شورای تحول و دوستانی که در آنجا مشغول کارند- هم در خود دانشگاه‌ها، هم آنطور که امروز ملاحظه کردید [در صحبت] بعضی از دوستانی که درباره علوم انسانی صحبت کردند، نشان دهنده این است که این جوشش درونی در درون دانشگاه‌ها آن هم از سوی فرزندان و از سوی انسان‌های دانشمند، وجود دارد؛ حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد -حمایت گوناگون- که یکی از مصادیق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است. (۱۳/۰۴/۱۳۹۴) بیانات در دیدار با دانشجویان»



و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است.

علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنا غلطی است.»

در بیانات رهبر معظم انقلاب برای تحول در علوم انسانی باید آموزه‌های غیروحياني که در حال حاضر بر آموزه‌های غیروحياني استوار است، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی شود و برای تحقق این امر، کشور نیازمند نظریه‌پردازی است. تحول و ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این

خودمان را بی‌نیاز بدانیم - نه، برخی از علوم انسانی ساخته و پرداخته غربی‌ها است؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد - حرف این است که مبنا علوم انسانی غربی، مبنا غیرالهی است، مبنا مادی است، مبنا غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست.»

ایشان در سخنان دیگری به مبانی علوم انسانی غرب پرداخته و می‌فرمایند: «من درباره علوم انسانی گلابه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی مان بر مبادی

چرایی ضرورت تحول در علوم انسانی

تحول در علوم انسانی هم مطالبه رهبر انقلاب اسلامی است و هم اینکه جامعه ایران برای عبور از موانع پیشرفت و توسعه به این تحول نیازمند است. مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۳ در دیدار با استادان دانشگاه‌های کشور به ضرورت تحول در علوم انسانی اشاره کردند و فرمودند: «حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران



یادداشت

تحول در علوم انسانی

پیشرفت همه جانبه کشور و مقصد نهایی آن یعنی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نماید. جشنواره بین‌المللی فارابی با درک ضرورت تحول در علوم انسانی و نقش بنیادی علوم انسانی اسلامی و بومی در پیشرفت ایران و تمدن‌سازی اسلامی، رسالت خود را متمرکز بر شناسایی استعداد‌های برتر و نخبگان و آثار پژوهشی آنان در حوزه علوم انسانی و اسلامی و نیز تشویق، معرفی و حمایت از آنها کرده و طی سیزده دوره پیشین، گام‌های مهمی در این مسیر برداشته است.

لزوم نظریه‌پردازی در علوم انسانی

«علوم انسانی» در شرایط مطلوب خود، مقوله‌ای نظام‌ساز و جامعه‌ساز است و افق تمدنی جوامع را مشخص می‌کند و به

«تحول در علوم انسانی» و «تولید علوم انسانی اسلامی و بومی» به عنوان یکی از مبانی مهم سیاستگذاری‌های کلان کشور ما، امری ضروری تلقی می‌شود و به نظر می‌رسد که این مهم حاصل نمی‌شود مگر با «تدوین نقشه‌راه تحول علوم انسانی» که فرایند و مسیر تولید علوم انسانی اسلامی و بومی را از ابتدا تا گام‌های نهایی در قالب یک «الگوی اجرایی» معین کند.

پیشرفت و تمدن‌سازی اسلامی

در مسیر فرایند تحول در علوم انسانی، تقویت ظرفیت نوآوری و نظریه‌پردازی نقش اساسی دارد و می‌تواند این علوم را مستعد پاسخگویی به نیازهای اساسی در مسیر

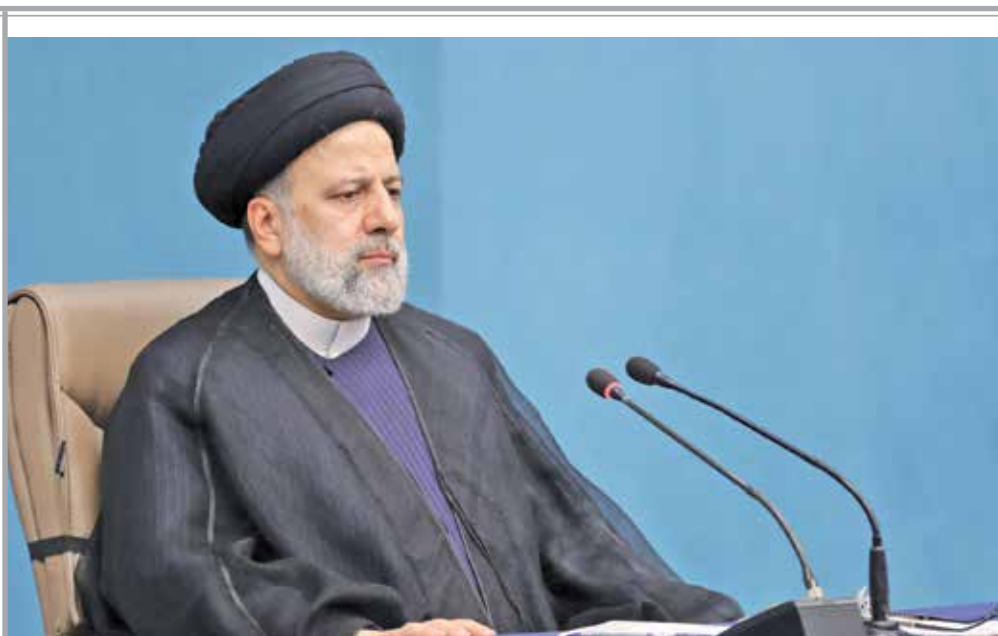
«علوم انسانی» یکی از مهمترین عناصر تمدن‌ساز است. به همین علت، برای جوامع، مؤلفه‌ای بسیار ضروری و حیاتی بشمار می‌رود. علوم انسانی به مثابه راهبر و مغزافزار جامعه، نقش ممتاز و منحصر به فردی در پیشرفت همه جانبه کشور دارد و در همین راستا از دهه‌های قبل، ضرورت سرمایه‌گذاری جدی و همه جانبه در جهت تحول و ارتقای این علوم در دانشگاه‌ها، همواره مورد تأکید و اصرار نخبگان کشور بوده است.

علوم انسانی غربی یا غربی‌بومی گاه در قالب «تجدد»، «توسعه»، «جهانی شدن» و... سعی در ایفای نقش در سیاستگذاری‌های کلان کشورها داشته، اما در شرایط کنونی

دیدگاه

تأسیس کرسی‌های درسی میان‌رشته‌ای و پرداختن به آرای اندیشمندان ایرانی و مسلمان، برخی از این تلاش‌های انجام گرفته است. تأسیس جشنواره فارابی هم تلاش نظام جمهوری اسلامی برای ارتقای علوم انسانی در کشور بوده که ۱۳ دوره به صورت مستمر برگزار شده و امروز تبدیل به یک نهاد علمی معتبر شده که باید برای تحقق مطالبات رهبری در حوزه علوم انسانی از نهادهای پیشرو باشد.

علوم انسانی در ایران دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است. بعد از انقلاب اسلامی تلاش برای انطباق علوم انسانی با مسائل جامعه ایرانی بیشتر شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز همواره بر علوم انسانی بومی و اسلامی تأکید گذاشته‌اند و ابراز داشته‌اند که اقدامات انجام شده برای تولید علوم انسانی اسلامی و بومی، ناکافی بوده است؛ مسائلی چون بازنگری در محتوای کتب درسی، اضافه کردن برخی واحدها به منابع درسی رشته‌های علوم انسانی،



علوم انسانی اسلامی؛ مغزافزار حاکمیت و قوه محرکه پیشرفت

این حوزه باید در مجامع علمی و حوزوی و دانشگاهی مورد استقبال قرار گیرد و نخبگان و عالمان و دانشگاهیان ما با دید باز اما نگاهی نقادانه به سراغ نظریه‌های جدید بروند و آنها را با ابزار نقد، مورد پالایش قرار دهند. جشنواره فارابی و بهترین تولیدات علوم انسانی ایران در هر سال است. «تحول‌گرایی» و «پرهیز از تقلید» مهم‌ترین نکات مورد توجه در بیانات رهبر انقلاب است که جشنواره فارابی با ارج نهادن به تولیدات بومی و اسلامی و معرفی اندیشمندان برتر این حوزه نقش بی‌بدیل در تحقق تحول در علوم انسانی کشور ایفا می‌کند. امید است که این نهال پربار هر سال تنومندتر و قدرتمندتر شود.

پژوهشگران و استادان این حوزه جبران شود. «تأکید بر لزوم نظریه‌پردازی، نوآوری و خلاقیت در حوزه علوم انسانی و توجه به رویکرد دینی در این حوزه از دیگر موارد مورد تأکید رئیس جمهور در حوزه علوم انسانی است که فصل‌القبول انسان، تعلم است و علاوه بر آن، انسانیت انسان مبتنی بر آموزه‌های او از وحی است و با ارتباط با وحی شکل می‌گیرد. یکی از محورهای دیگر مورد توجه رئیس جمهور پرهیز از تقلید در علوم انسانی است: «برای بالندگی و رشد در حوزه علوم انسانی، باید تقلید از غرب در این حوزه کنار گذاشته شده و مبتنی بر مبانی غنی اسلامی، کار اجتهادی و نوآورانه انجام گیرد. در گام بعدی اجتهاد و نوآوری در

نظامی است که مبتنی بر دین بوده و درون‌مایه آن علم و دانش است. در چهل و چهارمین سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، لازم است یک آسیب‌شناسی کنیم که چه میزان رشد و پیشرفت در این حوزه صورت گرفته است؟» مسأله آسیب‌شناسی که رئیس جمهور به درستی بر آن تأکید گذاشتند از نکات مغفول مانده ما برای رسیدن به علوم انسانی تراز انقلاب اسلامی است. برای دست یافتن به چنین علوم انسانی‌ای، رئیس جمهور تصریح کردند: «به نظر می‌رسد برای نیل به علوم انسانی تراز انقلاب اسلامی، در آنچه باید اتفاق می‌افتاد، عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد و این عقب‌ماندگی باید به دست

خوشبختانه دولت سیزدهم هم بر ضرورت تقویت و تحول در علوم انسانی باور و تأکید دارد و همین امر بستر خوبی برای برداشتن گام‌هایی مهم در زمینه علوم انسانی اسلامی و بومی در کشور شده است. آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور، در مراسم اختتامیه سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی با تأکید بر ضرورت آسیب‌شناسی در حوزه علوم انسانی، بیان داشتند: «علوم انسانی اسلامی، مغزافزار حاکمیت و مدیریت و نیز قوه محرکه پیشرفت در

تولید علم با رویکرد حل مسائل جامعه

متأسفانه باید اذعان کرد که فضای کنونی علوم انسانی در کشور ما پرنشاط نیست و رقابت سازنده در علوم انسانی مشاهده نمی‌شود. برای بهبود وضع موجود، نیازمند ایجاد فضای مساعد برای رقابت علمی هستیم که «جشنواره بین‌المللی فارابی» با تأکید بر تقویت اصل اعتباربخشی به علوم انسانی-اسلامی آن را در دستور کار خود قرار داده است. امروزه نظام و انقلاب اسلامی با هجمه‌های مختلفی در داخل و خارج کشور روبه‌رو است و علوم انسانی قدرتمند و قوی می‌تواند در تبیین پدیده‌های انسانی و اجتماعی و راهکارهایی برای برون‌رفت از مشکلات و معضلات کنونی، نقش ویژه‌ای ایفا کند. در همین راستا «جشنواره بین‌المللی فارابی» به مثابه جریانی که از همان آغاز شکل‌گیری، جامعه علمی کشور و مشتاقان تحول علمی جامعه، از آن استقبال کرده و با حمایت و مشارکت گسترده آنان تداوم یافته است، می‌تواند به ایفای نقش جدی بپردازد.

بر این نکته تأکید کرده‌اند و اظهار داشته‌اند: «تحقیق کنید. به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازی‌های غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی به نظریه‌سازی احتیاج داریم.»

علم بومی؛ یک ضرورت ملی

با وجود اینکه مبانی و متون علوم انسانی در فرهنگ ایرانی و اسلامی، از اهمیت و غنای ویژه‌ای برخوردار است، طی سالیان اخیر به نحوی شاهد افول این وضعیت بوده‌ایم.

بویژه با غلبه نسبی آموزه‌های غربی و غریب‌بومی بر فضای آموزش و پژوهش کشور، عمق محتوایی معارف و علوم انسانی اسلامی گاه به حاشیه رفته است.

از این رو، احیا و توسعه علوم انسانی اسلامی و بومی به مثابه یک ضرورت ملی بر محور توسعه و روزآمدسازی آن، نیازمند توجهی بیش از پیش است.

نوعی شکل‌دهنده اکنون و آینده آنهاست و به همین جهت، نظریه‌پردازی و تولید علم در این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است. جشنواره‌هایی همچون «جشنواره فارابی» می‌تواند با شناسایی استادان و پژوهشگران صاحب‌نظر و صاحب نظریه، بستری را برای تولید علم و نظریه‌پردازی در علوم انسانی فراهم کند.

یکی از اصلی‌ترین اهداف جشنواره بین‌المللی فارابی، شکل‌گیری شبکه‌های نخبگانی از دانشمندان و پژوهشگران در عرصه علوم انسانی و اسلامی در آینده نزدیک است تا امکان شناسایی دقیق‌تر استعدادها، برتر، آثار علمی و پژوهشی نوآور و حمایت‌های هدفمند از نخبگان را فراهم کند.

از مهمترین عوامل تقویت ظرفیت نوآوری و نظریه‌پردازی در علوم انسانی، توجه به ظرفیت استادان و پژوهشگران داخلی و بهره‌گیری از مطالعات گسترده است. مقام معظم رهبری نیز بارها در دیدار با استادان و دانشجویان



طبیعی است که در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران که مولود یک انقلاب عظیم فرهنگی است، علوم انسانی از جایگاه و منزلت والایی برخوردار باشد. البته قابل انکار نیست که به رغم همه تلاش‌هایی که طی ۴۳ سال اخیر صورت گرفته، علوم انسانی در نظام آموزش عالی هنوز با نقطه مطلوب فاصله دارد و ما از وضعیت کنونی رضایت نداریم و برای اصلاح و تحول آن کوشش می‌کنیم

گفت‌وگو با دکتر محمدعلی زلفی گل؛ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:

در مسیر تحول

علوم انسانی در نظام آموزش عالی هنوز با نقطه مطلوب فاصله دارد

● گفت‌وگو

اجتماعی، چه برای مردم و چه برای دولت را فراهم می‌کند. دوم اینکه، هر جامعه‌ای مانند یک موجود زنده، بطور طبیعی با یکسری مسائل و آسیب‌ها مواجه است؛ در این میان، علوم انسانی سهم منحصر به فردی در ادراک عمیق و دقیق این مسائل و آسیب‌ها، توصیف و تبیین آنها و سپس، ارائه مجموعه‌ای از پیشنهادات به منظور مواجهه کارساز با مسائل و آسیب‌های اجتماعی دارد.

در واقع، علوم انسانی در شرایط مطلوب به دنبال صحت و سلامت جامعه است و با رصدهای مداوم و با توصیفات و تبیین‌های عمیق خود و نیز توصیه‌هایی که دارد، این سلامتی و صحت را تا حد قابل توجهی تضمین می‌کند. از سوی دیگر، نمی‌توان از نظر دور داشت که فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون علوم انسانی در همه مقاطع، بخش مهمی از بدنه فرهیختگان جامعه را تشکیل می‌دهند و در بسیاری از عرصه‌هایی که ممکن است چندان آشکار نیز نباشد، به رشد و تعالی جامعه کمک می‌کنند.

با این اوصاف، طبیعی است که در نظام آموزش عالی

تولید علم و تحول در علوم انسانی لازمه پیشرانی و بقای تمدنی کشور است و در این مسیر به دادن به ایده‌ها و نگاه‌های انتقادی و خلاقانه در دانشکده‌های علوم انسانی، کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی نقش بسزایی ایفا می‌کند. از این منظر «جشنواره فارابی» با هدف شناسایی و معرفی استعدادهای برتر در حوزه علوم انسانی و اسلامی، معرفی و ارائه آثار و نظریه‌های برتر و طرح‌های جدید در حوزه علوم انسانی و اسلامی در داخل و خارج از کشور و تولید، تقویت و بومی‌سازی علوم انسانی در ایران و جهان اسلام می‌تواند باعث بهبود فضای علوم انسانی و اسلامی شود و تاکنون در سیزده دوره این جشنواره، برای این موارد اهتمام شده است. حال در آستانه برگزاری چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فارابی، گفت‌وگویی با دکتر محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس جشنواره بین‌المللی فارابی داشته‌ایم که به نکات قابل تأملی در رابطه با وضعیت علوم انسانی در کشور و جایگاه جشنواره فارابی در ارتقای علوم انسانی اسلامی، اشاره کرده‌اند.

برآیند آنچه در اتمسفر علوم انسانی اتفاق می‌افتد، به جریان یافتن اندیشه و خودآگاهی اجتماعی در رگ‌های جامعه منجر می‌شود؛ به بیان دیگر، علوم انسانی نه تنها در شکل‌دهی به هویت اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد بلکه، زمینه خودشناسی

جناب دکتر، ضمن تشکر برای پذیرش این گفت‌وگو، می‌خواستیم در آغاز بحث نظرتان را درباره اهمیت و جایگاه علوم انسانی در نظام آموزش عالی بدانیم؟ علوم انسانی از چند جهت حائز اهمیت است. نخست اینکه،



جمهوری اسلامی ایران که مولود یک انقلاب عظیم فرهنگی است، علوم انسانی از جایگاه و منزلت والایی برخوردار باشد. البته قابل انکار نیست که به رغم همه تلاش‌هایی که طی ۴۳ سال اخیر صورت گرفته، علوم انسانی در نظام آموزش عالی هنوز با نقطه مطلوب فاصله دارد و ما از وضعیت کنونی رضایت نداریم و برای اصلاح و تحول آن کوشش می‌کنیم.

سیاست‌های کلیدی وزارت علوم برای رساندن علوم انسانی به جایگاه مطلوب آن چیست؟

پیش از هر چیز، اهتمام ما همراهی حداکثری با شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تحقق مصوبات آن شورا در تحول علوم انسانی است؛ در عین حال، وزارت علوم چند سیاست را در راستای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مدنظر قرار داده است. اول، اصرار بر کیفیت بخشیدن به علوم انسانی در حیطه‌های آموزش و پژوهش؛ دوم، بالا بردن سهم علوم انسانی در حل مسائل و معضلات کشور؛ سوم، کمک به بسط نظریه‌پردازی‌ها و نوآوری‌های علمی؛ چهارم، گسترش فضای نقد و آزاداندیشی؛ پنجم، اصلاح و تکمیل آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی براساس اقتضات علوم انسانی.

راهبردهای وزارت علوم برای کیفیت بخشیدن به علوم انسانی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها چیست؟

در زمینه ارتقای کیفی علوم انسانی استانداردهای روشنی وجود دارد؛ هرچند که این استانداردها قابل اصلاح و تکمیل است. این استانداردها مسیر پیش روی ما برای ارزیابی کیفیت دانشگاه‌ها در عرصه علوم انسانی است، مثلاً نسبت استاد به دانشجو؛ نسبت مراتب و درجات علمی اساتید به دانشجویان در مقاطع گوناگون تحصیلی؛ نسبت امکانات و

تجهیزات پژوهشی به دانشجو؛ نسبت منابع درجه اول موجود در کتابخانه‌ها به دانشجو، نسبت فضای فیزیکی به دانشجو، و از همه مهمتر، غلبه پژوهش به حفظ محوری در کلاس‌ها و تحول در شیوه برگزاری آزمون‌ها؛ اینها برخی از مهمترین استانداردهایی است که باید در زمینه علوم انسانی با جدیت رعایت شود.

یکی از توقعات مهم نظام آموزش عالی در تحصیلات تکمیلی، پاسخگویی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری در حوزه علوم انسانی به نیازهای کشور است که آن هم یک شاخص مهم در سنجش کیفیت علوم انسانی است. جدای از عرصه آموزش، میزان انتشار مقالات علمی و پژوهشی در ارتباط با مسائل کشور توسط اعضای هیأت علمی، میزان اجرای طرح‌های پژوهشی نوآورانه به منظور رسیدگی به نیازهای روز کشور و نقش‌آفرینی در گسترش دیپلماسی علمی از جمله استانداردهایی است که از طریق آنها دانشگاه‌ها مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در کل، راهبرد وزارت علوم هماهنگ‌سازی جذب دانشجو در دانشگاه‌ها با ظرفیت‌های کیفی و پاسخگویی مضاعف علوم انسانی به نیازهای کشور است.

نقش «جشنواره بین‌المللی فارابی» در تحقق این سیاست‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جشنواره بین‌المللی فارابی یکی از مهمترین و فاخرترین رویداد علمی در هر سال است که به علوم انسانی و اسلامی اختصاص دارد. این جشنواره در چند زمینه به رساندن علوم انسانی به جایگاه مطلوب خود کمک می‌کند:

۱. رصد و ارزیابی سالانه ظرفیت‌های علمی کشور در علوم انسانی.
۲. ایجاد فضای رقابتی در بین دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و اساتید و دانش‌پژوهان این عرصه.
۳. پاسداشت مقام نظریه‌پردازان، نوآوران و سایر افرادی که اثر برجسته‌ای در حوزه علوم انسانی و اسلامی داشته‌اند.
۴. کمک به شکل‌گیری دیپلماسی علمی از طریق پیوند میان متفکران برجسته ایرانی و غیرایرانی.
۵. شناسایی و حمایت از نخبگان علمی علوم انسانی و اسلامی با سرمایه‌گذاری مشترک وزارت علوم و بنیاد محترم ملی نخبگان.

از سال گذشته و سیزدهمین جشنواره تا امسال و چهاردهمین جشنواره چه اتفاق مثبتی در برگزاری جشنواره رقم خورده است؟

همکارانمان در «پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم» که اداره دبیرخانه دائمی جشنواره را برعهده دارند زیر نظر دبیر محترم جشنواره، که معاون محترم فرهنگی و اجتماعی وزارتخانه هستند، زحمات زیادی را در این یکسال کشیده‌اند که جا دارد از آنان قدردانی کنم. از تقویت نرم‌افزاری دبیرخانه دائمی تا ارتقای کیفی داوری‌ها؛ از باز کردن دایره جشنواره به روی موضوعات حیاتی‌تر تا افزایش حمایت‌های معنوی و مادی از برگزیدگان که جزئیات آن توسط

دبیر محترم جشنواره اطلاع‌رسانی خواهد شد. آیا وزارت علوم برای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هایی که آثار علمی پژوهشگران و دانشجویان شان در جشنواره بین‌المللی فارابی برگزیده می‌شود، مشوق‌هایی را در نظر دارد؟

برای وزارت علوم مهم است که کدام یک از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در جشنواره حضور پررنگ‌تری دارند و نیز کدام یک از آنها، آثار علمی برگزیده بیشتری در جشنواره دارند. حضور و فعالیت در جشنواره بین‌المللی فارابی خودش ناخواسته به یک شاخص ارزیابی و رتبه‌بندی علمی در علوم انسانی و اسلامی تبدیل شده است. حتماً حضور و موفقیت در جشنواره بین‌المللی فارابی در حمایت‌های معنوی و مادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مؤثر است.

جنابعالی سال گذشته در دیدار برگزیدگان سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی، بر ضرورت گسترش «دیپلماسی علمی» تأکید داشتید. علاقه‌مندیم تا کمی در باب «مسیر دیپلماسی علمی در علوم انسانی» توضیح بفرمایید؟

جریان علم و نوآوری علمی به طور فزاینده‌ای به سمت بین‌المللی شدن پیش می‌رود. امروز بسیاری از برنامه‌های علمی کشورها به هم پیوسته و وابسته شده است و از همین جهت، گرایش به شکل‌گیری پروژه‌های علمی عظیم با مشارکت دانشمندان از کشورهای مختلف نیز روزه روز بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، علم، فناوری و نوآوری با تحولات فضای مجازی و صنعت دیجیتال با سرعت بی‌سابقه‌ای، هم محرک و هم عامل ایجاد تغییرات جهانی محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی، طبیعی است که گسترش هوشمندانه دیپلماسی علمی در دستور کار نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته باشد. دیپلماسی علمی به زبان ساده، یعنی بهره‌گیری مؤثر از ارتباطات، همکاری‌ها و تعاملات علمی میان کشورها برای دستیابی به اهداف و برنامه‌های مشترک و همچنین، شکل‌گیری مشارکت‌های سازنده برای به‌زیستی و تعالی مردم دنیا. برخلاف انتظار، امروز علوم انسانی در «دیپلماسی عمومی» نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. می‌دانید که برخی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی میان کشورها مشترک است و عوامل برون‌مرزی نیز در شکل‌گیری یا تشدید آنها دخالت دارد؛ بنابراین، علاقه به فعالیت‌های تحقیقاتی مشترک در علوم انسانی نیز مشاهده می‌شود. البته به دلیل وجود اشتراکات فرهنگی و دینی میان ما و کشورهای اسلامی، گسترش دیپلماسی علمی در دایره کشورهای اسلامی از اولویت برخوردار است. به نظر می‌رسد که برای رسیدن به سطح مناسبی از دیپلماسی علمی در علوم انسانی، بسط «گفت‌وگوهای انتقادی» میان دانشمندان ما و دانشمندان کشورهای دیگر لازم است. این گفت‌وگوها فرصت شناسایی علایق مشترک و بستر همکاری را به شکل دقیق‌تر و مؤثرتری به وجود می‌آورد.



برش

● **اهتمام ما همراهی حداکثری با شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تحقق مصوبات آن شورا در تحول علوم انسانی است؛ در عین حال، وزارت علوم چند سیاست را در راستای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مدنظر قرار داده است. اول، اصرار بر کیفیت بخشیدن به علوم انسانی در حیطه‌های آموزش و پژوهش؛ دوم، بالا بردن سهم علوم انسانی در حل مسائل و معضلات کشور؛ سوم، کمک به بسط نظریه‌پردازی‌ها و نوآوری‌های علمی؛ چهارم، گسترش فضای نقد و آزاداندیشی؛ پنجم، اصلاح و تکمیل آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی براساس اقتضات علوم انسانی.**

● **علوم انسانی در شرایط مطلوب به دنبال صحت و سلامت جامعه است و با رصدهای مداوم و با توصیفات و تبیین‌های عمیق خود و نیز توصیه‌هایی که دارد، این سلامتی و صحت را تا حد قابل توجهی تضمین می‌کند.**

● **فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون علوم انسانی در همه مقاطع، بخش مهمی از بدنه فرهیختگان جامعه را تشکیل می‌دهند و در بسیاری از عرصه‌هایی که ممکن است چندان آشکار نباشد، به رشد و تعالی جامعه کمک می‌کنند.**

● **یکی از توقعات مهم نظام آموزش عالی در تحصیلات تکمیلی، پاسخگویی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری در حوزه علوم انسانی به نیازهای کشور است که آن هم یک شاخص مهم در سنجش کیفیت علوم انسانی است.**

● **امروز علوم انسانی در دیپلماسی عمومی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. می‌دانید که برخی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی میان کشورها مشترک است و عوامل برون‌مرزی نیز در شکل‌گیری یا تشدید آنها دخالت دارد؛ بنابراین، علاقه به فعالیت‌های تحقیقاتی مشترک در علوم انسانی نیز مشاهده می‌شود. البته به دلیل وجود اشتراکات فرهنگی و دینی میان ما و کشورهای اسلامی، گسترش دیپلماسی علمی در دایره کشورهای اسلامی از اولویت برخوردار است.**



سهم علوم انسانی در حکمرانی برتر

کشور را بدون علوم انسانی نمی‌توان اداره کرد

گفتار

دکتر عبدالحسین کلانتری

معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

حتی در حوزه‌هایی که با نگاه درشت‌بین و نادقیق هیچ ربطی به علوم انسانی ندارند، باز این علوم انسانی است که حرف اول را می‌زند. مثلاً در ارتش و نیروهای نظامی، ساختارها، روال‌ها، مدیریت‌ها، برنامه‌ها، تدوین استراتژی‌ها و پیش‌بینی‌ها کلاً، نوعاً و اساساً از جنس علوم انسانی هستند.

در واقع روح حاکم بر مناسبات و ساختارهایی که ظاهر آن در حوزه سخت قرار دارند از جنس علوم انسانی است. مدیریت، اولین مفهوم یا رشته‌ای است که در این چهارچوب به ذهن متبادر می‌شود. مثال دیگر را از حوزه پزشکی می‌زنم.

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را نمی‌توان بدون علوم انسانی تصور کرد. مدیریت، محاسبات سود و زیان، مسائل روانشناختی و... باز از جنس علوم انسانی هستند.

ما به راحتی از کنار این بدیهیات عبور کرده یا نسبت به آنها غافل هستیم یا تغافل می‌کنیم.

جایگاه و منزلت علوم انسانی در مسیر پاسخگویی به نیازهای کشور و دستیابی نظری و عملی به یک نظام حکمرانی برتر مسأله مهمی است و اگر علوم انسانی را در کلیت‌شان در نظر بگیریم، ظرفیت و آمادگی پاسخگویی به نیازهای کشور را کاملاً دارا هستند و می‌توانند گره‌گشایی کرده و مشکلات را برطرف و حتی پیشتر از آن در ترسیم چشم‌اندازهای درست و واقعی نقش اول را بازی کنند. بهتر است اینگونه بگوییم که علوم انسانی از این جهت هیچ بدیلی ندارد، به طوری که کشور را بدون علوم انسانی نمی‌توان اداره کرد. همان‌طور که در بیمارستان‌ها و برای مداوا نیاز به پزشک و کادر متخصص داریم در حوزه کشورداری نیز به علوم انسانی نیاز داریم.



علوم انسانی اصولاً ظرفیت بالایی برای حل مشکلات دارند، زیرا نیروی انسانی و صاحب‌نظران برجسته‌ای در این حوزه هستند و منابع بسیار غنی و به‌روزی در این حوزه وجود دارد. هم‌اکنون به صورت عمیق و گسترده در دانشگاه‌ها و در قالب پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی، مسائل کشور مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌گیرد. حجم زیادی از پایان‌نامه‌ها در مورد بیکاری، تورم، آسیب‌های اجتماعی، اشتغال، محیط‌زیست و... وجود دارد که در مقیاس ملی و محلی وارد این حیطه‌های مهم شده است

در علوم انسانی گرفتار دو عارضه «غفلت» و «تغافل» هستیم

پس ما با دو پدیده یا عارضه نادرست، ناموجه و متأسفانه ویرانگر در مواجهه با علوم انسانی درگیر هستیم؛ غفلت و تغافل یا غافل بودن و تغافل ورزیدن. یا نمی‌دانیم یا می‌دانیم و آگاهانه از کنار آنچه می‌دانیم عبور می‌کنیم.

خود این پدیده غفلت یا تغافل، موضوعی جدی، جاندار و مهم برای بررسی و تبیین است و باید آن را همچون یک آسیب یا بحران به دست پژوهش سپرد تا بتوان آثار زیانبارش را محو یا کم کرد، پس اصولاً دستیابی به یک نظام حکمرانی برتر بدون علوم انسانی امکان ندارد. قرار گرفتن کشور در مدار درست توسعه و پیشرفت هم فقط از معبر توجه به ارزش و جایگاه علوم انسانی است که ممکن خواهد بود.

وضع مناسبی در سرمایه‌گذاری علوم انسانی نداریم

میزان سهم و اندازه علوم انسانی در سرمایه‌گذاری‌های علمی کشور، هم خوب است و هم خوب نیست. اگر قصد داشته باشیم از زاویه تعداد و تنوع رشته‌های تحصیلی و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی که اختصاصاً موضوع و حوزه کاری آنها علوم انسانی است نگاه کنیم، وضع بدی نداریم. این زاویه بیشتر از حیث کمیت به موضوع علوم انسانی نگاه می‌کند، ولی اگر بخواهیم مسأله را از زاویه کیفیت و نحوه درست انجام گرفتن این سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه علوم انسانی حلاجی کرده و بکاوییم، چندان وضع خوبی نداریم.

اگر بخواهیم این علوم در خدمت حل مسائل کشور قرار بگیرند، تناسب و ضرورت برخی از رشته‌ها از حیث عنوان، موضوع، سرفصل‌های درسی، منابع و... از موضوعاتی است که باید در این مورد به آنها توجه شود. بنابراین اگر در زمینه «هدفدار و هوشمندانه» بودن سرمایه‌گذاری‌ها پرسش کنیم باید بگوییم هنوز یا نقطه مطلوب و بهینه که میان «نهاد» و «ستاد» توازن منطقی و درستی برقرار باشد فاصله زیادی داریم.

اصولاً یکی از معانی و مصادیق پیشرفت و توسعه این است که میان سرمایه‌گذاری، نتایج و محصولات است که در انتها به دست می‌آید تناسب معقول وجود داشته باشد. اگر در سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت کلان و راهبردی علوم انسانی دقت و وسواس بیشتری به خرج می‌دادیم، وضع ما می‌توانست خیلی بهتر از این باشد.

اینکه نگاه عامه مردم به موقعیت اجتماعی علوم انسانی و قدر و قیمت دانشمندان این علوم مهم و ارزشمند است و باید در هر محاسبه و برنامه‌ریزی هم به صورت معقول ملحوظ شود تردیدی نیست، اما باید هشدار داد و هوشیار بود که این ملاحظه ما را به سمت عوام‌زدگی و ارجح دانستن نگاه غیرعلمی و نادرست نسبت به نگاه علمی و درست و مطابق با موازین قابل دفاع سوق ندهد.

با این همه در بخش خاصی از جامعه که با مسائل کشور آشنا هستند و نسبت به حل آنها و رفع مشکلات و فائق آمدن بر چالش‌ها حساس و پیگیر هستند، نگاه کاملاً مثبتی به علوم انسانی وجود دارد. ضرورت دارد این نگاه درست به علوم انسانی تبلیغ و ترویج شود و همه ما و در همه سطوح نسبت به این ضرورت اهتمام بورزیم. رسانه‌های عمومی، صداوسیما و... باید بخشی از یک طرح بزرگ در مورد ارتقای جایگاه علوم انسانی در تمامی سطوح خرد و کلان کشور باشند.

رشد نظریه‌پردازی در نظام آموزش عالی

نظام آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی اصلی‌ترین بستر و فضا برای رشد نظریه‌پردازی هستند. اگر بخواهیم بسترهای مساعدی برای نظریه‌پردازی و نوآوری‌های بزرگ فراهم کنیم، حتماً پاسخی غیر از تأسیس دانشگاه و مراکز پژوهشی نمی‌توانیم بدهیم. پس دانشگاه‌ها هستند و کار می‌کنند تا این اتفاق مهم بیفتد. این پاسخ طفره رفتن از سؤال نیست، بلکه برگرداندن سؤال به مسیر درست است.

حال باید چه کاری انجام بدهیم؟ به نظر می‌رسد تقویت دانشگاه و حمایت از آن برای انجام کاری که به خاطر آن تأسیس شده، اصلی‌ترین وظیفه ما است. دانشگاه بستر بسترها است. تنها کاری که باید کرد رفع موانع، تنگناها و زدودن مشکلات است و به دانشگاه در کلیت آن اعتماد

کرد. دانشگاه و جریان علم در کلیت و در اصلی‌ترین جریان‌ش، قابل اتکاترین و مطمئن‌ترین نهاد برای کشور است. ما هیچ چاره‌ای غیر از اعتماد به علم، نهاد رسمی و متولی بی‌بدیل آن که همان دانشگاه است، نداریم. در این اعتماد یک حالت امکانی و «اما و اگر» نداریم. در جهان کنونی اگر چنین نهادی نداشته یا با آن مواجهه درست و اصولی نداشته باشیم قطعاً باخته‌ایم، آن هم در مقیاس تمدنی و کلان.

جشنواره فارابی تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله دارد

چون، هم کار و رشته و زندگی من با علوم انسانی پیوند عمیق دارد و هم مسئولیت کاری و اداری‌ام با علوم انسانی ارتباط عمیق و ذاتی دارد، طبیعی است که جزو چند نفری باشم که با جشنواره فارابی ارتباط داشته باشم. همان‌طور که می‌دانید این جشنواره در حوزه معاونت فرهنگی تعریف و اجرا می‌شود.

کارهای زیاد، مهم و تأثیرگذاری در این حوزه انجام گرفته است ولی مثل هر حوزه دیگری تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داریم.

البته باید به این موضوع توجه کرد که جنس فاصله تا نقطه مطلوب در مسائل معنوی، مدیریتی و ارزشی از جنس فاصله‌های نیست که ما از یک نقطه فیزیکی تا رسیدن به یک مقصد فیزیکی یا ایستگاه دیگر داریم.

همیشه می‌توان فکر کرد اهدافی وجود دارند که باید سعی در محقق کردنشان کرد. هر رسیدنی و هر نقطه بهینه‌ای آستان یک مقصد و یک نقطه بهینه دیگر است و این همان است که می‌توان آن را یک حرکت بی‌پایان، جذاب و هیجان‌انگیز نامید. مهم این است که در نقطه‌ای، ایرادها و ضعف‌های نقطه پیشین را رفع کنیم و آن را همچون سکویی برای حرکت و پرش بعدی متصور شویم.

سهم علوم انسانی در حل چالش‌های کشور

علوم انسانی اصولاً ظرفیت بالایی برای حل مشکلات دارند، زیرا نیروی انسانی و صاحب‌نظران برجسته‌ای در این حوزه هستند و منابع بسیار غنی و به‌روزی در این حوزه وجود دارد. هم‌اکنون به صورت عمیق و گسترده در دانشگاه‌ها و در قالب پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی، مسائل کشور مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌گیرد. حجم زیادی از پایان‌نامه‌ها در مورد بیکاری، تورم، آسیب‌های اجتماعی، اشتغال، محیط‌زیست و... وجود دارد که در مقیاس ملی و محلی وارد این حیطه‌های مهم شده است. نه به‌عنوان یک نقطه ضعف بلکه در راستای یک ملاحظه، بهتر است اصحاب و ارباب علوم انسانی نگاه بومی بیشتری به مسائل کشور داشته باشند.

نسبت میان پژوهش و تألیف با ترجمه، نکته دیگری است که باید مورد تدقیق قرار بگیرد و این البته ملزوماتی دارد که معلوم نیست آیا می‌توانیم از عهده تهیه و تأمین آنها برآیم یا نه؟

عدم سازگار معین، منسجم و فیصله‌بخش در مورد سیاست‌گذاری حوزه علوم انسانی نکته مهمی است و باید به آن توجه شود و تأخیر در این زمینه فوق‌العاده زیانبار است، اما یک نکته مهم، راهبردی و مدیریتی است که در عین حال جنبه نظری نیز دارد.

هنگام گفت‌وگو از نقطه ضعف یا قوت، باید یک تفکیک تعیین‌کننده انجام دهیم. ماهیت، محتوا و ویژگی‌هایی که علوم انسانی دارند یک چیز است و مدیریت، نوع نگاه، برنامه‌ریزی و نحوه برنامه‌ریزی که برای استفاده از آن داریم یک چیز دیگر.

باید دید و پرسید وقتی از نقطه قوت و ضعف علوم انسانی یا هر پدیده دیگری حرف می‌زنیم مرادمان چیست؟ آیا نظر به ماهیت اصلی خود آن پدیده داریم یا از نقاط ضعف و قوت خارج از ماهیت آن پدیده حرف می‌زنیم. عدم تفکیک در این زمینه، اصلی‌ترین مشکل کشور ما در بسیاری از زمینه‌ها است؛ به شمول علوم انسانی.

چه بسا ما ضعف مدیریت، برنامه‌ریزی و عدم تمهید شرایط مساعد برای وارد کردن یا استفاده از پدیده‌ای را به حساب ضعف، نقصان و عدم کارایی ذاتی آن پدیده می‌گذاریم.

این موضوع قسه‌ای پرغصه و داستانی طولانی است و رسمی‌ترین و شناخته‌ترین وجه آن، رؤیای ما با مدرنیته و دنیای مدرن است که باید در مجالس موسع و متفاوت بدان پرداخت.



تقویت دانشگاه و حمایت از آن برای انجام کاری که به خاطر آن تأسیس شده، اصلی‌ترین وظیفه ما است. دانشگاه بستر بسترها است. تنها کاری که باید کرد رفع موانع، تنگناها و زدودن مشکلات است. باید به دانشگاه در کلیت آن اعتماد کرد. دانشگاه و جریان علم در کلیت و در اصلی‌ترین جریان‌ش، قابل اتکاترین و مطمئن‌ترین نهاد برای کشور است. ما هیچ چاره‌ای غیر از اعتماد به علم، نهاد رسمی و متولی بی‌بدیل آن که همان دانشگاه است، نداریم.



ما با دو پدیده یا عارضه نادرست، ناموجه و متأسفانه ویرانگر در مواجهه با علوم انسانی درگیر هستیم؛ غفلت و تغافل یا غافل بودن و تغافل ورزیدن. یا نمی‌دانیم یا می‌دانیم و آگاهانه از کنار آنچه می‌دانیم عبور می‌کنیم. خود این پدیده غفلت یا تغافل، موضوعی جدی، جاندار و مهم برای بررسی و تبیین است و آن را باید همچون

یک آسیب یا بحران به دست پژوهش سپرد تا بتوان آثار زیانبارش را محو یا کم کرد، پس اصولاً دستیابی به یک نظام حکمرانی برتر بدون علوم انسانی امکان ندارد. قرار گرفتن کشور در مدار درست توسعه و پیشرفت هم فقط از معبر توجه به ارزش و جایگاه علوم انسانی است که ممکن خواهد بود.



گفت‌وگو با دکتر روح‌الله دهقانی فیروزآبادی؛ مدیر اجرایی و معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس‌جمهور:

حل مسائل کشور با کاربردی کردن علوم انسانی

جشنواره فارابی؛ ابتکاری که برای علوم انسانی ما الزامی بود

کجا می‌بینید؟

ممکن است این گونه به نظر برسد که این تعداد جشنواره موازی لازم نیست و شاید در سیاستگذاری کلان به این نتیجه رسیدند که تعداد جشنواره‌های متعدد را تجمیع کنند. اما به نظر من اگر قرار بر این باشد که تعداد جشنواره‌ها را کاهش دهیم، نظر من این است که فارابی یکی از جشنواره‌های ضروری است. بویژه سیاستگذاری‌های اخیر برای جشنواره فارابی بیشتر در حوزه پژوهش‌های علوم انسانی بوده و فقط شامل کتاب نمی‌شود و بیشتر پژوهش‌ها را مدنظر قرار داده است. می‌توان بخشی از پژوهش‌ها را به سمت پژوهش‌های کاربردی و مسأله‌محور سوق دهیم. در حوزه پژوهش‌های نوآورانه علوم انسانی، جشنواره فارابی جایگاه مناسبی دارد ولی قاعدتاً قابل ارتقا است. اینکه سازگاری وجود داشته باشد که کارهای پژوهشی را مورد ارزیابی قرار دهد، فی‌نفسه این سازکارمنجر به ارتقای علوم انسانی خواهد شد. البته بخش بین‌المللی جشنواره فارابی را باید بیشتر تقویت و تأکید کرد تا اندیشمندان بیشتری آثار خود را برای ارزیابی به جشنواره فارابی بفرستند.

چگونه می‌توان به مرور، جشنواره فارابی را از منطقه خاورمیانه به سمت دانشگاه‌های سراسر جهان و پژوهشکده‌ها و مؤسسه‌های علمی جهانی سوق داد؟ یکی از راه‌ها این است که آثار برجسته پژوهشگران

گفت و گو

علوم انسانی، مهمترین عنصر تمدنی انسجام‌ساز است. به همین علت برای جوامع، مؤلفه‌ای بسیار ضروری و حیاتی محسوب می‌شود. علوم انسانی به مثابه راهبر و مغزافزار جامعه، نقش ممتاز و منحصر به فردی در پیشرفت همه جانبه کشور دارد و در همین راستا از دهه‌های قبل و بویژه با پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت سرمایه‌گذاری جدی و همه جانبه در جهت تحول و ارتقای این علوم در دانشگاه‌ها، همواره مورد تأکید و اصرار نخبگان کشور بوده است. در همین راستا، با روح‌الله دهقانی فیروزآبادی، مدیر اجرایی و معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس‌جمهور درباره ویژگی‌ها و مسیر آینده جشنواره فارابی گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است: جشنواره فارابی از ابتکارهایی بوده که در فضای علوم انسانی ما الزامی بود تا معیارهای علمی و پژوهشی تقویت شود و واقعاً اعتبار جشنواره به آثاری است که برگزیده می‌شود. گفتنی است چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی ۱۹ تیرماه ۱۴۰۲ در مرکز همایش‌های صدا و سیما برگزار می‌شود.

در طول ادوار گذشته تلاش بر ارتقای جشنواره بوده است. به اعتقاد من، در کنار کارهای پژوهشی محض و تولید معرفت، حوزه‌های علمی - کاربردی هم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و پژوهش‌ها را به طرف مسأله‌محوری و حل مشکلات جامعه سوق داد. به نظر من جشنواره در حوزه علوم انسانی گام مثبتی بوده است.

جایگاه و قابلیت جشنواره فارابی را در قیاس با سایر جشنواره‌های علمی در حوزه علوم انسانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در حال حاضر چندین جشنواره با موضوع کتاب وجود دارد؛ اما جشنواره فارابی را در قیاس با سایر جشنواره‌ها

جشنواره فارابی چقدر می‌تواند در ایجاد تحول بنیادین در علوم انسانی و تولید علم نقش ایفا کند؟ نه اینکه الزاماً این تحول را به تنهایی به دوش بکشد اما آیا می‌تواند نقشی داشته باشد؟

جشنواره فارابی یکی از سازکارهایی است که می‌تواند باعث تحول در حوزه علوم انسانی شود. یکی از سازکارهای تحول علمی عرضه آثار علمی و به دآوری گذاشتن این آثار توسط اندیشمندان است. جشنواره فارابی منجر به دیده شدن کارهای شاخص و ایجاد انگیزه برای دانشمندان و پژوهشگران و تولید آثار شاخص در علوم انسانی می‌شود. برگزاری جشنواره فارابی در برانگیختن پژوهش‌های علوم انسانی مؤثر بوده است. البته این مهم می‌تواند ارتقا یابد و

جشنواره فارابی می‌تواند به کاربردی شدن علوم انسانی کمک کند. البته نمی‌شود و نباید انتظار داشت که همه بار محور شدن علوم انسانی در جامعه را از جشنواره فارابی درخواست کنیم. روح حاکم بر پژوهش‌های علوم انسانی در کشور باید به سمت مسأله محور شدن برود و البته جشنواره فارابی هم می‌تواند سهم خود را در این بین ایفا کند

خارجی در جشنواره فارابی عرضه شود و از این طریق به سمت سایر پژوهشگرها تسری یابد. مهم است که چه کسانی آثارشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برگزاری نشست‌های تخصصی در دانشگاه‌های خارج از کشور و یا استفاده از فضای مجازی، برگزاری وبینار با حضور برگزیده‌ها و نقد و بررسی آثار، دعوت اندیشمندان خارجی از سوی دبیرخانه، نشست‌های ادواری با حضور اندیشمندان در حوزه ایران‌پژوهی و مطالعات ایران، می‌تواند به فعال‌تر شدن جنبه بین‌المللی جشنواره فارابی منجر شود. فکر می‌کنم فعالیت‌های ترویجی مبنی بر معرفی جشنواره باید در سطح بین‌المللی افزایش داشته باشد.

به عنوان نمونه، رایزن‌های فرهنگی در برخی از کشورها می‌توانند به صورت عملی جشنواره فارابی را معرفی کنند.

پخش پوستر در دانشگاه‌ها و در سطح بین‌المللی لازم است اما بیشتر به معرفی عملی نیاز داریم و می‌توانیم برگزیده‌های جشنواره را در سطح بین‌المللی معرفی کنیم. رایزنان علمی ما که در ذیل وزارت علوم هستند، می‌توانند به معرفی عملی جشنواره فارابی کمک شایانی کنند.

آیا دستاوردهای علمی جشنواره فارابی می‌تواند به نیازهای عینی کشور پاسخ دهد؟ به طوری که پژوهش‌ها به سمت و سویی برود که پاسخگوی نیازهای جامعه باشد؟

می‌توانیم مشخصاً یک بخشی را به پژوهش‌های کاربردی اختصاص دهیم. البته نظرم، این است که کلیت جشنواره ناظر و معطوف به پژوهش‌های کاربردی باشد. «پژوهش‌های کاربردی» به معنای عام، مدنظر بنده است؛ چون تولید علوم پایه در حوزه علوم انسانی کاملاً کاربردی است و شامل تولید نظریه‌ها و ایده‌پردازی‌ها هم می‌شود. یک بخشی هم می‌تواند مربوط به تحقیقات و علوم کاربردی باشد که مسأله‌محور هستند و می‌تواند مسائل را حل کند و به این بخش اختصاص یابد.

جشنواره فارابی می‌تواند به کاربردی شدن علوم انسانی کمک کند.

البته نمی‌شود و نباید انتظار داشت که همه بار محور شدن علوم انسانی را از جشنواره فارابی درخواست کنیم. روح حاکم بر پژوهش‌های علوم انسانی در کشور باید به سمت مسأله‌محور شدن برود و البته جشنواره فارابی هم می‌تواند سهم خود را در این بین ایفا کند.

جشنواره فارابی چگونه می‌تواند از ظرفیت خود برای ارتباط بیشتر و ارتقای تعاملات علمی میان استادان ایرانی و غیرایرانی استفاده کند؟

ظرفیت اولیه در این زمینه وجود دارد؛ زیرا جشنواره بخش بین‌الملل هم دارد. باید این ظرفیت را توسعه دهند و ارتباطات بین‌المللی در ذیل جشنواره گسترش داده شود. صرف اینکه تعدادی از برگزیدگان فارابی پژوهشگران خارجی باشند لزوماً به معنای توسعه تعاملات بین‌المللی نیست.

در کلیت علوم انسانی ایران، یکی از نقاط ضعفی که داریم توسعه یافتگی اندک ارتباطات بین‌المللی علوم انسانی است. طبیعتاً جشنواره فارابی هم تحت تأثیر جو عمومی قرار گرفته است. ظرفیت‌های لازم برای بین‌المللی شدن جشنواره ایجاد شده اما باید راهکارها و برنامه‌ریزی‌های مشخصی داشته باشیم که در کنار جشنواره فارابی به توسعه روابط بین‌المللی علمی هم کمک کنیم.

شاید تأکیدات ویژه باید این باشد که ما فعالیت‌های جانبی را در جشنواره فارابی داشته باشیم. خود جشنواره با توجه به معرفی برگزیده‌های بین‌المللی به این سمت رفته است اما می‌توان فعالیت‌های جانبی هم داشت که تعاملات بین‌المللی زمینه‌ساز شود. می‌توان برگزیدگان ایرانی و بین‌المللی را که حوزه‌های موضوعی و مطالعاتی مشترک دارند به هم مرتبط کرد.

دانشگاه‌ها و فضاها علمی در زمینه تحول در علوم انسانی به جشنواره فارابی چه کمکی می‌توانند بکنند؟ مثلاً در زمینه تولیدات علمی یا در نظر گرفتن اولویت‌های جشنواره برای کاربردی‌تر شدن پژوهش‌ها چه باید کرد؟

سهم اول این است که تولیدات علمی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی تولید شود. یعنی جشنواره فارابی که به تنهایی تولیدکننده پژوهش نیست. سهم اولیه از آن، این مراکز و دانشگاه‌ها است که تولیدات علمی دارند و به جشنواره فارابی عرضه و معرفی می‌کنند. دبیرخانه جشنواره فارابی باید همکاری‌های مشترکی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها داشته باشد که اولویت‌ها را مشخص کنند و به خصوص در حوزه پژوهش‌های کاربردی رایزنی بیشتری انجام دهند.

اگر بتوانیم بودجه‌ای به جشنواره فارابی اختصاص دهیم که بعضی از آثار پژوهشی را تا جای ممکن حمایت کند، برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مقطع دکتری و پژوهشگران مختلفی که علاقه‌مند هستند، تأثیر خوبی خواهد داشت. می‌توان همکاری‌های نزدیک‌تری بین جشنواره و مراکز ایجاد کرد که تولیدکننده تحقیقات هستند.

حمایت‌های مادی و معنوی جشنواره از برگزیدگان برای تکمیل پروژه‌های علمی‌شان تا چه اندازه می‌تواند مفید باشد؟ اولویت‌ها یا حمایت‌های مادی است یا معنوی؟

نظر شخصی من این است که حمایت‌های معنوی مهم‌تر است. در دوره هفتم و هشتم که اطلاعات داشتم، برگزیدگان به بنیاد نخبگان معرفی می‌شدند و وامی به آنان تعلق می‌گرفت. اما اکثر برگزیده‌ها اغلب از بین افراد صاحب کرسی و پیشکسوت بودند و چندان رغبتی نداشتند که پرونده تشکیل دهند. به هر حال، برای پژوهشگران جوان این انگیزه وجود دارد و می‌تواند مفید باشد.

حمایت‌های معنوی در این شرایط ارزنده‌تر و تأثیرگذارتر است. معرفی برگزیدگان به مراکز بین‌المللی و ترجمه آثار برگزیده به صورت کلی و خلاصه و اهدای بورسیه‌های کوتاه مدت هم تأثیرگذار است. باید این قبیل مسائل در آیین‌نامه جشنواره بازنگری شود. به نظرم معرفی پژوهش‌های برتر و معرفی آنها به حوزه‌های علمی و دانشگاهی می‌تواند انگیزه بیشتری ایجاد کند.

چه بخش‌ها و ویژگی‌های جدیدی می‌تواند به جشنواره فارابی در آینده اضافه شود؟ مسائلی که می‌تواند به حوزه علوم انسانی کمک کند یا به بهتر دیده شدن آثار برگزیده کمک کند، چیست؟

باید اهمیت بیشتری به «پژوهش‌های کاربردی» بدهیم و آن دست از پژوهش‌هایی که نوآوری بیشتری دارند، باید بیشتر هم مورد توجه قرار گیرند. جشنواره فارابی دارای بخش جوان است و پژوهش‌های برتر در این بخش

می‌تواند با توجه بیشتری هم همراه شود. اگر بتوانیم از ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های دیگر هم استفاده کنیم هم‌افزایی بیشتری در جشنواره خواهد داشت.

هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی در معاونت علمی ریاست جمهوری وجود دارد که اگر بتوانیم از ظرفیت‌هایی که در سایر مراکز هست بهره ببریم، جشنواره فارابی تقویت خواهد شد.

از سوی دیگر، باید بتوانیم تولیدات بومی را بیشتر مورد تأکید قرار دهیم. تاکنون از طرف هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی «نظریه‌پرداز برگزیده» به جشنواره فارابی معرفی می‌شود. به نظرم کار لازم و ارزشمندی است و اگر پژوهش‌هایی که نقد نوآورانه مطرح می‌کند بیشتر مورد توجه باشد راندمان جشنواره بالاتر می‌رود.

جشنواره فارابی آزاداندیشی را چگونه در دستور کار قرار می‌دهد، چنانکه تنوع اندیشه‌ها را به رسمیت بشناسد؟

جشنواره فارابی در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد پایه‌گذاری شد و در دولت‌های آقای روحانی و اکنون هم در دولت آقای رئیسی ادامه پیدا کرده است. با توجه به اینکه، جشنواره فارابی ذیل معاونت فرهنگی وزارت علوم برگزار می‌شود، طبیعتاً گفتمان‌های سیاسی دولت در آن تأثیرگذار است و این موضوع را نمی‌توانیم منکر شویم.

دیدگاه‌های مختلف در دولت‌های مختلف به نوعی تنوع و تکثر را تأمین می‌کند.

همان‌طوری که به لیست برگزیدگان مراجعه می‌کنید، می‌بینید طیف‌های نظری مختلفی وجود دارند. نظر شخصی من این است که در بررسی آثار پژوهشی بیش از اینکه سلاقی و رویکردهای سیاسی را دخیل کنیم، تأکیدمان باید روی شاخص‌هایی باشد که در خود جشنواره است. درست است که تنوع و تکثر رعایت شده اما جا دارد بخش‌های علمی را تقویت کنیم و نگاه‌های سیاسی را حتی‌المقدور کاهش دهیم.

اگر نکته‌ای در ارتباط با جشنواره فارابی یا حوزه علوم انسانی مدنظرتان است؛ بفرمایید.

تأکید می‌کنم که طبیعتاً هر نهاد و ساختاری که ایجاد می‌شود محاسن و معایبی دارد اما توصیه ما این است که بیش از اینکه نقاط ضعف و کاستی‌ها را برجسته کنیم باید کمک کنیم که نهاد مدنظر روز به روز تقویت و به نقطه مطلوب نزدیک شود. همه جامعه علمی شامل دانشمندان، پژوهشگران و محققان فارغ از نقدها و انتقادهایی که ممکن است داشته باشند، به ارتقای جشنواره کمک کنند.

فارابی یکی از ابتکاراتی بوده که در علوم انسانی الزامی بود تا معیارهای علمی و پژوهشی تقویت شود و واقعاً اعتبار جشنواره به آثاری است که برگزیده می‌شود. تلاش کنیم برگزیدگان صاحب اعتبار علمی شوند؛ چرا که به تثبیت جایگاه جشنواره در حوزه علوم انسانی کمک می‌کند.

روابط علمی بین‌المللی در حوزه علوم انسانی را باید توسعه دهیم
صرف اینکه تعدادی از برگزیدگان فارابی پژوهشگران خارجی باشند لزوماً به معنای توسعه تعاملات بین‌المللی نیست.

در کلیت علوم انسانی ایران، یکی از نقاط ضعفی که داریم توسعه یافتگی اندک ارتباطات بین‌المللی علوم انسانی است.

طبیعتاً جشنواره فارابی هم تحت تأثیر جو عمومی قرار گرفته است.

ظرفیت‌های لازم برای بین‌المللی شدن جشنواره ایجاد شده اما باید راهکارها و

برنامه‌ریزی‌های مشخصی داشته باشیم که در کنار جشنواره فارابی به توسعه روابط

بین‌المللی علمی هم کمک کنیم.



برش



برگزاری جشنواره

فارابی در

برانگیختن

پژوهش‌های علوم

انسانی مؤثر بوده

است. البته این

مهم می‌تواند ارتقا

یابد و در طول ادوار

گذشته تلاش بر

ارتقای جشنواره

بوده است. در کنار

کارهای پژوهشی

محض و تولید

معرفت، حوزه‌های

علمی - کاربردی

هم باید بیشتر مورد

توجه قرار گیرد و

پژوهش‌ها را به

طرف مسأله‌محوری

و حل مشکلات

جامعه سوق داد.

به نظرم جشنواره

فارابی در حوزه

علوم انسانی گام

مثبتی بوده است

گفت‌وگو

گفت‌وگو و ارتباط‌گیری از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین الزامات علمی در همه عرصه‌ها، بویژه عرصه علوم انسانی است تا ما شاهد شکل‌گیری فضای پرنشاط در این حوزه باشیم. اما متأسفانه فضای علوم انسانی در کشور ما بی‌حال و راکد است و یکی از مهم‌ترین دلایل این مسأله هم رایج نبودن نقد است؛ البته نقدی که به دور از توهین و اهانت به دیگران است.

در واقع باید گفت یکی از شاخص‌های توسعه و پیشرفت را می‌توان در میزان نقدپذیری و فضای انتقادی جوامع جست‌وجو کرد. در همین راستا، گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فارابی داشته‌ایم که پیرامون ضرورت آزاداندیشی، نقدپذیری، کیفیت علوم انسانی و نقش جشنواره فارابی در تحول و پیشرفت علوم به نکات قابل تأملی اشاره کرده است.



گفت‌وگو با دکتر رضا غلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم:

جای خالی تفکر انتقادی

از دلایل رکود علوم انسانی در کشور رایج نبودن نقد است

می‌خواهیم بدانیم «سهم نقد» و «نقش آزاداندیشی» در تحول علوم انسانی چقدر است؟ پرسش بسیار مهمی است. واقعیت این است که «آزاداندیشی» روح و جان پژوهش و آموزش در علوم انسانی است. به نظرمی‌رسد کسانی که تصور می‌کنند علوم انسانی وجه تحمیلی دارد، با ماهیت معرفت و ذات علم، آن هم معرفت و علم انسانی و اجتماعی آشنایی ندارند. من در سال‌های گذشته در طرح ایده «علوم انسانی اسلامی» در ایران نقش مؤثری داشته‌ام و البته نظریه خاصی نیز در این زمینه دارم. شاید نظریه بنده در زمینه شکل‌گیری و تکامل علوم انسانی اسلامی، با اغلب نظریه‌هایی که طی ۸۰ سال اخیر در دنیای اسلام ارائه شده متفاوت باشد.

با این حال، سخن من در اینجا چیز دیگری است. سخن بر سر این است که از همان اوایل ارائه ایده دستیابی به علوم انسانی اسلامی، به این

جمع‌بندی رسیدیم که تحمیل علوم انسانی اسلامی به اساتید و به تبع آن، به دانشجویان، نه فقط اخلاقاً و منطقاً روا نیست بلکه تأثیری نیز در تحول واقعی در علوم انسانی ندارد.

ممکن است بپرسید چرا به چنین نتیجه‌ای رسیدیم، برای اینکه علم باید آزادانه و بدون هرگونه موانعی، در دستگاه عقلی پرورش یابد و نتایج حاصله، دانشمند و سپس جامعه تخصصی علمی را قانع کند.

در غیر این صورت، طبیعی است که علم جای خود را با ایدئولوژی عوض خواهد کرد.

با این ملاحظه، تأکید دارم فضای علوم انسانی باید کاملاً با آزاداندیشی سازگار باشد. نه علوم انسانی در دام سیاست‌زدگی و فتنه‌انگیزی جناح‌های بیمار سیاسی گرفتار شود و نه علوم انسانی اسیر دگم‌اندیشی‌ها و تنگ‌نظری‌های عوامانه قرار گیرد. در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت فضای علوم انسانی پرنشاط و سرزنده باشد و امکان

نظریه‌پردازی و نوآوری فراهم شود.

«نقد» پس از «آزاداندیشی»، مهم‌ترین عنصر در جهت حیات بخشی به علوم انسانی است. اگر مشاهده می‌کنید که فضای علوم انسانی در کشور ما بی‌حال و راکد است، یکی از مهم‌ترین دلایلش، رایج نبودن نقد است.

البته روشن است که منظور از نقد، دعوا و توهین یا تحقیر و هجو همدیگر نیست. منظور از نقد، یک کار عالمانه و روشمند، مبتنی بر یک متدولوژی مشخص است. ما باید به درجه‌ای از سعه صدر برسیم که نظرات علمی همدیگر را با رغبت و مستمراً نقد کنیم و از مسیر نقد به سوی اصلاح و تقویت و حتی کنار گذاشتن نظریات باطل خود حرکت کنیم.

حتی به چنان سعه صدری دست پیدا کنیم که آغوش خود را روی به چالش کشیدن نظرات خودمان باز کنیم.

اگر به تاریخ علوم انسانی توجه کنید، خیلی از



نمره کیفیت علوم انسانی را در کشورمان پایین می‌دهم. زمانی علوم انسانی در کشور ما نمره مطلوب خواهد گرفت که نظریه‌پردازی و نوآوری در فضای علوم انسانی به نحو ملموسی گسترش پیدا کند

نظریه‌های جدید از دل نقدها و چالش‌های علمی متولد شده است.

ارتباط علمی و گفت‌وگوهای علمی-آکادمیک چقدر در هندسه پیشرفت علم و نوآوری‌های علمی مؤثر است؟

«گفت‌وگو» لازمه کار علمی در همه عرصه‌ها، بویژه عرصه علوم انسانی است. بر خلاف دنیای سیاست که بعضی از سیاستمداران دائماً به هم بدبین و خوش بین می‌شوند یا مانند کودکان و به خاطر دور شدن از واقع‌گرایی، با یکدیگر قهر می‌کنند، در علوم انسانی باید دانشمندان همیشه با هم در آشتی به سر ببرند.

قهر کردن در علم بی‌معناست. مرزبندی‌های اعتقادی و ایدئولوژیک یا سیاسی در علم، کمکی به توسعه و تعمیق علم نمی‌کند. ائمه اطهار (ع) به‌راحتی با خداناپاوران مباحثه می‌کردند و صحنه بحث و گفت‌وگو را به خاطر تفاوت‌های عقیدتی ترک نمی‌کردند. من جزو کسانی هستم که معتقد به ضرورت بسط گفت‌وگوهای علمی در علوم انسانی، با صاحبان همه مکاتب علمی می‌باشم و خودم نیز از گفت‌وگوی علمی به خاطر اختلاف نظر سیاسی با برخی اساتید، پرهیز نمی‌کنم. بخش اعظم سوء تفاهم‌های علمی و تفاوت‌های نادرست دانشمندان درباره دیدگاه‌های همدیگر، مولود قطع یا کاهش گفت‌وگوهای علمی است.

ارزیابی تان از کیفیت علوم انسانی در کشورمان چیست؟ چه عواملی را برای ارتقای کیفیت علوم انسانی مؤثر می‌شمارید؟

من نمره کیفیت علوم انسانی را با شاخص‌هایی که در نظر دارم، پایین می‌دهم.

زمانی علوم انسانی در کشور ما نمره مطلوب خواهد گرفت که نظریه‌پردازی و نوآوری در فضای علوم انسانی به نحو ملموسی گسترش پیدا کند. نقدهای علمی وسعت یابد و از همه مهم‌تر، علوم انسانی قادر باشد با قدرت، نقش مغزافزار پیشرفت همه جانبه کشور و نیز پیشگیری و مقابله با مسائل و آسیب‌های اجتماعی را بازی کند. الان این گونه نیست.

اگر بخواهیم دایره اثربخشی علوم انسانی را در حل مسائل مبتلا به وسعت بخشیم، چه باید کرد؟

باید دیسپلین‌های غیرضروری را شجاعانه کنار بگذاریم.

باید پژوهش را با آموزش ممزوج کنیم. به تفکر و نوآوری بها بدهیم. از جذب زیاد و بدون محاسبه دانشجو خصوصاً دانشجوی تحصیلات تکمیلی اجتناب کنیم. به دانشجویان کم‌سواد، شجاعانه نمره قبولی ندهیم.

رویکردهای کمی محض مثلاً أفرات در مقاله‌نویسی استادان برای ارتقای علمی را طرد کنیم. از نخبگان و نوابغ جوان جدی حمایت مادی و معنوی کنیم. از سوی دیگر، ارتباط علوم انسانی با کف جامعه را بالا ببریم. باید درک اساتید از ظرایف و پیچیدگی‌های اجتماعی متقن و عمیق باشد. باید نسبت به تحولات اجتماعی پیش‌بینی داشته باشیم.

نباید خودمان را در یک طیف یا طبقه اجتماعی محصور کنیم و با عینک آن طیف و طبقه، به جامعه نگاه کنیم.

با این حال، دوست دارم از یک واقعیت مهم دیگر نیز پرده برداری کنم.

واقعیتی که قصد دارم بیان کنم این است، تا زمانی که حکمرانی در کشور نظام‌مند و سپس علمی نشود، نظام حکمرانی، اساساً مسأله واقعی ندارد تا بخواهد دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در علوم

انسانی به آن مسأله پاسخی بدهند! پس موضوع را باید دو طرفه دید.

یک طرف کارآمدی علوم انسانی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها است و طرف دیگر، نظام حکمرانی و حتی بخش غیردولتی است.

آنگاه که ذوق، سلیقه، شهود و تجربه شخصی جای علم را گرفته است، چه انتظاری هست تا دانشگاه‌ها حلال مسائل باشند و در دام تشریفات نیفتند؟!

بعضی‌ها سرمایه‌گذاری بر تحقیقات نظری محض در علوم انسانی را بی‌بوهه تلقی می‌کنند؛ نظر شما در این باره چیست؟

این تلقی‌ها بویژه وقتی در بین همکاران‌مان در نظام آموزش عالی زیاد دیده می‌شود، جزو غصه‌های ماست.

بعضی‌ها که علوم انسانی را نمی‌شناسند، تصور می‌کنند نظرات کاربردی در علوم انسانی، بین زمین و آسمان معلق هستند! خیر، اصلاً این گونه نیست.

هر نظر و ایده کاربردی در علوم انسانی مبتنی بر دکترین‌ها و نظریه‌های علمی است و بدون پشتیبانی نظری، فاقد وجاهت است. بر این اساس، رشته‌های نظری محض در علوم انسانی خیلی مهم هستند.

فلسفه، الهیات، تاریخ، فلسفه علم، فلسفه‌های علوم یا فلسفه‌های درجه اول مانند فلسفه اقتصاد، فلسفه سیاست، فلسفه روانشناسی و غیره، همه در جای خود اهمیت دارند و کسی اجازه ندارد به نام کاربردی‌سازی، ارزش و قیمت اینها را پایین آورد.

چه دیدگاهی درباره ارتباطات و تعاملات جهانی در عرصه علم و دیپلماسی علمی دارید؟

ارتباط و تعامل غیررسمی با دانشمندان خارجی و ارتباط و هم‌افزایی رسمی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در شرایطی که معمولاً جهان تحت سیطره ICT و دیجیتال‌ایسم را به یک «دهکده» تشبیه می‌کنیم، جزو واجبات است.

ما قادر نیستیم به سبک جزیره‌ای به زندگی خود ادامه دهیم. امروز بر خلاف سده‌های قبل، همه مردم جهان در یک کشتی بزرگ سوار شده‌اند و سرنوشت‌شان به هم پیوند خورده است.

در قضیه تلخ و خسارت‌بار کرونا، این به‌هم‌پیوستگی جهانی را به خوبی درک کردیم. در این شرایط، همه کشورها باید در عرصه علم و فناوری با یکدیگر همکاری کنند.

این نکته را توجه کنیم که همکاری‌ها فقط منحصر به علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پزشکی نیست.

امروز نیازهای جهانی در زمینه همکاری در علوم انسانی هم زیاد شده است.

درست است که ما با دیگران از حیث جهان‌بینی تفاوت داریم اما این تفاوت، مانع از همکاری در جهت توسعه امور انسانی و رفع خطرات اجتماعی مشترک در جهان نمی‌شود.

اتفاقاً ما در علوم انسانی حرف‌های قابل توجهی با جهان‌بینی خودمان برای دنیا داریم.

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که عهده‌دار مسئولیت مهم دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فارابی است، خودش چقدر در موضوع تحول در علوم انسانی پیش‌تاز است؟

طی یکسال و نیم اخیر، اتفاقات قابل توجهی در مؤسسه سابق «مطالعات فرهنگی و اجتماعی» که با همکاری معاونین محترم وزارت علوم اخیراً به پژوهشگاهی با عنوان «پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی» تبدیل شد، ظهور و بروز یافته است.

در این پژوهشگاه، هفته‌ای نیست که شاهد یک رویداد علمی بزرگ و اثربخش نباشیم. بسیاری از اساتید بر این باورند که امروز این پژوهشگاه برای مراکز تحقیقاتی کشور انگیزش است و فضای علوم انسانی در کشور را بویژه در عرصه آزاداندیشی، نقد و گفت‌وگوی علمی رونق داده است.

اگر قرار باشد نقش جشنواره بین‌المللی فارابی در تحول و پیشرفت علوم انسانی را توصیف کنید، این نقش‌ها چه خواهند بود؟

این جشنواره معتبرترین جشنواره علوم انسانی و اسلامی است. بدون اغراق جشنواره بین‌المللی فارابی در گسترش ظرفیت‌های علمی و تحقیقی در علوم انسانی و در بالا بردن تراز تحقیقات در این ساختار اثرگذار است.

خوشبختانه، هر سال هم جشنواره نسبت به قبل رشد ساختاری و کیفی دارد. البته همکاری و مشارکت مجدانه و اثرگذار معاونت پژوهشی در وزارت علوم، معاونت علمی و فناوری و نیز بنیاد ملی نخبگان را نمی‌توان نادیده گرفت. امسال نیز مانند سال قبل، حمایت از برگزیدگان جشنواره افزایش ملموسی یافته است. جدای از خدمات تازه‌ای که بنیاد ملی نخبگان اعطا می‌کند، خوشبختانه معاونت پژوهشی وزارت علوم نیز از چهاردهمین جشنواره به بعد، به نفع اول و دوم جشنواره‌گرنی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان جهت تکمیل پروژه تحقیقی آنان اختصاص می‌دهد.



تا زمانی که حکمرانی در کشور نظام‌مند و سپس علمی نشود، نظام حکمرانی، اساساً مسأله واقعی ندارد تا بخواهد دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در علوم انسانی به آن مسأله پاسخی بدهند! پس یک طرف موضوع، کارآمدی علوم انسانی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها است و طرف دیگر، نظام حکمرانی و حتی بخش غیردولتی است. آنگاه که ذوق، سلیقه، شهود و تجربه شخصی جای علم را گرفته است، چه انتظاری است تا دانشگاه‌ها حلال مسائل باشند و در دام تشریفات نیفتند؟!

گام‌هایی که برای اثربخشی علوم انسانی باید برداشت



اگر بخواهیم دایره اثربخشی علوم انسانی را در حل مسائل مبتلا به جامعه وسعت بخشیم، باید دیسپلین‌های غیرضروری را شجاعانه کنار بگذاریم. باید پژوهش را با آموزش ممزوج کنیم.

به تفکر و نوآوری بها بدهیم. از جذب زیاد و بدون محاسبه دانشجو خصوصاً دانشجوی تحصیلات تکمیلی اجتناب کنیم. به دانشجویان کم‌سواد، شجاعانه نمره قبولی ندهیم.

رویکردهای کمی محض مثلاً أفرات در مقاله‌نویسی استادان برای ارتقای علمی را طرد کنیم. از نخبگان و نوابغ جوان جدی حمایت مادی و معنوی کنیم. ارتباط علوم انسانی با کف جامعه را بالا ببریم.

باید درک اساتید از ظرایف و پیچیدگی‌های اجتماعی متقن و عمیق باشد. باید نسبت به تحولات اجتماعی پیش‌بینی داشته باشیم. نباید خودمان را در یک طیف یا طبقه اجتماعی

محصور کنیم و با عینک آن طیف و طبقه، به جامعه نگاه کنیم.



ما اعتقاد داریم که نخبه تعریفی دارد؛ هر فردی که استعداد داشته باشد و در راستای این استعداد تلاش کند و از نتیجه تلاش او، کشور و جامعه بهره‌مند شوند، نخبه محسوب می‌شود. اگر این تلاش و استعداد منجر به برتری شود و تلاش هم ارزنده باشد، باعث تأثیرگذاری زیاد در جامعه خواهد شد

گفت‌وگو با دکتر ناصر باقری مقدم، قائم مقام بنیاد ملی نخبگان:

حکمرانی مطلوب با مدیران نخبه

در بخش «حکمرانی» و «مدیریتی» به پرورش نخبگان بیشتری نیاز داریم

جناب باقری مقدم، در کشور ما معمولاً وقتی صحبت از نخبه می‌شود، ذهن‌ها بیشتر به حوزه‌های فنی و مهندسی معطوف می‌شود. از نظر شما، نخبه در حوزه علوم انسانی کیست؟ اصولاً مفهوم نخبه در حوزه علوم انسانی صحیح است یا باید از مفاهیم دیگری چون اندیشمند و متفکر و... برای افراد برجسته این حوزه استفاده شود؟

ما اعتقاد داریم در سند راهبردی کشور در امور نخبگان، چهره‌های نخبه در حوزه‌های غیر فنی و مهندسی هم دیده می‌شوند. بنا به دلایلی در سال‌های اولیه تشکیل بنیاد نخبگان، مسئولان و دست‌اندرکاران عمدتاً نخبگان در حوزه‌های فنی و مهندسی را مدنظر قرار می‌دادند که در نتیجه، حوزه علوم انسانی مغفول ماند. دلیل این موضوع هم پیچیدگی کار در علوم انسانی است. روال در حوزه فنی و مهندسی در کشورمان و دنیا مشخص است اما در حوزه علوم انسانی خیلی تعریف دقیقی وجود ندارد. ما اعتقاد داریم که نخبه تعریفی دارد؛ هر فردی که استعداد داشته باشد و در راستای این استعداد تلاش کند و از نتیجه تلاش او، کشور و جامعه بهره‌مند شوند، نخبه محسوب می‌شود. اگر این تلاش و استعداد منجر به برتری شود و تلاش هم ارزنده باشد، باعث تأثیرگذاری زیاد در جامعه خواهد شد.

کشور در کدام بخش از حوزه علوم انسانی نیازمند پرورش نخبه است؟

یکی از مهم‌ترین محورهایی که در آن نیازمند نخبه هستیم، در بخش «حکمرانی» و «مدیریتی» است. این مطلب مورد توجه مقام معظم رهبری هم بوده و در سخنرانی‌های متعدد به این حوزه اشاره کردند. تعریف یک نخبه در حوزه مدیریت این است که از استعداد اولیه خوبی برخوردار باشد و در این راستا تلاش کند و در حوزه‌های مختلف تجربه به دست آورده باشد و راه حل خوبی برای اداره اجتماع ارائه دهد. چنین نخبه‌ای می‌تواند در حوزه صنعت، فرهنگ، هنر و مسائل اقتصادی و اجتماعی فعالیت کند. ما در این حوزه‌ها نیازمند مدیران نخبه هستیم. می‌توان یک نخبه را در حوزه علوم انسانی تعریف کرد. در حال حاضر زیرساخت‌های لازم برای فعالیت نخبه‌ها در علوم فنی و مهندسی آماده شده و نیازمند این هستیم که مجموعه‌ها توجه خود را روی سرآمدان حوزه علوم انسانی بگذارند.

به چه کسی می‌توان در حوزه علوم انسانی نخبه گفت؟

نخبگی نقطه پایان یک فرایند است. افراد در ابتدا «استعداد برتر» هستند و در ادامه به «سرآمدی» می‌رسند و در انتهای فرایند می‌توانیم به آنان «نخبه» بگوییم. اگر می‌گوییم نخبگان علوم انسانی، منظورمان کل یک فرایند است که استعدادهای برتر و سرآمدهای این حوزه از مسیر تا قله را که همان «نخبگی» است، طی می‌کنند. اکنون تعداد نخبه‌های علوم انسانی کم هستند و باید افراد مستعد و سرآمدهای حوزه را از متوسطه دوم شناسایی کنیم و به سمت حوزه علوم انسانی سوق دهیم.

اشاره کردید که تعداد نخبه‌های علوم انسانی کمتر از سایر بخش‌های علمی است. چه مشکلاتی منجر به بروز این کاستی شده است؟



گفت‌وگو

«بنیاد نخبگان» متولی توانمندسازی، پشتیبانی و استفاده از توان نخبگان کشور است. در واقع مهم‌ترین دستورالعمل این بنیاد، گسترش دایره نخبگانی است که از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه در هر کشور به‌شمار می‌رود. دکتر ناصر باقری مقدم، قائم مقام بنیاد ملی نخبگان در این گفت‌وگو، پیرامون حمایت‌ها و راهبردهای این بنیاد از برگزیدگان جشنواره فارابی و فراهم کردن زمینه‌های رشد علوم انسانی و تربیت و تقویت افراد مستعد و نخبه در حوزه علوم انسانی سخن گفته است.

در شناسایی مستعدان حوزه علمی انسانی کمتر کار شده است. امسال به دستور آقای رئیس جمهور شیوه‌نامه‌ها را متنوع کردیم و بزودی شیوه‌نامه‌های شناسایی و حمایت از نخبگان علوم انسانی را تصویب و ابلاغ می‌کنیم. قبلاً این شیوه‌نامه‌ها ناظر به بخش فنی و مهندسی بود و سعی کردیم در دوره جدید تنوع حوزه‌های علمی را در نظر بگیریم.

شما در صحبت‌های خود اشاره کردید که رهبر انقلاب هم تأکید بسیاری بر رشد حوزه علوم انسانی دارد و یکی از مطالبات رهبر انقلاب در طول دو دهه اخیر هم مسأله تقویت علوم انسانی در کشور و معطوف کردن این حوزه علمی به حل مسائل کشور بوده است. بنیاد ملی نخبگان برای حمایت از نخبگان حوزه علوم انسانی که در نهایت منجر به تقویت این حوزه علمی در کشور شود چه برنامه‌ها و راهبردهایی دارد و چه نقشی اصولاً می‌تواند ایفا کند؟

یکی از استراتژی‌های بنیاد ملی نخبگان در یک سال اخیر را توسعه مفهوم نخبه در حوزه علوم انسانی و تقویت نخبگان علوم انسانی قرار دادیم. در این راستا چند برنامه داریم. یکی از برنامه‌ها ایجاد انگیزه برای بچه‌های دانشجو یا المپیادی و رتبه‌های یک تا ۲۰۰ کنکور در حوزه‌های علوم پایه و علوم انسانی است که به پیشرفت در این مسیر ادامه دهند.

اکنون به دلیل نبود آینده شغلی مناسب، خیلی از بچه‌های ما که جزو دانشجویان و یا افتخارآفرینان المپیادی ما هستند و یا در حوزه‌های علوم پایه کار می‌کنند، در انتخاب‌های خود در دانشگاه به سمت رشته‌هایی می‌روند که وضعیت شغلی مناسبی دارند. مثلاً فردی در حوزه جامعه‌شناسی فعالیت می‌کند که باید تلاش کنیم او رشته مبنایی خود را ادامه دهد و در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی یا از این قبیل موارد ادامه تحصیل دهد و سراغ رشته‌های فنی و مهندسی نرود یا در حوزه‌های علوم پایه مانند رشته فیزیک و ریاضیات فعالیت کند. اگر فردی برگزیده المپیاد یا رتبه‌های یک تا ۲۰۰ کنکور باشد، باید او را تا زمان اخذ مدرک دکتری حمایت کنیم و اگر پویایی علمی این افراد حفظ شد بتوانند بدون اینکه کنکور بدهند، وارد مقطع کارشناسی ارشد و دکتری شوند.

همچنین برای توانمندسازی افراد مستعد در این مدت کمک هزینه خوبی را در نظر گرفتیم که شامل تصویب یک حقوق حداقلی برای این افراد است که ماهانه به حساب آنان واریز شود. کمک هزینه توانمندی‌سازی هم پرداخت می‌شود. در نهایت هم امکان به‌کارگیری و اشتغال در بخش‌های تحقیقاتی و دانشگاهی به عنوان محقق و عضو هیأت علمی فراهم می‌شود.

برنامه دیگری که داریم ایجاد برنامه‌های خاص توانمندسازی در حوزه علوم انسانی است. سال‌هاست که چندین برنامه توانمندسازی در حوزه علوم انسانی توسط عزیزان و استادان این حوزه برگزار می‌شود و ما به کمک این دوره‌ها می‌رویم. در این دوره‌ها، دانشجویان با استعداد مشمول آموزش خاص توانمندسازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند. بحث‌های دیگری هم مثل دوره‌های کمک به ایجاد «مدرسه حکمرانی» در کشور است که افراد مستعد برتر حوزه علوم انسانی آموزش ببینند و در زمینه حکمرانی فعالیت کنند و در دستگاه‌های مختلف به‌کار گرفته شوند.

جشنواره فارابی به عنوان معتبرترین جشنواره

علمی کشور در حوزه علوم انسانی سال‌هاست

که در حال برگزاری است. چه راهبردهایی برای

همگرایی و حمایت از چنین جشنواره‌هایی دارید

تا در نهایت بتوانیم نظریات بومی در حوزه علوم

انسانی معطوف به مشکلات کشور و یا پیشرفت

کشور تولید شود؟

یکی از راه‌های شناسایی سرآمدان و نخبگان برای بنیاد، استفاده از جشنواره‌های معتبری است که در

کشور برگزار می‌شود. سال‌هاست جشنواره فارابی را به عنوان جشنواره معتبر حوزه علوم انسانی شناخته‌ایم و مساعدت‌های مختلفی را انجام می‌دهیم و برگزیدگان جشنواره فارابی را به عنوان سرآمد انتخاب می‌کنیم. اکنون هم همکاری دوره‌های پسادکتری به این برگزیدگان اعطا می‌شود و در حوزه‌های مختلف می‌توانیم برای آنان برنامه‌هایی را تعریف کنیم.

به اعتقاد من جشنواره بایستی به فکر ایجاد جریان علمی علوم انسانی در کشور باشد. اکنون توجه کمی از سوی نخبگان به حوزه علوم انسانی داریم. حرکت ما و بنیاد نخبگان کمک به جریان‌سازی و کمک به برگزیدگان نخبه است. در واقع با این کار جریان‌سازی در جشنواره فارابی تقویت می‌شود و افراد بیشتری علاقه نشان می‌دهند.

در زمینه علوم انسانی بنیاد ملی نخبگان به کمک افراد با استعداد می‌آید و از برنامه‌های مشترک تحقیقاتی در پسادکتری‌های مختلف و سایر قالب‌ها حمایت می‌کند. تعدادی از برگزیدگان جشنواره فارابی، دوره‌های مربوط به عضویت در هیأت علمی را در بنیاد ملی نخبگان طی می‌کنند و می‌توانند جذب دانشگاه‌های کشور شوند. این موارد کمک‌هایی است که ما می‌توانیم انجام دهیم و جشنواره هم با ارتقای کیفیت و گستردگی کار خود می‌تواند جریان‌سازی کند.

تجربیات جهانی در کشورهای مختلف در حمایت

از نخبگان حوزه علوم انسانی چگونه است و چه

روش‌ها و راهبردهایی در کشورهای پیشرو در این

زمینه برای حمایت از نخبگان حوزه علوم انسانی و

تقویت این حوزه علمی در پیش گرفته شده است؟

حوزه علوم انسانی را در یک تقسیم‌بندی باید به دو قسمت حوزه «علوم انسانی محض» و «علوم انسانی کاربردی» تقسیم کرد. کشور برای هر دو حوزه باید برنامه داشته باشد. در حوزه علوم انسانی کاربردی استفاده از سازکارهای معاونت علمی و فناوری و دانش‌بنیان ریاست جمهوری کارساز است. ایجاد شرکت‌های خلاق و دانش‌های علوم انسانی در حوزه کاربردی می‌تواند منجر به ثمربخشی این حوزه‌ها و نخبگان در کشور شود.

قاعداً حوزه حکمرانی، مدیریت و حقوق به عرصه بازار نزدیک است و می‌توان این رشته‌ها را جزو علوم انسانی کاربردی دانست که باعث حل مشکلات حال حاضر می‌شود. معاونت علمی ریاست جمهوری تا حدودی قالب همکاری را فراهم کرده و ستاد تخصصی در معاونت علمی ایجاد شده است. اگر نخبه‌های این حوزه‌ها شناسایی شوند و حمایت اولیه انجام شود، ادامه مسیر را در معاونت علمی ریاست جمهوری طی می‌کنند و می‌توانند کار خود را به عنوان یک اندیشکده یا شرکت در چهارچوب حقوقی مشخص شروع کنند و حل مسائل کاربردی علوم انسانی را انجام دهند.

قسمت دوم مربوط به «علوم انسانی محض»

است. به نظر می‌رسد در این حوزه در بخش تعریف

و اجرا مشکلاتی وجود دارد.

«علوم انسانی محض» کار پیچیده‌ای است که اکنون کاربرد مشخصی ندارد و باید برای سال‌های بعد برای آن کار شود و از نظریات آنان در کرسی‌های نظریه‌پردازی در ساحت‌های مختلف فکری استفاده

کرد. عمدتاً نخبه‌های این حوزه تا زمان ایجاد زمینه برای فعالیت به عنوان پژوهشگر، مطالعات خود را ادامه می‌دهند یا به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه تحقیقات خود را انجام می‌دهند. ایجاد پژوهش‌کننده‌های علوم انسانی بنیادی که عمدتاً ناظر به مسائل جاری کشور نیستند، بلکه روی مسائل بنیادین کشور در آینده کار می‌کنند، از جمله مواردی است که می‌توان در حوزه علوم انسانی محض انجام داد. همان کاری که در حوزه‌های پایه یا علوم مهندسی انجام می‌شود.

همچنان این ذهنیت در کشور ما وجود دارد

که افراد باهوش و مستعد باید وارد رشته‌های

مهندسی شوند و وارد شدن به رشته‌های علوم

انسانی اشتباه است. البته تا حد زیادی این انگاره

اصلاح شده است. اما برای اصلاح این نگاه و حضور

بیشتر افراد مستعد در رشته‌های علوم انسانی چه

تمهیداتی می‌توان در کشور اندیشید؟

این انگاره یا فرهنگ ناشی از واقعیت‌های اجتماعی است و نباید آن را کتمان کنیم. باید دانش‌آموزان مستعد را از همان دوره دانش‌آموزی یا متوسطه دوم به سمت علوم انسانی سوق دهیم و جذابیت لازم را برای آنان ایجاد کنیم. اگر طرح اولیه‌ای که توضیح دادم موفق باشد و بتوانیم دانشجویان را در رشته‌های مبنایی خود در علوم انسانی حفظ کنیم و از سوی دیگر رتبه‌های برتر کنکور را در حوزه علوم انسانی یا نفرت برتر المپیادهای ادبی به سمت تحصیل در رشته‌های مادر در علوم انسانی برونند، اقدام تأثیرگذاری کرده‌ایم. به اعتقاد من، اگر رویه و فرایند را اصلاح کنیم و انگاره‌ها در ذهن مردم اصلاح شود، می‌توانیم کمبودها در علوم انسانی را برطرف کنیم. در حال حاضر، اکثر شغل‌ها به سمت حوزه فنی و مهندسی رفته و دانشجویان هم به این سمت می‌روند. البته الان علوم تجربی به غلط پررنگ شده و ملاحظه می‌کنید که علاقه به حوزه فنی و مهندسی هم کم‌رنگ شده و اغلب داوطلبان در حوزه تجربی زورآزمایی می‌کنند.

برای اینکه فضای روشن به‌کارگیری نخبگان و اشتغال در سایر حوزه‌های علوم انسانی فراهم شود، می‌توانیم فرایند اصلاح انگاره‌ها را طی کنیم. نمی‌گوییم یک شبه امکان‌پذیر است اما می‌توانیم این روند را اصلاح کنیم.

بنیاد ملی نخبگان چه نقشی در رونق و شکل‌گیری

کرسی‌های نظریه‌پردازی و تبدیل پژوهش‌های

حوزه علوم انسانی به نظریات کاربردی و مورد

استفاده در جامعه و عملیاتی کردن پژوهش‌های

این حوزه می‌تواند ایفا کند. شما در حال حاضر

اصلی‌ترین مشکل کشور در حوزه علوم انسانی

را چه موردی می‌دانید که باعث شده چندان این

حوزه رضایت‌بخش نباشد؟

نهادهای خاصی برای این منظور داریم. با کرسی‌های نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی تفاهنامه‌ای در حوزه پسادکتری علوم انسانی تعریف کردیم تا نخبگان در رشته‌های خاص علوم انسانی تحقیق خود را شروع کنند و به عنوان استادیار پایه یک دانشگاه حقوق دریافت نمایند. اما باید کارکرد نهایی‌ها را در جاهایی که کشور به این مطالعات نیاز دارند، طراحی کنند. ما به عنوان بنیاد نخبگان وظیفه هدایت و توانمندسازی داریم و دانشگاه جایگاه نهایی را فراهم می‌کند.

«نخبگی» نقطه پایان یک فرایند است. افراد در ابتدا «استعداد برتر» هستند و در ادامه به «سرآمدی» می‌رسند و در انتهای فرایند

می‌توانیم به آنان «نخبه» بگوییم. اگر می‌گوییم نخبگان علوم انسانی، منظورمان کل یک فرایند است که استعدادها برتر و سرآمدهای

این حوزه از مسیر تا قله را که همان «نخبگی» است، طی می‌کنند. اکنون تعداد نخبه‌های علوم انسانی کم هستند و باید افراد مستعد و

سرآمدهای حوزه را از متوسطه دوم شناسایی کنیم و به سمت حوزه علوم انسانی سوق دهیم



برش

با کرسی نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی تفاهنامه‌ای در حوزه پسادکتری علوم انسانی تعریف کردیم تا نخبگان در رشته‌های خاص علوم انسانی تحقیق خود را شروع کنند و به عنوان استادیار پایه یک دانشگاه حقوق دریافت نمایند



یکی از مهمترین

محورهایی که در

آن نیازمند نخبه

هستیم، در بخش

«حکمرانی» و

«مدیریتی» است.

این مطلب مورد

توجه مقام معظم

رهبری هم بوده و

در سخنرانی‌های

متعدد به این حوزه

اشاره کردند. تعریف

یک نخبه در حوزه

مدیریت این است

که از استعداد اولیه

خوبی برخوردار

باشد و در این

راستا تلاش کند

و در حوزه‌های

مختلف تجربه

به‌دست آورده باشد

و راه حل خوبی

برای اداره اجتماع

ارائه دهد. چنین

نخبه‌ای می‌تواند

در حوزه صنعت،

فرهنگ، هنر و

مسائل اقتصادی و

اجتماعی فعالیت

کند. ما در این

حوزه‌ها نیازمند

مدیران نخبه

هستیم

گفت‌وگو با دکتر مهدی عباس‌زاده، دبیر علمی جشنواره فارابی:

سرمایه گذاری علمی هدفمند

علوم انسانی در نگاه مردم باید جایگاه شایسته خود را پیدا کند

● گفت‌وگو

علوم انسانی اسلامی، مغزافزار حاکمیت، مدیریت و قوه محرکه پیشرفت نظامی است که درونمایه آن، علم و دانش است. به‌رغم اینکه دانشمندان و پژوهشگران با استعداد و توانمندی در حوزه علوم انسانی در کشور حضور دارند، اما بعضاً حرکت نکردن برخی از پژوهشگران علوم انسانی در مرزهای دانش و کم‌توجهی به نظریه‌ها و یافته‌های علمی موجود در سطوح ملی و جهانی و ناظر نبودن بسیاری از پژوهش‌های علمی انسانی به ساحت کاربرد و گره‌گشایی از مشکلات و حل مسائل واقعی جامعه، باعث شکل‌گیری نقاط ضعف حوزه علوم انسانی در کشورمان شده است. در این میان، برگزاری رویدادهای بین‌المللی مانند «جشنواره فارابی» با هدف نظریه‌پردازی، نوآوری و خلاقیت در حوزه علوم انسانی می‌تواند تا حدودی به شناسایی و رفع نواقص موجود کمک کند. در همین راستا، گفت‌وگویی با دکتر مهدی عباس‌زاده دبیر علمی جشنواره فارابی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

تناسب کافی بین سرمایه‌گذاری کنونی و اهمیت علوم انسانی برقرار نیست. ثانیاً همین سرمایه‌گذاری حداقلی برای علوم انسانی نیز گاه هدفدار و هوشمندانه نیست و مثلاً به صورت مکانیکی و فرایندی تعریف و اعمال می‌شود. متأسفانه گاه حتی تبعیض‌هایی نیز بین کمیت و کیفیت حمایت‌های مختلف کشور از استادان و پژوهشگران سایر رشته‌ها و استادان و پژوهشگران علوم انسانی مشاهده می‌شود که می‌تواند تأثیر منفی بر انگیزه و روحیه اهالی علوم انسانی داشته باشد. سرمایه‌گذاری روی علوم انسانی زمانی هدفدار و هوشمندانه خواهد بود که به نوآوری و نظریه‌پردازی در این عرصه کمک کند و به آن شتاب ببخشد. باید چهره‌های نوآور و نظریه‌پرداز را دقیق شناسایی کرده و حمایت‌ها را به‌طور جامع تعریف و به نحو جهت‌دار و هدفمند اعمال کرد.

به نظر شما موقعیت اجتماعی علوم انسانی و قدر و قیمت دانشمندان این علوم در نگاه عموم مردم در کشور ما چگونه است؟

متأسفانه علوم انسانی در نگاه توده مردم ما هنوز جایگاه شایسته و بایسته خود را پیدا نکرده است. عموم معمولاً علوم تجربی و فنی-مهندسی را در جایگاه بالاتری نسبت به علوم انسانی قرار می‌دهند و فرزندان خود را بیشتر به فراگیری و تحصیل در آن علوم تشویق می‌کنند. ایراد شاید تا حدی به درآمدزا نبودن یا کم درآمد بودن بخش علوم انسانی یا عدم اطلاع‌رسانی درست به مردم درخصوص ماهیت، اهمیت و ضرورت علوم انسانی یا... بازگردد.

اگر نظام آموزش عالی بخواهد بسترهای مساعدی را برای رشد نظریه‌پردازی و نوآوری‌های بزرگ در میان عالمان و اندیشمندان نخبه علوم انسانی فراهم کند، مهم‌ترین این بسترها کدام‌ها هستند؟

نوآوری و نظریه‌پردازی چند لازمه یا پیش‌شرط دارد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از تأمین مالی و رفع دغدغه معیشتی و نیز حمایت‌های معنوی درخور از پژوهشگران نوآور و نظریه‌پرداز عرصه علوم انسانی؛ ایجاد فضای امن و ایمن به منظور آزاداندیشی و نقد و تضارب آراء و افکار؛ حذف غلبه نگاه کمی به علوم انسانی و تأکید

جایگاه و منزلت علوم انسانی در مسیر پاسخگویی به نیازهای کشور و دستیابی نظری و عملی به یک نظام حکمرانی برتر را چگونه توصیف می‌کنید؟

علوم انسانی در دنیا جهت‌دهنده به کل دانش و صنعت و فناوری است؛ یعنی جهت، مسیر و غایت هر دانش، هر صنعت و هر فناوری را تعیین می‌کند یا باید تعیین کند. به‌علاوه همه نیازهای کشور دارای وجوه انسانی و اجتماعی نیز است. بعید به نظر می‌رسد مسأله یا مشکلی در کشور وجود داشته باشد اما وجه انسانی یا اجتماعی نداشته باشد.

امروزه مسائل و مشکلات جوامع دارای ابعاد مختلف اقتصادی، مدیریتی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و... است، پس علوم انسانی می‌تواند یا باید در همین ابعاد، به حل مسأله یا برطرف کردن مشکلات جامعه مدد برساند.

اما این یک وضعیت مطلوب است و ما اکنون در کشورمان با این وضعیت، قدری فاصله داریم. هر چند اتفاقات خوبی در این عرصه به وقوع پیوسته، ولی همچنان تا رسیدن به وضعیت مطلوب، راه درازی در پیش است.

متناسب‌سازی علوم انسانی موجود با جامعه و زیست‌بوم ایرانی و نیز فرهنگ اسلامی که ما در آن زندگی و تنفس می‌کنیم، گام مهمی در همین راستا بوده که همچنان باید روی آن کار کرد.

از طرفی، حکمرانی نیز ناظر به شئون عملی راهبری، اداره و هدایت جامعه است که البته نمی‌تواند و نباید فارغ از شئون نظری و علمی باشد، لذا «حکمرانی خوب» هیچگاه نمی‌تواند و نباید علوم انسانی را نادیده بگیرد.

سهم و اندازه علوم انسانی در سرمایه‌گذاری‌های علمی کشور چقدر است؟ و آیا سرمایه‌گذاری‌هایی که برای رشد این علوم صورت می‌گیرد به اندازه کافی هدفدار و هوشمندانه است؟

به نظر بنده اولاً این اندازه سرمایه‌گذاری برای علوم انسانی که اکنون انجام می‌شود کفایت لازم را ندارد.

البته باید اذعان کرد که متولیان امر، متوجه اهمیت علوم انسانی هستند، اما شاید به دلیل مضایق موجود،

بر کیفیت محوری؛ حذف غلبه نگاه صوری و فرایندی به تولیدات و خروجی‌های پژوهش در علوم انسانی (قالب‌های مرسوم مقاله، نمایه‌ها و...)؛ لحاظ امتیازات ویژه در آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضا برای تحقق نوآوری و نظریه‌پردازی (بیش از آنچه اکنون وجود دارد)؛ و... اگر بخواهید به سه مورد از مهم‌ترین ظرفیت‌ها و نقاط قوت و سه مورد از مهم‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های علوم انسانی در ایران اشاره بفرمایید این موارد کدام‌ها هستند؟

به نظر سه مورد از مهم‌ترین نقاط قوت علوم انسانی در کشور ما عبارتند از وجود دانشمندان و پژوهشگران با استعداد و توانمند، متعهد، دغدغه‌مند و درد آشنا؛ وجود انباشت دانش بومی در این عرصه در بین دانشمندان سلف در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و خصوصاً علوم اسلامی و غنای نظریه‌ها در این عرصه و مطالعات گسترده و تسلط استادان علوم انسانی بر نظریه‌های مطرح در دنیا.

اما سه مورد از مهم‌ترین نقاط ضعف علوم انسانی در کشور ما عبارتند از عدم حضور کافی استادان علوم انسانی در عرصه علمی و رویدادهای نخبگانی بین‌الملل و ضعف دیپلماسی علمی در این عرصه؛ گاه عدم حرکت برخی از پژوهشگران علوم انسانی در مرزهای دانش و کم‌توجهی به نظریه‌ها و یافته‌های علمی موجود در سطوح ملی و جهانی؛ و ناظر نبودن بسیاری از پژوهش‌های علمی انسانی به ساحت کاربرد و گره‌گشایی از مشکلات و حل مسائل واقعی جامعه.

رابطه علوم انسانی با مسائل جدی نظام حکمرانی را چگونه می‌بینید؟ آیا نظام حکمرانی به اندازه کافی مسأله‌مند است؟ آیا برای همکاری واقعی و غیرتزئینی با اصحاب علوم انسانی آمادگی دارد؟

به نظر می‌رسد تحقیقات رشته‌های علوم انسانی در کشور ما، بیشتر «موضوع محور» است تا «مسأله محور». رساله‌های دانشجویی در علوم انسانی نیز عمدتاً همین‌گونه است.

گروه‌های علمی و استادان راهنما یا مشاور یا خود دانشجویان اغلب موضوعاتی را که در آن تخصص یا مطالعه دارند یا به آنها علاقه دارند یا به نحوی مهم می‌یابند، تعریف و پژوهش‌ها و رساله‌های دانشجویی را به سمت آنها سوق می‌دهند، اما عمده این پژوهش‌ها نمی‌توانند پاسخگوی مسائل اساسی کشور ما باشند.

از طرفی نظام حکمرانی نیز چندان درصدد رجوع واقعی به علوم انسانی برای حل مسائل خود نیست یا به قدر لازم و کافی چنین توجهی ندارد یا گاه حتی نگاه تشریفاتی و به قول شما تزئینی به این امر دارد. البته اکنون از این جهت نسبت به چند دهه پیش در وضعیت بهتری قرار داریم و امیدواریم این حرکتی که در بخش حکمرانی آغاز شده، شتاب لازم را بگیرد.

اگر بخواهید از سطح ارتباط، تعامل و هم‌افزایی میان دانشمندان و متفکران علوم انسانی در



این اندازه

سرمایه گذاری برای علوم انسانی که اکنون انجام می‌شود کفایت لازم را ندارد.

تناسب کافی بین سرمایه گذاری کنونی و اهمیت علوم انسانی برقرار نیست و همین

سرمایه گذاری حداقلی برای علوم انسانی نیز گاه هدفدار

و هوشمندانه نیست و مثلاً به صورت مکانیکی و فرایندی تعریف

و اعمال می‌شود. متأسفانه گاه حتی تبعیض‌هایی

نیز بین کمیت و کیفیت حمایت‌های مختلف کشور از استادان و

پژوهشگران سایر رشته‌ها و استادان و پژوهشگران علوم انسانی

مشاهده می‌شود که می‌تواند تأثیر منفی بر انگیزه و روحیه اهالی علوم انسانی داشته باشد



متأسفانه علوم انسانی در نگاه مردم ما هنوز جایگاه شایسته و بایسته خود را پیدا نکرده است. ایراد شاید تا حدی به درآمدزا نبودن یا کم درآمد بودن بخش علوم انسانی بازگردد. از طرفی نظام حکمرانی نیز چندان درصد رجوع واقعی به علوم انسانی برای حل مسائل خود نیست یا به قدر لازم و کافی چنین توجهی ندارد یا گاه حتی نگاه تشریفاتی به این امر دارد. البته اکنون از این جهت نسبت به چند دهه پیش در وضعیت بهتری قرار داریم و امیدواریم این حرکتی که در بخش حکمرانی آغاز شده، شتاب لازم را بگیرد



لوازم و اقتضات کامیابی این هسته‌های علمی چه خواهد بود؟

به باور اینجانب، مهم‌ترین هدف از شکل‌گیری هسته‌های علمی-بین‌المللی، هم‌افزایی، تبادل دانش و یافته‌های نو و به‌طور خلاصه دیپلماسی علمی دقیق و روشمند در عرصه علوم انسانی است. همچنین مهم‌ترین لازمه کامیابی این هسته‌های علمی، استقبال استادان و پژوهشگران علوم انسانی و اسلامی در کشور از آنهاست که البته در این راستا باید ایجاد انگیزه کرد.

با عنایت به شناختی که از جشنواره بین‌المللی فارابی دارید، چه توصیه‌هایی برای متولیان جشنواره دارید؟

هم‌اکنون چند فعالیت در دستور کار دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فارابی قرار دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مواجهه فعال در کشف استعدادها، برتر از میان استادان و پژوهشگران علوم انسانی و اسلامی در داخل و خارج کشور، شکل‌گیری شبکه‌های نخبگانی از برگزیدگان ادوار مختلف جشنواره در حل مسائل کشور و انجام حمایت‌های بیشتر و بهتر از برگزیدگان ادوار مختلف جشنواره با همکاری نهادهای مرتبط اشاره کرد.

کند و در حد مقدرات خود حمایت‌های مادی و معنوی لازم را از آنها داشته باشد.

حدود دو دوره است که با نظر مساعد وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، رقم جوایز این جشنواره با جشنواره خوارزمی همسان شده است و این پیشرفت مهمی است. حمایت‌هایی هم از طرف بنیاد ملی نخبگان از برگزیدگان جشنواره بین‌المللی فارابی صورت می‌گیرد که این نیز به جای خود مهم و لازم است.

طی جلسه مشترکی که بین دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فارابی و معاونت سرآمدان و نخبگان بنیاد ملی نخبگان داشتیم، مقرر شد یک کارگروه ویژه علوم انسانی تشکیل شود تا مصادیق، نحوه و کیفیت حمایت‌های مختلف از سرآمدان علوم انسانی را به‌طور دقیق تعریف و تعیین کند. امیدواریم مجموعه این اقدامات بتواند به رشد علوم انسانی و ارتقای شأن و منزلت دانشمندان و پژوهشگران علوم انسانی تا حدی کمک کند.

چنانچه جشنواره بین‌المللی فارابی فرصت‌هایی را برای شکل‌گیری هسته‌های علمی-بین‌المللی ایجاد کند، از نظر شما اولاً، چه اهدافی باید برای این هسته‌ها منظور شود و ثانیاً

ایران ارزیابی ارائه کنید، این ارزیابی چگونه خواهد بود؟

در این خصوص باید بگویم که وضعیت علوم انسانی چندان مطلوب نیست. ارتباط و تعامل بین استادان و پژوهشگران علوم انسانی در کشور ما گاه اندک بوده و هم‌افزایی نیز ضعیف است.

اکنون در دنیا بر وجه بینارشته‌ای علوم انسانی تأکید بسیار می‌شود. در واقع، امروزه مسائل جامعه بشری اینقدر پیچیده و ذوابعاد شده که حل آنها از عهده یک متخصص در یک رشته از دانش بر نمی‌آید و نیاز به تحقیقات گروهی و بهره‌گیری از تخصص‌های مختلف علوم انسانی در پژوهش‌هاست. این مطلب حقیقتاً یک ظرفیت خوب برای تعامل و هم‌افزایی میان دانشمندان و اندیشمندان علوم انسانی است که باید از آن حداکثر بهره‌گیری را داشت.

آیا جشنواره بین‌المللی فارابی توانسته است به رشد علوم انسانی و ارتقای شأن و منزلت دانشمندان علوم انسانی کمک کند؟

سعی جشنواره بین‌المللی فارابی در ادوار گذشته و نیز در دوره چهاردهم بر همین امر بوده است. به هر حال، این جشنواره می‌کوشد چهره‌های نوآور و نظریه‌پرداز عرصه علوم انسانی و اسلامی را شناسایی و به جامعه علمی معرفی

«حکمرانی خوب» نمی‌تواند علوم انسانی را نادیده بگیرد



برش

علوم انسانی در دنیا جهت‌دهنده به کل دانش، صنعت و فناوری است. امروزه مسائل و مشکلات جوامع دارای ابعاد مختلف اقتصادی، مدیریتی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و... است. پس علوم انسانی می‌تواند یا باید در همین ابعاد، به حل مسأله یا برطرف کردن مشکلات جامعه مدد برساند، اما این یک وضعیت مطلوب است و ما اکنون در کشورمان با این وضعیت، قدری فاصله داریم. هر چند اتفاقات خوبی در این عرصه به وقوع پیوسته است، ولی همچنان تا رسیدن به وضعیت مطلوب، راه درازی در پیش است. متناسب‌سازی علوم انسانی موجود با جامعه و زیست‌بوم ایرانی و نیز فرهنگ اسلامی که ما در آن زندگی و تنفس می‌کنیم، گام مهمی در همین راستاست. لذا «حکمرانی خوب» هیچگاه نمی‌تواند و نباید علوم انسانی را نادیده بگیرد.

آیت‌الله محمدعلی تسخیری

طلایه‌دار صلح و وحدت اسلامی



یادمان

دکتر کامیار صداقت‌نمرحسینی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامعیت علمی، صفای نفس و تسلط کم‌نظیر او بر زبان و ادبیات عربی است.

چهره‌ای جهانی در حوزه گفت‌وگوی بین‌الادیانی

ویژگی‌هایی چون رشد و نمو در خانواده‌ای با ایمان در نجف اشرف، ذوق سرشار و لطافت طبع، صفات انسانی والا، مناعت و بزرگ‌منشی آیت‌الله تسخیری در او جاذبه‌ای بس قوی ایجاد و اندیشمندان جهان اسلام را به سویش جلب می‌کرد. واکنش عظیم جهان اسلام به خبر ارتحال ایشان شاهدهی بر این مدعاست.

او به‌رغم رنج بیماری در سالیان پایانی حیات شریفش (۲۴ مرداد ۱۳۹۹ش) و برخی بداخلاقی‌ها که گاه از سر سوءتشخیص درباره حقیقت تقرب و تاریخ آن سر می‌زد، صبوری کرد و با عزمی راسخ به بسط اندیشه همکاری در عرصه‌های مشترک اسلامی و معذور داشتن یکدیگر در موارد اختلافی پرداخت. سخت معتقد بود که مشترکات مسلمانان بیش از مفترقات آنهاست و نباید اختلافات مذهبی به مثابه شمشیری در دست دشمنان اسلام قرار گیرد. ایشان از چهره‌های شاخص در حوزه گفت‌وگوی بین‌الادیانی در جهان است.

معتقد به فقه تقریبی

دانش پربرابر ایشان حاصل سال‌ها تحصیل مجدانه در دانشکده فقه نجف اشرف و بهره‌مندی از محضر بزرگان همچون آیات عظام و حجج‌الاسلام سید ابوالقاسم خویی، شهید محمدباقر صدر، سید محمدتقی طباطبایی حکیم، صدرا بادکوبی، سید محمدرضا گلپایگانی، هاشم آملی، جواد تبریزی و حسین وحید خراسانی در حوزه‌های علمیه شهرهای نجف اشرف و قم بود. از میان استادان وی، مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی حکیم صاحب کتاب شهیر «اصول فقه مقارن» نقش مهمی در پیدایش نگرش تقریبی آیت‌الله تسخیری داشت؛ چنانکه در مقدمه آن کتاب مشهود است، آیت‌الله حکیم معتقد به «فقه

جایزه صلح و دوستی که با تصویب شورای سیاست‌گذاری جشنواره بین‌المللی فارابی از چهاردهمین جشنواره به مجموعه جوایز جشنواره بین‌المللی فارابی اضافه شده است، جایزه‌ای است که به دانشمندان مؤثر در زمینه صلح و دوستی اعطا می‌شود. در این دوره از جشنواره نیز، جایزه صلح و دوستی به مرحوم آیت‌الله محمدعلی تسخیری از دانشمندان مؤثر در زمینه تقرب میان مذاهب اسلامی در جهان اسلام داده شده است که بخش اصلی عمر خویش را مصروف مطالعه و تحقیق در عرصه تقرب بین مذاهب و نیز تلاش عملی برای تحقق این امر کرد. مجموعه این تلاش‌های علمی و عملی مرحوم آیت‌الله محمدعلی تسخیری که با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی آغاز و تا پایان عمر ایشان تداوم داشت، در مقاطع مهمی از تاریخ، منجر به شکل‌گیری گفت‌وگوهای سازنده، کاهش سوءتفاهمات، رفع تنش‌ها و ایجاد بسترهای همکاری میان نخبگان و حتی دولت‌های اسلامی شد.

چون آیات عبدالکریم نجفی زنجانی، محمدحسین کاشف الغطا، سید هبه‌الدین شهرستانی تا حاج میرزا خلیل کمره‌ای، هر یک با انجام چند سفر پربرابر به سرزمین‌های اسلامی، به شهرتی بحق ماندگار دست یافتند، آیت‌الله تسخیری وسیع‌ترین ارتباطات بین‌المللی را در اقصی نقاط جهان سامان داد و با دانشمندان اسلامی به تبادل نظر و ایجاد موضعی واحد در برابر دشمنان اسلام پرداخت.

سخن به‌گزاره نیست اگر گفته شود آیت‌الله تسخیری در حوزه ارتباطات اسلامی و دیپلماسی صلح و تقرب اسلامی نه مقدم داشت و نه تالی دارد. بیش از ۶۰۰ سفر خارجی مؤثر و عضویت در مراکز علمی و معتبر جهانی، او را از دنیا دیده‌ترین عالمان تقریبی معاصر ساخته بود.

سخنرانی‌های او در مجامع علمی جهانی به مثابه میراثی علمی، از سخته‌ترین و استوارترین سخنان در عرصه صلح و وحدت اسلامی هستند؛ سخنانی زنده و پویا که از صافی انتخابی هوشمندانه عبور کرده و شرف حضور در مجامع علمی جهانی را یافته‌اند. چنین موفقیتی حاصل

جای بسی خوشوقتی است که در چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی شاهد ابتکاری ارزشمند در افزودن «جایزه صلح و دوستی» هستیم و انتخاب مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری به‌عنوان اولین برگزیده آن جایزه، نشان از حسن سلیقه و دقت علمی برگزارکنندگان آن دارد. در اینجا راقم این سطور هرچند خود معترف است که بضاعتش در حد معرفی مقام شامخ عالمی سترگ چون آیت‌الله تسخیری نیست، اما به حکم وظیفه شاگردی و بالغ بر ۱۴ سال آشنایی با معظم‌له، نوشتار حاضر به یاد و نام آن نادره زمانه تقدیم می‌شود.

جامعیت علمی و صفای نفس

معمولاً قدر و منزلت عالمان و طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی از بررسی و تحلیل فتاوا و تألیفات تقریبی‌شان نمایان می‌شود، اما هستند فرزانه‌گانی که دستاوردهایشان را باید فراتر از آثارشان، در افق تاریخ صلح و وحدت اسلامی به نظاره نشست و بی‌شک آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری یکی از آنهاست. اگر پیش‌تر عالمانی



جایگاه فقهی
آیت‌الله تسخیری
موجب شد تا ایشان
مسئولیت‌های
مختلفی را بر عهده
گیرد که از آن
میان می‌توان به
مشاور مقام معظم
رهبری در امور
فرهنگی جهان
اسلام، دبیرکلی
مجمع جهانی
تقرب مذاهب
اسلامی، عضویت
در مجلس خبرگان
رهبری، کمیته
فقهی بانک جهانی
توسعه اسلامی و
نایب رئیس شورای
مشورتی سازمان
آیسیسکو اشاره کرد

تقریبی» بود و نسبت به نظرات فقهی اهل سنت با احترام برخورد می‌کرد. او همچنین در کتاب دیگرش با عنوان «تقریب بین المذاهب» ایده‌های بیشتری را درباره امکان وحدت اسلامی مطرح کرده بود. استادان دیگر آیت‌الله تسخیری نظیر آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و شهید صدر نیز از چهره‌های درخشان وحدت اسلامی بودند. آیت‌الله تسخیری در کتاب «لمحات من فکر بعض الشخصیات التقربیه» به جایگاه رفیع ایشان در موضوع تقریب اشاره دارد. (التسخیری، محمدعلی (۱۴۲۹ق) لمحات من فکر بعض الشخصیات التقربیه، ص ۲۰۰-۱۹)

متأثر از اندیشه‌های شهید صدر و شهید مطهری

در میان استادان ایشان، اندیشه‌های آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر تأثیر شگرفی بر آیت‌الله تسخیری گذاشت. بعدها آیت‌الله تسخیری تصریح کرد که تدوین برنامه‌ها و راهبردهای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مبتنی بر آرا و اندیشه‌های شهید صدر بود (صداقت ثمرحسینی، کامیار، ۱۴۰۱ش) در احوال و اندیشه‌های آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، ص ۱۶۴، مصاحبه با آیت‌الله تسخیری).

اندیشه‌ها و نوآوری‌های آیت‌الله شهید صدر موجب انقلاب فکری بزرگی در آیت‌الله تسخیری شد که با آشنایی او با آیت‌الله شهید مرتضی مطهری دو چندان شد. ایشان مقاله‌ای مهم درباره وجود مشترک این دو اندیشمند بزرگ اسلامی نگاشته و به دین فکری خود به آن اشاره دارد (التسخیری، محمدعلی (۱۴۲۹ق) لمحات من فکر بعض الشخصیات التقربیه، ص ۱۰۹ و ۱۲۱). لذا تألیفات آیت‌الله تسخیری واجد ویژگی‌های خاصی شد که از آن میان می‌توان به توجه عمیق به مقتضیات زمان، اجتناب از پرداختن به مسائل غیرضروری و داشتن نگرش موضوعی به منظور حل قضایای جهان اسلام اشاره کرد. حاصل این آموزش‌ها تألیف و ترجمه ۶۳ عنوان کتاب وزین علمی و وحدت‌آفرین است.

مفسر قرآن

آیت‌الله تسخیری نظریه‌پردازی برجسته در عرصه‌های تفسیر قرآن، فقه مقارن، حدیث و اقتصاد اسلامی بود. از آثار برجسته او در تفسیر قرآن می‌توان به کتاب «المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید» اشاره کرد که آن را به اشاره آیت‌الله شهید صدر و با رویکرد تفسیر موضوعی بر اساس نیازهای جامعه اسلامی (مانند ارائه تحلیل‌های اجتماعی در تحریم ربا) نگاشت.

در کنار آن مقالات ارزشمندی را بر اساس تعالیم قرآنی تألیف کرد که بیانگر توجه وی به حل مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

جوامع اسلامی است؛ مانند: «شروط الحواره»، «سیدنا ابراهیم علیه‌السلام نمودج الانسان الحضاری الكامل»، «سیدنا موسی علیه‌السلام منقذ المستضعفین فی وجه فرعون رمز الطغیان» و «سیدنا عیسی علیه‌السلام فی وجه التحریف والوهم والمادیه».

نظریه‌پرداز فقه مقارن

در «فقه مقارن» ایشان به دو ایده «فقه تقریبی» و «تقریب فقهی» توجه داشت و به بسط اندیشه تقریب فقهی که مرحوم آیت‌الله سید محسن امین عاملی را نماینده شاخص آن می‌دانست، کمک شایانی کرد. «فقه تقریبی» قبل از آنکه برخاسته از درک ضرورت فقهی معینی برای یک تحلیل عینی و علمی باشد، ناشی از واقع‌گرایی و تنها بر اساس درک ضرورت تقریب است؛ اما «تقریب فقهی» به تحلیل مسائلی اختصاص دارد که در مسیر تحقق عملی «تقریب» قرار گرفته‌اند. نقطه آغاز آن بررسی مسائلی عینی است که در مسیر حرکت تقریب قرار دارند و سپس ارائه راه‌حل جهت برطرف ساختن ابهامات و سوءتفاهمات فقهی است. (همان، ص ۱۳۳ و ۱۳۴).

جایگاه فقهی آیت‌الله تسخیری موجب شد تا ایشان مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده گیرد که از آن میان می‌توان به مشاور مقام معظم رهبری در امور فرهنگی جهان اسلام، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، کمیته فقهی بانک جهانی توسعه اسلامی و نایب رئیس شورای مشورتی سازمان آپسیسکو اشاره کرد.

همچنین ایشان در طول حیات پرپراش، نشان‌ها و جوایز متعددی را از مجامع علمی جهان اسلام دریافت کرد که نشان از اقبال جهانی به اندیشه‌هایش دارد؛ برخی از آنها عبارتند از نشان درجه یک استقلال از سوی مملکت اردن هاشمی، نشان چهره ماندگار از سوی سازمان کنفرانس اسلامی، مدال جهانی سلام از سوی کنفرانس بین‌المللی سلام در هند، مدال طلا از سوی سازمان اسلامی علوم، فنون و فرهنگ آپسیسکو.

متخصص اقتصاد اسلامی

او هوشمندانه در حدیث پژوهی نیز با تأکید بر احادیث مشترک میان فریقین، آثار ارزشمندی را در احادیث مشترک در موضوعات روزه، نماز جمعه، حج و زکات نگاشت که موجب رفع بسیاری از سوءتفاهمات در باره شیعه امامیه شدند.

در کنار سال‌ها تدریس مباحث اقتصاد اسلامی، تألیفات آیت‌الله تسخیری در حوزه اقتصاد اسلامی با استقبال محافل علمی جهان اسلام مواجه شد. از میان آنها می‌توان به «خمسوس در ساقی الاقتصاد الاسلامی»، «الاقتصاد الاسلامی» یا «دروس فی الاقتصاد» اشاره کرد. تخصص کم‌نظیر وی در حوزه اقتصاد اسلامی که به سبب و شیوه استادش شهید صدر به مسائل روز اقتصاد و بانکداری اسلامی می‌پرداخت، باعث شد تا عضو مؤثری در کمیته فقهی بانک توسعه اسلامی (جده) باشد.

مسلط به زبان و ادبیات عربی و اصول بلاغت

آیت‌الله تسخیری از دوران جوانی بهره‌مند از ذوق و قریحه سرشار ادبی بود. تربیت والدش که بر زبان عربی و اصول بلاغت آن مسلط بود، از عوامل شکوفایی استعداد ادبی آیت‌الله تسخیری بود. استعداد او تا به آنجا بود که همواره مایه شگفتی سخنوران نامی و استادان برجسته ادبیات عربی در جهان عرب می‌شد. به همین دلیل، ایشان عضو فرهنگستان زبان عربی دمشق شد. او اشعار لطیفی می‌سرود که نمونه‌های آن «الشفق الوهوب (أوراق و أعماق)» است و این نبوغ را در راه ابلاغ پیام اسلام به کار گرفت و به سائقه نبوغش، مضامین متعالی را در سخت‌ترین برهه حیات سیاسی عراق



به مردم منتقل کرد.

یکی از دلایل دستگیری، تحمل زندان و شکنجه‌های شدید، سرودن اشعاری انقلابی بود که چونان تیری بر سر سفاکان بعثی فرود می‌آمد و آیت‌الله تسخیری را تا مرز شهادت در زندان‌های بعثی پیش برد. او همانند شهید صدر معتقد بود که مسلمانان با وجود تنوع مذهبی خویش، باید زیر پرچم اسلام با دشمنان بجنگند و از این رو، حتی مبارزه با رژیم بعث صدام را به مثابه رویارویی با چالش‌های وحدت اسلامی مورد توجه قرار می‌داد. رویکرد مذکور در اعلامیه مهم آیت‌الله شهید صدر در درخواست از ملت عراق برای انقلاب علیه حکومت صدام مشاهده می‌شود.

روحانی فاضل و متعهد

در خاتمه اشاره به پیام تسلیت مقام معظم رهبری حفظه‌الله به مناسبت رحلت آیت‌الله تسخیری خالی از لطف نیست که «کارنامه این سرو نستوه و خستگی‌ناپذیر در انواع خدمات برجسته در مجامع جهانی اسلامی» را «حقاً درخشان» خواندند و افزودند: «عزم راسخ و دل پرانگیزه ایشان حتی بر ناتوانی‌های جسمانی در چند سال اخیر فائق می‌آمد و حضور مؤثر و برکت وی را در هر نقطه لازم و مفید استمرار می‌بخشید. مسئولیت‌ها و خدمات ایشان در داخل کشور نیز فصل جداگانه و ارزشمندی از تلاش‌های این روحانی فاضل و متعهد است.»

ای فکر و دانش و قلمت وحدت‌آفرین

روشنگر اخوت و تقریب مسلمین

قلب تو ایستاد در این نیمه‌های راه

صاحب‌دلان ز فاجعه دوریت غمین

الفاظ فاخرانه پیام رهبری

در وصف کار و خصلت تو آیتی مبین

«برجسته» و «مؤثر» و «نستوه» و «پر تلاش»

تسخیری! ای معلم فرزانه و امین

راحت ادامه دارد و تسخیر می‌شود

سد نفاق و بی‌خبری در فضای دین

کتابخانه

پژوهشگاه مطالعات تقریبی (۱۴۲۲ق) آیت‌الله تسخیری زبان گویای اسلام و تشیع، (مقدمه) حمید شهریار، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

التسخیری، محمدعلی (۱۴۲۹ق) لمحات من فکر بعض الشخصیات التقربیه (اعداد و تقدیم) الکتور محمد حسن تیرانیان، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه.

تسخیری، محمدعلی (اسفند ۱۳۷۸ش) گفت‌وگو: تبلیغ جهانی اسلام ناب، مصاحبه‌گر: مسعود اسلامی، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۶۹، خاмене‌ای، سید علی مقام معظم رهبری (۲۸ مرداد ۱۳۹۹ش) پیام تسلیت در پی درگذشت آیت‌الله تسخیری پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خاмене‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، به نشانی: <https://khl.ink/f/46270>

صداقت ثمرحسینی، کامیار (۱۴۰۱ش) در احوال و اندیشه‌های آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، تهران (چاپ اول) فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا و پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



برش

اندیشه‌ها و نوآوری‌های آیت‌الله شهید صدر موجب انقلاب فکری بزرگی در آیت‌الله تسخیری شد که با آشنایی او با آیت‌الله شهید مرتضی مطهری دو چندان شد. ایشان مقاله‌ای مهم درباره وجود مشترک این دو اندیشمند بزرگ اسلامی نگاشته و به دین فکری خود به آنان اشاره دارد. لذا تألیفات آیت‌الله تسخیری واجد ویژگی‌های خاصی شد که از آن میان می‌توان به توجه عمیق به مقتضیات زمان، اجتناب از پرداختن به مسائل غیرضروری و داشتن نگرش موضوعی به منظور حل قضایای جهان اسلام اشاره کرد. حاصل این آموزش‌ها تألیف و ترجمه ۶۳ عنوان کتاب وزین علمی و وحدت‌آفرین بود.



سخن به گزافه نیست اگر گفته شود آیت‌الله

تسخیری در حوزه

ارتباطات اسلامی

و دیپلماسی صلح

و تقریب اسلامی

نه مقدم داشت و

نه تالی دارد. پیش

از ۶۰۰ سفر خارجی

مؤثر و عضویت در

مراکز علمی و معتبر

جهانی، او را از دنیا

دیدیده‌ترین عالمان

تقریبی معاصر

ساخته بود



فارابی سعی می‌کند فلسفه را برای فلسفه به خدمت نگیرد و به جای آن، فلسفه را برای حل مشکلات زمانه به خدمت گیرد. فیلسوف زمانی مؤثر می‌شود و حرف‌هایش در زمان خود و بعدها مؤثر می‌افتد که ببیند اساساً اصلی‌ترین مسائل جامعه چیست و آنها را چگونه می‌توان صورت‌بندی و تقریر کرد؟ یک فیلسوف صادقانه به این مواججه روی می‌آورد. فارابی چنین کرد و از این جهت می‌تواند برای ما درس آموز باشد. اگر فارابی با مسائل زمانه خودش ارتباط نگرفته بود، فلسفه او چیزی بیش از تقریح و تفنن نبود

گفت‌وگو با دکتر رضا ماحوزی، دانشیار پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی

مواجهه فیلسوفانه با حل مسائل جامعه

بغداد و دمشق و به مصر به جان خرید و پای درس آدم‌های بزرگ نشست و نظام فکری خود را با دقت‌ها و تأملات بسیار ساخت. او سپس این نظام فکری را تدریس کرد و شاگردهایی را تربیت کرد تا این چراغ را روشن نگه دارد و آنها آن را به منزل بعد برسانند.

بزرگترین میراث فارابی چیست؟

جست‌وجوی فارابی معروف است. او با باز کردن چشمان خود روی افکار ملل مختلف هندی، ایرانی، یونانی و مصری و همچنین با تماسی متاملانه با ادیان مختلف از زرتشتی و مانوی تا اسلام و مسیحیت و... و افکار عرفانی و فلسفی و کلامی مسلمانان و مسیحیان و یهودیان، اندیشه خود را شکل داد. همه اینها نشان از این دارد که فارابی مسأله‌های موردنظر خود را فراتر از پاسخ‌های درون دینی، زبانی، قومی و فکری دنبال کرده است.

تفکر وی، به تعبیر دیگر، محدود به قوم یا دین خاصی نیست. او به دنبال نوعی از عقلانیت است که می‌تواند بین ملل مختلف و ادیان و گرایش‌های فکری، معقولیت داشته باشد. فارابی به کمک این نگاه از بالا و از بیرون توانست گفت‌وگوی این فرهنگ‌ها و ملت‌ها را برقرار کند. این بزرگترین وجه تفکر فارابی است. از این منظر، سبک و روش فارابی برای آدم‌های مختلف و ادوار مختلف چه دوران قدیم و چه الان و چه آینده قابلیت استفاده دارد.

فارابی به عنوان استاد فلسفه چگونه راه خود را با پرورش دانشجویان و استادان بعدی ادامه داد؟

معلم بودن فارابی دو وجه دارد. در وجه اول، او معلمی است که طبق روال معمول معلمان، آنچه از پیشینیان آموخته را به شاگردان خویش منتقل کرده و شاگردپروری کرده و حتی در این راه ابتکاراتی نیز داشته است. وجه دوم، ناظر به معنای مؤلف بودن برای واژه معلم است. در این معنا، «معلم ثانی» خواندن فارابی به معنای کسی است که دستگاه فکری خود را متناسب با پرسش‌ها و نیازهای زمانه ساخته است و در این راه آرا و افکار متعددی را به خدمت گرفته و آنها را در هیأتی جدید تألیف کرده است. فارابی به هر دو معنا معلم است. یعنی هم در معنای شاگردپروری و هم در معنای دوم که توانست افکار متعدد را چه ایرانی و غیر ایرانی و چه اسلامی و غیر اسلامی به میزگفت‌وگو دعوت کند و از دل این گفت‌وگوها دستگاه فکری جدید خود را در قالب سیستمی که «فلسفه فارابی» می‌خوانیم، معرفی کند.

برخی از پژوهشگران فلسفه درباره ساخت‌های فکری خاص فارابی سخن می‌گویند. برخی او را در حوزه موسیقی و کلام تعریف می‌کنند و برخی اعتقاد دارند او در بعد سیاسی تعاریف دقیق و مشخصی برای ما به جا گذاشته است. آیا چنین مرزبندی‌هایی در مورد فارابی صدق می‌کند؟

نزد فارابی، فلسفه ساحت‌های متعدد دارد و همه این ساحت‌ها همدیگر را تکمیل می‌کنند و به هیچ عنوان نباید این دستگاه فکری را به یک وجه فکری خاص تقلیل داد. پروفیسور محسن مهدی، استاد عراقی، وجه سیاسی فلسفه فارابی را برجسته کرده و چنین القا می‌کند که تمام



گفت‌وگو

ابونصر فارابی ملقب به «معلم ثانی» از نوابغی است که در زمانه حساس تاریخی ظهور کرد و توانست تأثیر عمیق و بسزایی در تفکر اندیشمندان بعد از خود بجا بگذارد. خلوص علمی فارابی و کنکاش و تلاش او در عین حال متد عقلی او را می‌توان از مهم‌ترین دستاوردهای فارابی در حوزه علم و اندیشه قلمداد کرد. فارابی متفکری فراتر از زمان و جریان خاص و فیلسوفی است که فراتر از زمانه خود جلوه کرده است. برای آشنایی بیشتر درباره اندیشه فارابی و نگرش او به فلسفه گفت‌وگویی با دکتر رضا ماحوزی، استاد فلسفه و دانشیار پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تأثیر فارابی در تأسیس فلسفه اسلامی و بازشناسی فلسفه یونان چقدر است؟

شخصی مثل فارابی و اشخاص بعد از فارابی از عنوان «فلسفه اسلامی» استفاده نکرده‌اند. با این تمایز صریح که آنها فلسفه و فیلسوفان یونانی داشتند و بودند و ما فلسفه و فیلسوفان اسلامی داریم و هستیم. آنها مرزی را بین خودشان و دیگران قائل نبودند. اساساً در آن روزگار این مرزبندی نبود و آن فیلسوفان از جمله شخص فارابی خودشان را در ادامه یک جریان فلسفی متصور بودند که در سرزمین‌های مختلفی وجود داشت. آنان بر این باور بودند که وجود فلسفه در سرزمین‌های مختلف بدون خط و ارتباط نبوده است. فارابی آگاه بود که فلسفه یونانی از طریق فیلسوفان شمال آفریقا یعنی حوزه اسکندریه در مصر و حوزه ایران قبل و بعد از اسلام به وی رسیده است.

فارابی در خراسان از طریق استادان مسیحی و برخی از استادان حوزه فلسفه با این تفکرات آشنا شد. وی برای آشنایی و استفاده از محضر استادان بیشتر راهی بغداد شده و در ام‌القرای فلسفی روزگار

خود مستقر و بعد از شاگردی و تحمل مرارت‌های بسیار، استاد می‌شود و شاگردپروری می‌کند. این نگاه را بعد از فارابی هم داریم.

این مرزگذاری‌ها که امروزه به عنوان فلسفه غرب، اسلامی و یونانی می‌شناسیم، اساساً در دنیای قدیم معتبر نبود. این زمینه ارتباطی و بینش جهانی به فارابی اجازه می‌داد که بتواند از آثار اندیشمندان مختلف استفاده کند؛ اندیشمندی که در مناطق مختلف و در قلمروی پیرامونی پراکنده بودند. در حوزه خراسان، فارابی میراث‌دار تفکر مانوی و زرتشتی بود و بعداً با ظهور اسلام، گفت‌وگوی دینی، کلامی، علمی و فلسفی در خراسان بزرگ باعث شد او به عنوان فردی دانشجو و دانش دوست و عقل‌گرا و علاقه‌مند به مباحث عقلی و به عنوان شخصیتی جوینده دانش هویت یابد و فلز وجود او در این مرحله با شاکله عقلانیت ضرب بخورد. فارابی از جمله فلاسفه‌ای است که برای رسیدن به پاسخ سؤالات خود و دستیابی به اندیشه سایر فلاسفه ملل مختلف، راهی سفر شد. فارابی جویای دانش و حکمت بود و رنج سفر را با امکانات آن موقع از منطقه ماوراءالنهر به بین‌النهرین در

فلسفه فارابی در خدمت نظریه سیاست او است. این تقریر اساساً به رویکرد فکری فارابی نمی خورد. در فلسفه فارابی با یک نوعی وجودشناسی، انسان شناسی، نظریه اخلاق، نظریه سیاسی و یک نوعی زیبایی و هنر و علم سرو کار داریم که همه درهم تنیده هستند و با هم یک دستگاه فکری را می سازند و لذا نمی توان یکی از چرخ ها و قطعه های این دستگاه را برداشت و این دستگاه همچون یک پیکره سازمند کار کند. بنابراین نمی توان بعدی را برجسته کرد و ابعاد دیگر را در خدمت این بعد دانست. همه اجزای فلسفه او در خدمت همدیگر هستند.

چرا فارابی در ساحت طبقه بندی علوم و اشرف به عرصه های متنوع علمی و بخصوص کلان نگری در میان اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان برتری دارد؟

من قائل به برتری فارابی به فیلسوفان بعد از او نیستم. فارابی از آن جهت که برای اولین بار زحماتی که در بغداد و خراسان و کارهایی که در حوزه اصفهان و شیراز و آذربایجان انجام شد را صورت بندی کرد و نقشه درخت علم و دانش را ترسیم کرد مبنی بر اینکه چه علوم ریشه و چه علوم ساقه و برگ و میوه هستند و ارتباط بین این علوم را ترسیم کرد، شایسته ستایش است. البته این کار خیلی ابتکاری هم نیست و قبلاً هم مورد بحث بود.

فارابی در ادامه زحمات قبلی ها یک چنین تصویری را با زبانی که برای مسلمان آشنا باشد، انجام داده است. از این جهت، فارابی برای ما شخصیت محترمی است اما این بدان معنی نیست که او دقیق ترین حرف ها را زده و بعد از وی بقیه پشت سر او قرار دارند. از جهت تاریخی کار فارابی ارزشمند است و او در پازل رشد تاریخی فهم بشری جایگاه مطلوبی دارد.

طبق ادعای برخی اندیشمندان غربی اگر فارابی نبود، خط فلسفه های کلاسیک یونان مانند فلسفه افلاطون و ارسطو به درستی شناخته نمی شد. به نظر شما این عقیده درست است؟

مسلماً فارابی اولین فردی نیست که در تمدن اسلامی و در ایران به فلسفه های یونانی و مصری رجوع کرده است. قبل از او دارالترجمه کندی و در بیت الحکمه بسیاری از آثار فیلسوفان یونانی و مصری به عربی ترجمه شده بود. قبل از بیت الحکمه بغداد، مدرسه فلسفی در حوزه مرو در حوزه خراسان بزرگ شکل گرفته بود. در مدرسه علمی جندی شاپور نیز حوزه علوم انسانی وجود داشت و این فلسفه ها که با اصول تفکر زرتشتی هم غریبه نبودند، تدریس می شدند.

اگر به نقش مترجم های آثار فلسفی یونانی و مصری از زبان سریانی به زبان عربی توجه کنید، می بینید که این مترجمان قبلاً این آثار را خوانده بودند و مدرس آنها بودند. خانواده ابن مقفع و بختیشوع و بعداً خانواده هایی مثل برمکی که وارد دستگاه قدرت شدند به ترجمه آثار فلسفی یونانی پرداختند لذا فارابی اولین فردی نبود که در قلمرو اسلامی با فلسفه های یونانی و یونانی مآبی سرو کله زده است.

اگر فارابی نبود همچنان این علاقه ادامه پیدا می کرد و بالاخره یک نفر پیدا می شد که مثل فارابی و ابن سینا یا کمتر از ابن سینا به صورت منسجم این آرا و آثار را در نسبت با هم خوانش کند و راهی برای ورود سیستماتیک به دنیای فلسفه برای مسلمان ها و زبان عربی و فارسی جدید باز کند.

البته با این حرف نمی خواهم منکر تولد شخصی جایگزین فارابی شوم. از اینکه بگذریم، در آن دوره تاریخی فارابی یک شخصیت با ذکاوت و طرفدار

گفت و گو و دور از تعصب بود و فرصت تاریخی مناسبی را پیدا کرد تا با کتاب های متعدد سر و کله بزند و با استادان مختلف گفت و گو کند و بالاخره متناسب با بحران های زمانه، از جمله بحران خلافت و جدال میان عباسیان و فاطمیان و اسماعیلیان در قلمرو گستره اسلامی در سه قاره اروپا و آفریقا و آسیا، نظام فکری خود را بسازد. اداره قلمرو به این بزرگی نیازمند دانش و نظریه بود مبنی بر اینکه حاکم چه ویژگی هایی داشته باشد و چطور خانواده و جامعه را در نسبت با هم و با حکومت تنظیم کنیم.

فارابی سعی داشت یک دستگاه فکری را بسازد که نیاز روز را از زوایای مختلف ببیند، تحلیل کند و برای آن راه حل ارائه دهد.

فارابی در این دوره متلاطم و پراز بحران های مختلف در چه راستایی تلاش کرد؟ او سعی در خلق چه تفکری داشت؟

فارابی سعی کرد در مقام فیلسوف، کلیت قلمرو اسلامی را در تفکر خود مورد نظر قرار دهد و بخش های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تمدن جدید اسلامی را در نظر بگیرد. او همچنین توضیح می دهد حاکم جامعه و افراد در دو سطح جامعه و خانواده، باید به هم متصل و مرتبط شوند و در نتیجه اتحاد آنها، الگوی عقلانی قدرتی شکل بگیرد که می تواند از ظرفیت های متنوع و متکثر خود بهره مند شود. این کار فارابی عین دغدغه افلاطون بعد از کشته شدن سقراط و وقوع بحران های متعدد فکری و اجتماعی و سیاسی آن است مبنی بر اینکه حکومت باید چه شکلی داشته باشد و جامعه و وضعیت قوانین ناظر به اقتصاد و هنر و زیبایی چگونه باشد.

عیناً می بینیم همان دغدغه های افلاطون در فلسفه فارابی هم حضور دارد. او هم به دنبال راه حلی برای خروج از بحران های اجتماعی و سیاسی و رشد ایمان گرایی منهای عقلانیت در سطح جامعه است.

تفاوت اندیشه های فارابی و افلاطون در چیست؟

تفاوت تفکرات افلاطون و فارابی در مسائل سرزمینی، فرهنگی و اجتماعی است. این طور نیست که الگوی افلاطون عیناً مورد استفاده فارابی قرار گرفته باشد. فارابی الگوی ویژه خود را مطرح کرده، هرچند مسأله او همان مسأله افلاطون است.

او به دنبال «ترسیم الگویی از مدیریت اجتماعی» است که در آن به کمک معیارهای عقلی، ضمن حصول سعادت، آدمیان و مردم شهر و جامعه کمترین رنج ممکن را ببرند.

این مسأله خیلی مهم است که محدودیت های زمان خود را بشناسیم و در این زندگی کمترین رنج ممکن را متقبل شویم. به نظر این همان خرد و خردورزی است که در آثار افلاطون و فارابی جا به جا به زبان درآمده و سطوح خانوادگی، اجتماعی و سیاسی دارد.

ما امروز چه نسبتی با فارابی داریم و از او چه می آموزیم؟

این پرسش مهمی است. اینکه بدانیم بازخوانی

آرای فارابی چه فایده هایی دارد. به نظر من این خوانش دو فایده به دنبال دارد: اول روش فارابی برای فلسفیدن است.

این روش دو سوپه دارد. فارابی سعی می کند فلسفه را برای فلسفه به خدمت نگیرد و به جای آن، فلسفه را برای حل مشکلات زمانه به خدمت گیرد. فیلسوف زمانی مؤثر می شود و حرف هایش در زمان خود و بعدها مؤثر می افتد که ببیند اساساً اصلی ترین مسائل جامعه چیست و آنها را چگونه می توان صورت بندی و تقریر کرد؟ یک فیلسوف صادقانه به این مواجهه روی می آورد. فارابی چنین کرد و از این جهت می تواند برای ما درس آموز باشد. اگر فارابی با مسائل زمانه خودش ارتباط نگرفته بود، فلسفه او چیزی بیش از تفریح و تفنن نبود.

بحث دوم در رویکرد گفت و گو محور فارابی با افکار دیگران است.

اگر مثل فارابی قائل باشید که تفکر و عقلانیت امری منتشر و توزیع شده در سرزمین های مختلف و نزد آدم های مختلف است و چنین نیست که بهترین تقریر از حقیقت و حقایق متعلق به مرز و طایفه ما باشد، بلکه این دانش و عقلانیت در زمان های متعدد توسط آدم های مختلف به وجود آمده اند، آن هم آدم هایی که برداشت خود را از وقایع و حقایق داشته و دارند، آنگاه فیلسوفانه ذهن خود را باز نگه می داریم تا تقریرها و تبیین ها را از این آدم ها و دانشمندان ازمنه و امکنه مختلف بشنویم و متناسب با مسائل و پرسش های محلی به آن افکار رجوع کرده و با آنها وارد گفت و گو شویم.

فارابی مترجم نیست که گرفتار «سندروم نقل» شده باشد. او نمی گوید افلاطون اینگونه گفت و زرتشت آنگونه گفت و بنابراین چون آنان گفتند خوب است که ما هم مقلد آنها باشیم. فارابی سعی می کند با متفکران سرزمین های مختلف وارد گفت و گو شود.

برای ما ایرانی ها که این روزها نیازمند تفکر بیشتر و گفت و گوهای مستمر و مؤثر هستیم، روش فارابی می تواند حرف های نغزی در روش تأمل و پژوهش برای ما داشته باشد.

وجه دوم که خیلی مهم است آن که فارابی سعی می کند میدان دعوای درون سرزمینی را به دقت شناسایی کند. ما در صد سال اخیر زیاد دیده ایم که یک عده طرفدار تفکرات بلشویکی روسی و یک عده طرفدار تفکرات فرانسوی و یک عده طرفدار تفکر امریکایی و یک عده هم طرفدار تفکرات هزار سال قبل ایرانی و اسلامی شده و در این راه چنان سعایت ورزیده که حسد دیگران را برانگیخته اند.

فارابی در زمانه خود دعوای مختلف را خوب شناسایی کرد و سعی کرد طرف دعوا نباشد و بلکه سعی کرده از بیرون آنها را شناسایی کند و یک راه حل عقلانی فراتر از آن دعوای ارائه دهد. فارابی متفکری فراتر از زمان و جریان خاص است. فارابی فیلسوف جهان است. او فیلسوفی است که فراتر از قوم و دین و زمانه خود جلوه کرده است. ما نیز لازم است در سطح سیاست گذاری کلان، دعوای و مسائل درون سرزمینی و برون سرزمینی خود را به صورت دقیق شناسایی کنیم و فراتر از ایسم ها و فیل ها (طرفداری ها) مسیر آینده کشور را ترسیم کنیم.



تفکر فارابی محدود

به قوم یا دین

خاصی نیست. او

به دنبال نوعی از

عقلانیت است که

می تواند بین ملل

مختلف و ادیان و

گرایش های فکری،

معقولیت داشته

باشد. فارابی به

کمک این نگاه از بالا

و از بیرون توانست

گفت و گوی این

فرهنگ ها و ملت ها

را برقرار کند. این

بزرگترین وجه تفکر

فارابی است. از

این منظر، فارابی

فیلسوف جهان

است

فارابی گرفتار «سندروم نقل» نشد

فارابی مترجم نیست که گرفتار «سندروم نقل» شده باشد. او نمی گوید افلاطون اینگونه گفت و زرتشت آنگونه گفت و بنابراین چون آنها گفتند خوب است که ما هم مقلد آنها باشیم. فارابی سعی می کند با متفکران سرزمین های مختلف وارد گفت و گو شود.

برای ما ایرانی ها که این روزها نیازمند تفکر بیشتر و گفت و گوهای مستمر و مؤثر هستیم، روش فارابی می تواند حرف های نغزی در روش تأمل و پژوهش برای ما داشته باشد.



بشرش

رد پای فارابی در سیاست

فارابی چگونه عقل‌گرایی را در جامعه حاکم می‌کند؟

فارابی فضا را به نفع عقل‌گرایان برهم می‌زند

در دوره‌ای که فارابی می‌زیست، اندیشه‌های عقل‌گرایی به تدریج رو به ضعف گذاشتند و ما با سیطره «حدیث‌گرایی» مواجه هستیم.

در این دوره هنوز اشعری‌گری قالب نشده اما در حال موج پیدا کردن است و فارابی دورنمای تضعیف عقل‌گرایی را مشاهده می‌کند؛ چرا که جریان‌های ضد عقل در حال رشد و گسترش هستند.

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که فارابی چگونه عقل‌گرایی را در جامعه حاکم می‌کند و فضای موجود را به نفع عقل‌گرایان برهم می‌زند؟

لزوم بازگشت به اندیشه‌های فارابی در عصر حاضر

این فیلسوف بزرگ از طریق کارهای نظری و عملی بطور همزمان این فضا را ایجاد می‌کند.

فارابی از جمله فلاسفه‌ای است که هنوز اندیشه‌هایش با تأکید بر عقل‌گرایی تازه و جدید مانده است و تاکنون رنگ کهنگی به خود نگرفتند. این در حالی است که در متون خارج از کشور نیز از لزوم بازگشت به اندیشه‌های فارابی صحبت می‌شود.

به عنوان نمونه در اهمیت استفاده از اندیشه‌های فارابی این‌گونه مطرح می‌شود که بروز گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش در نتیجه کنار زدن اندیشه‌های فارابی در جوامع اسلامی است.

فارابی در نظرات خود چند نکته تأکیدی جالب دارد. وی تحقق جامعه مطلوب را در گرو مشارکت همه مردم می‌داند و مدینه فاضله را همراه با تعاون، رضایت و گسترش فضیلت مطرح می‌کند. از نظر فارابی با گسترش فضیلت در میان مردم می‌توان به مدینه فاضله رسید.

او به جای تأکید بر «قانون» و «دولت» تأکید خود را بر «مردم» می‌گذارد لذا «جامعه فضیلت‌محور» را پیشنهاد می‌دهد، در حالی که ما کمتر چنین تفکری را در اندیشمندان مسلمان شاهد هستیم، اما عناصر «رضایت»، «تعاون» و «فضیلت» برای فارابی دارای جایگاه ویژه‌ای هستند.

فارابی مدینه فاضله‌ای را ترسیم کرده است که مردم در آن می‌دانند سعادت چیست؛ این سعادت همان سعادت حقیقی است زیرا از نگاه مردم بعضاً ثروت، قدرت و یا شهرت سعادت حقیقی محسوب می‌شود.

برای رسیدن به سعادت حقیقی باید از جامعه جاهله عبور کرد. از نگاه فارابی یکی از مدینه‌های جاهله، مدینه جماعیه یا احرار است که در آن افراد از همه گرایش‌ها حضور دارند و در آن میان، سعادت حقیقی هم قرار دارد.

با مشاهده چنین ویژگی‌هایی شاید باورمان نشود فیلسوفی در ابتدای قرون اسلامی آنها را مطرح کرده است. فارابی معتقد است اگر قرار است از یکی از مدینه‌های جاهله به سمت مدینه فاضله حرکت شود، بهترین مسیر عبور از مدینه احرار است.

آگاه‌سازی و تعلیم و تربیت؛ اولین گام در مدینه فاضله فارابی

در اندیشه فارابی تأکید بر «جامعه» است و بر «دولت» تأکید نمی‌شود. ضمن اینکه هیچ الزامی برای حرکت به سوی سعادت وجود ندارد؛ زیرا حرکت در مسیر سعادت فرهنگ‌سازی شده است و ارزش‌های سیاسی توسط افراد جامعه پذیرفته شده‌اند.

در مدینه فاضله فارابی در گام اول «آگاه‌سازی» و «تعلیم و تربیت» در جامعه حائز اهمیت است. در واقع مردم جامعه خودشان باید بخواهند که به سمت سعادت حرکت کنند.

پذیرش تکثرا دیان توسط فارابی

یکی از مباحث مهم امروز در جوامع پذیرش قومیت‌ها، اقوام و مذاهب مختلف است. فارابی هم جزو فیلسوفانی است که



یادداشت

دکتر نجمه کیخا

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

فارابی اولین فیلسوف سیاسی در حوزه تمدن اسلامی بعد از کندی است؛ اگرچه هرگز نقش کندی در این حوزه به اندازه فارابی نبوده است. سنتی که در تمدن اسلامی وجود دارد، بعد از فلسفه فارابی دنبال می‌شود. فارابی اولین فیلسوفی است که میان اندیشه‌های اسلامی و اندیشه‌های یونانی با فلسفه همخوانی نمی‌بیند اما تلاش می‌کند هماهنگی بین این دو اندیشه ایجاد کند. فارابی برای اینکه در نسبت بین اندیشه یونانی و اسلامی آشتی برقرار کند در موضعی قرار می‌گیرد که در باب هر دو قضاوت نماید و آن موضع «عقل» است. در واقع فارابی از موضع عقلانیت که با هر مذهب، زبان و فرهنگی قابل درک است سعی می‌نماید هم‌سخنی میان اندیشه‌های فلسفه اسلامی و یونانی ایجاد کند. ضمن اینکه فارابی این امر را برای حل مسائل جامعه نیز در نظر می‌گیرد.

تکثرا دیان را می‌پذیرد و دلیل آن هم نظریه معروف عقل او است. از این منظر، عقل به عنوان عنصر حقیقت به اندازه‌ای ثقیل و سنگین است که مردم عادی از قدرت فهم آن عاجز هستند و پیامبر یا فیلسوف امکان فهم آن را دارد.

فارابی توضیح می‌دهد که فیلسوف سیاسی حقیقت را به گونه‌ای برای مردم فهم می‌کند تا به آن عمل کنند، بنابراین فیلسوف سیاسی باید زبان فرهنگ و علوم جامعه را درک کند سپس مطابق آن، حقیقت را برای مردم حکایت

کند. در اندیشه فارابی، پیامبر و فیلسوف به عنوان حاکم می‌توانند متناسب با سطح جامعه حقیقت را بیان کنند که در واقع آن حقیقت همان دین است. بنابراین اگر دین در هر جامعه‌ای به زبان‌های مختلف بیان شود، در واقع یک حقیقت واحد است.

فارابی فلسفه یونانی را به فلسفه اسلامی تبدیل نکرده است بلکه عنوان می‌کند «زبان عقل» به عنوان عنصر مشترک میان این دو فلسفه وجود دارد. فارابی برای جامعه امروز ما سخن‌های زیادی دارد در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی عباراتی مشاهده می‌شود که یادآور تفکر فارابی است؛ بزرگانی همچون امام خمینی (ره)، شهید بهشتی، شهید مطهری و شهید مفتاح فلسفه خوانده‌اند و به همین علت میان اندیشه آنان با اندیشه فارابی تشابهات زیادی مشاهده می‌شود.

شهید بهشتی معتقد است در جامعه نمی‌توان اندیشه‌ای را مطرح کرد و همه را ملزم به رعایت آن دانست چون انسانیت با اختیار گره خورده است. بنابراین قواعد و مقررات نظامات اسلامی به گونه‌ای است که اگر اجرا شود مسیر تخلف تا حدودی باز است؛ زیرا انسان می‌تواند راه‌های مختلف را انتخاب کند، نظام آفرینش هم بر این اساس گره خورده است. جامعه‌ای که صرفاً یک راه را تعیین می‌کند، عملی سازگار با عقل انسان‌ها انجام نداده است که این اندیشه شهید بهشتی مشابهت زیادی با تفکر فارابی دارد.

رد پای اندیشه فارابی در رهبران انقلاب اسلامی



برش

فارابی برای جامعه امروز ما سخن‌های زیادی دارد در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی عباراتی مشاهده می‌شود که یادآور تفکر فارابی است. شهید بهشتی معتقد است در جامعه نمی‌توان اندیشه‌ای را مطرح کرد و همه را ملزم به رعایت آن دانست؛ چون انسانیت با اختیار گره خورده است. جامعه‌ای که صرفاً یک راه را تعیین می‌کند، عملی سازگار با عقل انسان‌ها انجام نداده است که این اندیشه شهید بهشتی مشابهت زیادی با تفکر فارابی دارد.

فارابی از جمله

فلاسفه‌ای

است که هنوز

اندیشه‌هایش با

تأکید بر عقل‌گرایی،

تازه مانده است.

به همین دلیل،

در متون خارج

از کشور هم از

لزوم بازگشت به

اندیشه‌های فارابی

صحبت می‌شود

و گفته می‌شود

بروز گروه‌های

تروریستی همچون

القاعده و داعش

در نتیجه کنار زدن

اندیشه‌های فارابی

در جوامع اسلامی

است

مدینه فاضله فارابی

فارابی از یک فلسفه سکولار و الحادی، حکمت و فلسفه الهی ایجاد می کند



مدینه فاضله
فارابی جامعه‌ای
محسوب می شود
که در دوره نبوی
شکل گرفته است
و در رأس آن پیامبر
اکرم (ص) حضور
دارد و ویژگی هایی
که از حکومت
مطرح می کند با
ادبیات فلسفی و
اما با مفهوم دینی
حکومت اسلامی
تعریف می شود

فلسفه یونان در آن دوران به علت حضور در مکان‌های مختلف دارای قرائت سکولار شده بود، در حالی که فلسفه فارابی منطبق بر بنیادهای هستی‌شناختی است که بر اساس اعتقاد توحیدی و الهیاتی این دانش سبقت بنیادی به خود گرفته است. ارزش‌هایی که فارابی مطرح می کند از دین گرفته شده است و مدینه فاضله، فضیلت و فسق را از قرآن اخذ می کند.

گونه‌شناسی مدینه غیرفاضله

مدینه فاضله‌ای که افلاتون مطرح می کند محقق نشد، در حالی که مدینه فاضله فارابی قبلاً محقق شده بود و رئیس اول این مدینه از نگاه فارابی، پیامبر اسلام (ص) است؛ بنابراین الگوی مدینه فاضله «واقع‌بینانه آرمانی» است. الگوهای رایج در دوران فارابی دو الگوی متأثر از معارف قرآنی و دینی و الگوی در اختیار سلاطین حاکم هستند. فارابی الگوی حاکمیت موجود و فاسد را در قالب ۷۲ مدینه، دو جامعه و دو وضعیت مطرح کرده و مدینه‌های غیرفاضله را به ۴ نوع مدینه تقسیم‌بندی می کند که هر کدام از ۴ نوع مدینه دارای ۶ حالت هستند که در مجموع ۲۴ نوع گونه‌شناسی مدینه غیرفاضله را عنوان می کند و هر کدام در سه سطح دولت کوچک، دولت منطقه‌ای و دولت جهانی مطرح می شوند. شاهکار فارابی در این است که میان دو الگوی رایج معارف قرآنی و سلاطین، الگوی سلاطین را نقادانه حذف و الگوی معارف قرآن را با تصرف و بازخوانی عقلی و فلسفی احیا کرده و در مقابل دستگاه خلافت مطرح می کند. وی این تصرف را در الگوهای رایج انجام می دهد.

فارابی در بازسازی حکمت عملی و فلسفه سیاسی، مدینه فاضله را بر خلاف افلاتون در ۵ سطح ناظر بر واقعیت خارجی بازسازی کرده و مدینه فاضله فارابی جامعه‌ای محسوب می شود که در دوره نبوی شکل گرفته است و در رأس آن پیامبر اکرم (ص) حضور دارد و ویژگی‌هایی که از حکومت مطرح می کند با ادبیات فلسفی و اما با مفهوم دینی حکومت اسلامی تعریف می شود.

فارابی از یک فلسفه سکولار و الحادی که از یونان آمده بود، فلسفه و حکمت الهی ایجاد کرده و بر اساس ادبیات دینی و فرهنگ و معارف قرآنی آن را بازسازی می کند و الگوهایش را الگوهای متأثر از آموزه‌های دینی قرار می دهد.



گفتار

دکتر محسن مهاجرنیا

استاد حوزه و دانشگاه

فارابی متفکر بسیار بزرگی است که وقتی وارد بغداد می شود به تأسیس فلسفه اسلامی و سیاسی اقدام می کند، درحالی که قبل از او چنین فلسفه‌ای شکل نگرفته بود. فارابی در همه بخش‌های فلسفه نظری و عملی ورود کرده و بنیانگذار حوزه علمی گسترده‌ای می شود و بر اساس دانشی که در آن از دستاوردهای یونانی‌ها بهره برده است، مدینه فاضله، حوزه معرفتی گسترده و رهیافت معرفتی عقلی را برای اولین بار در جهان اسلام تأسیس و فلسفه را در قالب حوزه معرفتی گسترده و دانش وسیع، بازسازی و ارائه می کند.

امروزه ما به فارابی و دانش او نیاز داریم

فلسفه قدیم مجموعه گسترده‌ای از دانش‌ها بود و علوم مختلفی در حوزه حکمت نظری و عملی زیرمجموعه این دانش قرار داشتند؛ علوم مانند فیزیک، شیمی، هندسه، طبیعیات، اخلاق، سیاست و اقتصاد، در گذشته جزو فلسفه محسوب می شدند.

بنابراین وقتی از فارابی به عنوان مبدع نام می بریم، به این دلیل است که او مؤسس دایرةالمعارف در حوزه‌های مختلف است.

متأسفانه ما نتوانستیم فارابی را در حوزه‌های مختلف بازسازی کنیم و تا حدودی وی را در حوزه فلسفه مطلق و فلسفه سیاسی احیا کردیم، بخصوص اینکه این فیلسوف

بزرگ در الهیات، فلسفه مطلق و موسیقی اقدامات زیادی انجام داده است.

امروزه در زمانی که به تولید علم دینی، اسلامی سازی و بومی سازی دانش نیاز داریم، خوانش فارابی برای ما دارای اهمیت است.

فارابی قبل از اینکه فیلسوف باشد یک فقیه است و در آثارش نگاه‌های فقیهانه دیده می شود. وی قبل از ورود به فلسفه دارای گرایش‌های عرفانی، ذوقی و اشراقی است؛ زمینه ذهنی که بر او تأثیر گذاشت، آشنایی با رهیافت‌های دینی است که برای او این ذهنیت را ایجاد کرد تا به سمت احیای حوزه معرفتی جدید و خوانش دانش عقلی در راستای فهم معارف الهی حرکت کند.

متأسفانه ما نتوانستیم فارابی را در

حوزه‌های مختلف بازسازی کنیم و تا حدودی وی را در حوزه فلسفه مطلق و فلسفه سیاسی احیا کردیم، بخصوص اینکه این فیلسوف بزرگ در الهیات، فلسفه مطلق و موسیقی اقدامات زیادی انجام داده است.

امروزه در زمانی که به تولید علم دینی، اسلامی سازی و بومی سازی دانش نیاز داریم، خوانش فارابی برای ما دارای اهمیت است.

فارابی قبل از اینکه فیلسوف باشد یک فقیه است و در آثارش نگاه‌های فقیهانه دیده می شود. وی قبل از ورود به فلسفه دارای گرایش‌های عرفانی، ذوقی و اشراقی است؛ زمینه ذهنی که بر او تأثیر گذاشت، آشنایی با رهیافت‌های دینی است که برای او این ذهنیت را ایجاد کرد تا به سمت احیای حوزه معرفتی جدید و خوانش دانش عقلی در راستای فهم معارف الهی حرکت کند.



برش



گفت‌وگو با دکتر علی آقاپور، دبیر کمیته بین‌الملل چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فارابی:

ضرورت گفت‌وگوی علمی

جشنواره فارابی محفلی مؤثر در دیپلماسی علمی است

جناب آقاپور، مهمترین وظایف کمیته بین‌الملل جشنواره فارابی چیست؟

عمده تکالیف این بخش جشنواره شامل این موارد می‌شود: ارتباط هدفمند با دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مجامع علمی و بین‌المللی (آی‌سی‌اس‌کو و یونسکو)، ارتباط با اساتید و محققان برجسته دنیا بویژه دنیای اسلام، تهیه و عملیاتی‌سازی طرح حفظ ارتباط با برگزیدگان جشنواره فارابی و بهره‌برداری علمی از آنان در کشور، ارزیابی روشمند عملکرد بخش بین‌الملل جشنواره‌های پیشین و ارائه پیشنهاد بهبود و ارائه سازکارهای تقویت و افزایش دریافت آثار بین‌المللی برای جشنواره طبق آیین‌نامه مصوب؛ از جمله کارهایی است که ما در این کمیته دنبال می‌کنیم.

● گفت‌وگو

«جشنواره بین‌المللی فارابی» همان‌طور که از نامش پیداست، جشنواره‌ای در قامت بین‌المللی است که بستر شرکت در آن برای کلیه پژوهشگران غیرایرانی در حوزه‌های علوم انسانی و اسلامی فراهم شده است. جشنواره فارابی از بدو تأسیس با تأکید بر بعد «بین‌المللی» خود، همواره درصدد آن بوده تا به تقویت ایده‌پردازی و طرح‌ریزی برنامه‌های پژوهشی علوم انسانی در سطح بین‌المللی بپردازد. این جشنواره همواره کوشیده است تا برای عرضه نظرات و نقد آنها و تقویت و توسعه ایده‌های بازنگری علوم انسانی در ایران و جهان اسلام فرصت‌سازی و به کاربردی شدن علوم انسانی از طریق شناسایی مهمترین مسائل در گستره جامعه ایران و جهان اسلام کمک کند. این جشنواره بین‌المللی در سیزده دوره گذشته خود با حضور دانشمندانی از سراسر جهان در حوزه‌های «ایران‌شناسی»، «اسلام‌شناسی» و «علم دینی» تقدیر به عمل آورده است. برای آشنایی بیشتر با حوزه بین‌الملل جشنواره فارابی با دکتر علی آقاپور دبیر کمیته بین‌الملل چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فارابی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که صحبت‌های او ابعاد جدیدی از این جشنواره را برای مخاطبان آشکار می‌کند از جمله اینکه علوم انسانی چطور می‌تواند محور دیپلماسی علمی واقع شود.



اگر قرار باشد دیپلماسی علمی در حوزه پرچالش علوم انسانی در سطح کشورهای مختلف به شکل مناسب و مطلوبی شکل گیرد در وهله نخست به «گفت‌وگوی علمی» میان متفکران و صاحب‌نظران حوزه علوم انسانی و اسلامی کشورهای گوناگون نیازمندیم و طبیعتاً یکی از زمینه‌های تسهیل چنین اتفاقی «جشنواره فارابی» است

شما به عنوان دبیر بخش بین الملل جشنواره فارابی، اصلی ترین کارکرد جشنواره فارابی را در سطح بین الملل چه می دانید؟

جشنواره بین المللی فارابی، بزرگترین رویداد علمی و فرهنگی در حوزه علوم انسانی و اسلامی است که با تدبیر و تلاش های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۶ آغاز شده و استمرار پیدا کرده و با کوشش مسئولان، حوزه های تحت پوشش آن هم به مرور زمان گسترده شده و بازتاب داخل و خارجی نسبتاً مناسبی یافته است. طبیعتاً از منظر فراملی نیز موجب افزایش تعامل علمی و شناخت متقابل پژوهشگران و محققان برجسته داخلی از یک سو و صاحب نظران و اندیشمندان خارجی فعال در حوزه علوم انسانی و اسلامی شده است که می تواند ظرفیت بی بدیلی برای تکوین و تحکیم «دیپلماسی علمی» در حوزه علوم انسانی و اسلامی شود.

میزان استقبال متفکران و پژوهشگران خارجی و بین المللی از جشنواره فارابی تاکنون چگونه بوده است و از این منظر، ادوار مختلف جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید؟

طبیعی است که این جشنواره همانند سایر جشنواره های بین المللی کشور، طی سال های گذشته فراز و فرود های مختلفی را تجربه کرده است؛ اما در اغلب دوره ها با بررسی و رصد دقیق شخصیت های جهانی فعال در حوزه علوم انسانی و اسلامی، تعداد قابل توجهی از آنان، شناسایی و پس از بررسی های دقیق و همه جانبه فعالیت و تلاش های آنان در کمیته بین الملل و شورای بین الملل و در نهایت شورای سیاست گذاری جشنواره فارابی، برخی از آنها به عنوان برگزیده نهایی تعیین شده اند و جز در برخی سال ها، تقریباً روند همگونی را می توان مشاهده کرد؛ به عنوان نمونه تعداد برگزیدگان بخش بین الملل در دوره اول در سال ۱۳۸۶ حدود ده نفر بوده است که مشابه همین تعداد در دوره سیزدهم در سال ۱۴۰۱ نیز به عنوان نفرات برتر انتخاب و مورد تقدیر قرار گرفته اند.

جشنواره فارابی در بخش بین الملل بر کدام آثار و فعالیت های علمی پژوهشگران و صاحب نظران علوم انسانی و اسلامی بیشتر متمرکز است؟

همانند آثار داخلی، در حوزه بین الملل رشته های ۱۶ گانه علوم انسانی اعم از حقوق، علوم سیاسی، فقه و اصول، روانشناسی و علوم تربیتی، تاریخ و جغرافیا، علوم اقتصادی، فلسفه و منطق و... مورد توجه واقع می شود و آثار شخصیت های خارجی که در حوزه های ۱۶ گانه و متناظر به سه ساحت اسلام شناسی، ایران شناسی و علم دینی فعالیت کرده اند مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند.

آیادار جشنواره فارابی و طی فرایند انتخاب شخصیت های پیشرو خارجی، بر محققان و دانشمندان کشورهای منطقه یا کشورهای اسلامی تمرکز بیشتری می شود؟ یا اینکه در این خصوص، محدودیت و تأکید خاصی وجود ندارد؟

خیر، مبنای عمل در شناسایی و انتخاب برگزیدگان خارجی فعال در عرصه علوم انسانی و اسلامی چندان مبتنی بر شاخص جغرافیا نیست و به همین دلیل مرور برگزیدگان ۱۳ دوره قبل جشنواره حکایت از این دارد که تاکنون از بسیاری قاره ها و مناطق مختلف دنیا، سرآمدان و صاحب نظران برجسته و اثرگذار این عرصه جزو منتخبان برتر بوده اند.

در جشنواره امسال، کدام آثار بین المللی جزو موارد برگزیده خارجی بوده اند؟ و شخصیت های بین المللی پیشرو این دوره از جشنواره از کدام کشورها هستند؟

قبل از پاسخ به این پرسش شما، باید یادآوری شود که فرایند انتخاب، بررسی و ارزیابی و در نهایت تعیین یک اثر برگزیده در جشنواره فارابی چه در بخش داخلی و چه در بخش بین المللی فرایندی دقیق و مبتنی بر چندین لایه داور و غربال آثار در مراحل گوناگون است و به همین خاطر برگزیده شدن یک اثر در جشنواره چندان آسان نیست. امسال در بخش بین الملل از بین آثار رسیده به جشنواره تنها یک اثر حائز رتبه گردید و انتخاب شد و بقیه آثار امتیازهای مورد نظر حائز رتبه گردید و انتخاب شد و بقیه آثار امتیازهای مورد نظر

را کسب نکردند. شخصیت های جهانی پیشرو انتخاب شده در این دوره نیز از کشورهای ترکیه، لبنان، اندونزی، الجزایر و آمریکا هستند.

اثر برگزیده بخش بین الملل معطوف به کدام حوزه علوم انسانی است و علت انتخاب آن چه بوده است؟ ضمن اینکه اگر ممکن است ویژگی های برجسته و کلی آن را هم اجمالاً توضیح دهید؟

اثر برگزیده امسال مربوط به «تفسیر قرآن» محمد العاصی از کشور آمریکا است. این مجموعه چند جلدی ارزشمند او، به عنوان کسی که زبان مادری اش انگلیسی است، عربی را خوب می داند و به علوم اسلامی و قرآنی آشناست، برای انگلیسی زبان ها تفسیری منحصر به فرد محسوب می شود. «العاصی» نهایت تلاش خود را بکار برده تا تفسیر هر آیه به معانی واژه ها در چهارچوب جملات آن آیه تا حد ممکن نزدیک باشد؛ همچنین سعی کرده تفسیر خود را با توجه به مسائل و اوضاع جهان معاصر و نیازهای مسلمانان عصر حاضر ارائه دهد. وی برای این کار از تفاسیر موجود شیعه و سنی، احادیث، کتب فقهی، تاریخی، سیاسی، فلسفی، علوم اجتماعی و علوم طبیعی بهره برده و در متن تفسیر به منابع مورد استفاده نیز ارجاع داده است. محمد العاصی دلیل استفاده از این تفاسیر را ارتباط بهتر مخاطب با آنها می داند. او در بسیاری از آیات از «روش تفسیر قرآن به قرآن» استفاده کرده است؛ یعنی به منظور شرح و تبیین بیشتر آن آیات، به چند آیه دیگر قرآن در سوره های مختلف استناد نموده است.

با توجه به تأکید و دغدغه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری مبنی بر «تقویت دیپلماسی علمی»، به نظر شما جشنواره فارابی به عنوان تنها جشنواره بین المللی حوزه علوم انسانی چگونه می تواند در تحقق بهتر مؤثرترین رویکرد نقش آفرینی کند؟

اگر قرار باشد دیپلماسی علمی در حوزه پرچالش علوم انسانی در سطح کشورهای مختلف به شکل مناسب و مطلوبی شکل گیرد در وهله نخست به «گفت و گو علمی» میان متفکران و صاحب نظران حوزه علوم انسانی و اسلامی کشورهای گوناگون نیازمندیم و طبیعتاً یکی از زمینه های تسهیل چنین اتفاقی «جشنواره فارابی» است که می تواند به شناخت متقابل صاحبان آثار برجسته علوم انسانی در نقاط مختلف جهان و ایجاد هم افزایی میان آنان کمک کند.

حضور برگزیدگان خارجی در جشنواره فارابی و برنامه های جانبی و برگزاری نشست های مختلف در دانشگاه های کشور در ایام برگزاری جشنواره فارابی، فضای تعامل علمی میان اندیشمندان علوم انسانی کشورهای مختلف را تقویت کرده و در بلندمدت می تواند موجب شکل گیری شبکه ای بین المللی از اندیشمندان و برجستگان حوزه علوم انسانی و اسلامی باشد. البته دیپلماسی علمی در حوزه پیچیده علوم انسانی و اسلامی و تفاوت در نوع نگاه و جهان بینی متفکران نیازمند تعریف و تعیین یک سری شاخص ها و چهارچوب دقیق و نیل به برخی چهارچوب های مشترک است و در شروع کار ممکن است موانعی وجود داشته باشد اما با گفت و گو و هم اندیشی می توان به نتایج رضایت بخشی رسید؛ بویژه اینکه اندیشمندان مسلمان در کشورهای مختلف دنیا با همکاری های متقابل می توانند در مسیر تولید آثار مشترک نیز قدم بردارند. البته در سیاست های کلی، برخی برنامه های پنج ساله و نقشه جامع علمی کشور نیز بر موضوع «دیپلماسی علمی» و همکاری های بین المللی توجه ویژه ای شده است که در صورت اهتمام بر اجرایی سازی آنها و برنامه ریزی دقیق و مؤثر دست اندرکاران، شاهد اتفاقات خوبی در تمام حوزه های علمی در آینده خواهیم بود.

به صورت خاص، جشنواره فارابی چه ابزارهایی برای شکل گیری و ارتقای «دیپلماسی علمی» در عرصه علوم انسانی و اسلامی دارد و برنامه دبیرخانه جشنواره و کمیته بین الملل در سال های آینده در خصوص این موضوع حیاتی کشور چه خواهد بود؟

همانگونه که مطلع هستید فضای کلی جشنواره محدود به شناسایی و بررسی آثار و فعالیت های متفکران و اندیشمندان خارجی برتر در حوزه علوم انسانی و اسلامی و در نهایت انتخاب و تقدیر از نفرات برتر است و ساختار سازمانی و ردیف اعتباری و

نیروی انسانی مورد نظر برای تحقق این هدف خطیر را ندارد. البته در خود وزارت علوم «مرکز مطالعات و همکاری های علمی بین المللی وزارت علوم تحقیقات و فناوری» یکی از متولیان مهم این حوزه بشمار می رود. هر چند ساختارهای دیگری نیز در کشور وجود دارند که وظایف و تکالیفی برعهده آنها گذاشته شده است و قاعدتاً آنان بایستی در این خصوص به شکل مستمر و برنامه محور ایفای نقش کنند.

نخبگان و سرآمدان از ارکان اصلی دیپلماسی علمی هستند و جشنواره فارابی چون محفل و محمل مؤثر و تعاملی برای گرد همایی آنهاست ظرفیت بسیار خوب و کم نظیری برای شناخت متقابل و همکاری متفکران و اندیشمندان فعال حوزه علوم انسانی و اسلامی و شکوفا ساختن ظرفیت های عظیم موجود در این عرصه فراهم می کند. بنابراین سیاستگذاران و مدیران محترم وزارت علوم و تحقیقات و فناوری در تحقق این ظرفیت می توانند نقش اساسی ایفا کنند. به عنوان نمونه می توان برای برگزیدگان شاخص بین المللی و داخلی فرصت های مطالعاتی متقابل در کشورهای مختلف با محوریت «مطالعات علوم انسانی و اسلامی» فراهم ساخت و همکاری های مشترک پژوهشی بین آنان را برنامه ریزی کرد تا آثار مشترکی تولید و منتشر شود. مترجمان شاخص آثار فارسی به سایر زبان ها را در رشته های ۱۶ گانه جشنواره فارابی هر ساله شناسایی و از برترین آنان تقدیر به عمل آورد و ذیل چتر حمایتی وزارت علوم، آثار آنان را چاپ و در سایر کشورها عرضه نمود. همچنین یکی از بخش های جشنواره فارابی را می توان به انتخاب و تقدیر از شخصیت های فعال و جریان ساز ایرانی در عرصه بین المللی با محوریت حوزه های علوم انسانی و اسلامی اختصاص داد. به علاوه با حمایت وزارت علوم می توان از دانشگاه و پژوهشگاه برتر و فعال در حوزه «دیپلماسی علمی بین المللی» در جشنواره فارابی تقدیر نمود و حتی اعتبار ویژه ای را برای آن تعریف کرد.

اگر جمع بندی پایانی در این خصوص دارید بفرمایید؟

ضمن تشکر از همه دست اندرکاران جشنواره بین المللی فارابی و قدردانی از حمایت های صورت گرفته و تلاش های تمامی همکاران در برگزاری این جشنواره، امیدوارم با عنایت خداوند متعال و تلاش مضاعف بتوانیم شاهد جریان سازی و اعتلای این جشنواره در عرصه داخلی و بین المللی در سال های آینده باشیم.



برش

● مبنای عمل در شناسایی و انتخاب برگزیدگان خارجی فعال در عرصه علوم انسانی و اسلامی، چندان مبتنی بر شاخص جغرافیا نیست. به همین دلیل، مرور برگزیدگان ۱۳ دوره قبل جشنواره حکایت از این دارد که تاکنون از بسیاری قاره ها و مناطق مختلف دنیا، سرآمدان و صاحب نظران برجسته و اثرگذار این عرصه جزو منتخبان برتر بوده اند.

● اثر برگزیده امسال مربوط به تفسیر قرآن محمد العاصی از کشور آمریکا است. این مجموعه چند جلدی ارزشمند او، به عنوان کسی که زبان مادری اش انگلیسی است، عربی را خوب می داند و به علوم اسلامی و قرآنی آشناست، برای انگلیسی زبان ها تفسیری منحصر به فرد محسوب می شود. «العاصی» نهایت تلاش خود را بکار برده تا تفسیر هر آیه به معانی واژه ها در چهارچوب جملات آن آیه تا حد ممکن نزدیک باشد؛ همچنین سعی کرده تفسیر خود را با توجه به مسائل و اوضاع جهان معاصر و نیازهای مسلمانان عصر حاضر ارائه دهد.

● فرایند انتخاب، بررسی و ارزیابی و در نهایت تعیین یک اثر برگزیده در جشنواره فارابی چه در بخش داخلی و چه در بخش بین المللی فرایندی دقیق و مبتنی بر چندین لایه داور و غربال آثار در مراحل گوناگون است و به همین خاطر برگزیده شدن یک اثر در جشنواره چندان آسان نیست.

● امسال در بخش بین الملل از بین آثار رسیده به جشنواره تنها یک اثر حائز رتبه گردید و انتخاب شد و بقیه آثار امتیازهای مورد نظر را کسب نکردند. شخصیت های جهانی پیشرو انتخاب شده در این دوره نیز از کشورهای ترکیه، لبنان، اندونزی، الجزایر و آمریکا هستند.



سهم علوم انسانی اسلامی در حل مسائل جامعه

مأموریت ویژه یک جشنواره علمی

● نقد و نظر

دکتر احد فرامرز قراملکی
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

دکتر احد فرامرز قراملکی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران با درجه استادیار در گروه فلسفه و کلام اسلامی و مدیرعامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی است. او در چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی به عنوان «شخصیت پیشتاز علوم انسانی و اسلامی» شناخته شد. رشته تخصصی او فلسفه و کلام اسلامی، اخلاق حرفه‌ای و فلسفه اخلاق به خصوص در مطالعات میان‌رشته‌ای است. او در گفتار پیش رو، به سهم جشنواره فارابی در حل مسائل کشور و ایجاد آزاداندیشی در جامعه اشاره می‌کند.

در آن، یک اتفاق ستودنی باشد و علاقه‌مندان به قصد انتخاب شدن و کسب رتبه علمی ارزشمند در آن، تلاش کنند. البته راهی هم تا آنجا نیست و حرکت جشنواره تا کنون خوب بوده است و بزودی می‌تواند به این نقطه برسد. در این زمینه، دستگاه‌های مختلف بویژه انجمن‌های علمی باید این جشنواره را حمایت کنند. مثلاً دانشگاه‌ها ارتباط جدی و نزدیکی با جشنواره داشته باشند و آن را حمایت کنند. این موضوع می‌تواند به نقش و جایگاه جشنواره فارابی بیفزاید.

امیدواریم جشنواره فارابی به منزلت و جایگاهی برسد که دغدغه تشویق‌های مادی را نداشته باشد. البته کسی تشویق‌های مادی را نفی

جشنواره فارابی و جایگاه آن نزد اندیشمندان کشور
جشنواره فارابی به لحاظ ساختار، هسته‌ها و گروه‌های تأسیس شده در این جشنواره و بهره‌گیری از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کشور، مقبولیت و انگاره مثبتی در میان نخبگان و اندیشمندان کشور دارد؛ چرا که بدنه دانشگاه‌ها در پیشبرد این جشنواره دخالت دارند. اعتمادی که دانشگاهیان به جشنواره فارابی دارند، ظرفیت مهمی را برای این جشنواره ایجاد کرده است.

جشنواره فارابی هر چه بیشتر بر ظرفیت‌های علمی و معنوی تأکید کند، رشد بیشتری خواهد داشت. به عبارت دیگر، بیش از جوایزی که در جشنواره ارائه می‌شود، جایگاه جشنواره فارابی باید به گونه‌ای باشد که انتخاب شدن



علم برای علم نیست بلکه برای حل مشکلات جدی جامعه است. جامعه ما در حوزه علوم انسانی مشکلات عدیده‌ای دارد که نیازمند تحقیقات وسیع دانشمندان است. شناخت و رفع نیازهای مبرم جامعه ما باید یکی از راهبردهای جشنواره فارابی باشد تا بتواند در این جهت سیاستگذاری کند

نمی‌کند اما رسیدن به جایگاهی که خود، مشوق باشد و اساتید را تشویق کند، اهمیت بیشتری برای این جشنواره خواهد داشت.

آزاداندیشی؛ مأموریت ویژه جشنواره فارابی

آزاداندیشی بستگی به شاخص‌ها، اهداف، سیاست‌گذاری‌ها و روش‌ها دارد. اگر در شاخص‌ها به آزاداندیشی توجه شود و شجاعت مواجهه با مسأله و رفتن به سمت مسائل پنهان و تحقیق وجود داشته باشد و عدم خودسانسوری یک شاخص باشد و در شیوه‌ها و در ارزیابی مطلقاً حصرگرایی راه پیدا نکند به «آزاداندیشی» کمک می‌کند.

آزاداندیشی نباید به این معنی باشد که هر کس هر چیزی می‌خواهد بگوید. پژوهش‌های انجام شده در کشور با «تعهد ملی» ما ارتباط دارد. پژوهش‌ها باید به پیشرفت ملی، سرآمدی، تعالی و رفاه عمومی مردم و به عناصر هویتی و تمدنی ما کمک کند.

اگر کسی آزاداندیشی را به معنی رهایی از عناصر هویت ملی و تعهدی بداند، به نظرم نمی‌توان چنین آزاداندیشی را دارای ارزش علمی، اخلاقی و فضیلت دانست. اما اگر آزاداندیشی را به درستی معنا کنیم، جشنواره فارابی به دلیل جایگاهی که دارد می‌تواند به این آزاداندیشی توجه کند و آن را ارتقا دهد و این امر به سیاست‌گذاری‌های جشنواره، شاخص‌ها و شیوه‌های آن بستگی دارد.

توسعه ارتباط دانشمندان ایرانی و خارجی

توسعه ارتباط نخبگان و اندیشمندان داخلی با خارجی از راهبردهای بسیار مهم است.

ابتدا باید چنین راهبردی در مأموریت جشنواره فارابی ایجاد شود و به دنبال آن پژوهش‌هایی که در تیم‌های مرکب از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی انجام می‌شود، در نظر گرفته شود. مثلاً در حوزه علوم انسانی تیم‌هایی مرکب از دانشمندان دانشگاه‌های ایرانی و خارجی در کشورهای صنعتی و عربی وجود دارد و این نوع از پژوهش‌ها انجام می‌شود.

اگر راهبردی ما این باشد که جشنواره فارابی این عامل‌ها را تسهیل کند، می‌توانیم در شاخص‌ها این موضوع را در نظر بگیریم؛ یعنی مطالعات مرکب از گروه‌های ایرانی و خارجی را به عنوان یک امتیاز در نظر بگیریم. حتی در بخش حمایت‌های مادی و معنوی، وقتی یک اثر برجسته یا یک شخصیتی انتخاب می‌شود، به دلیل جایگاه خوبی که دارد، می‌تواند از مطالعات ترکیبی با سایر منتخبان بهره‌مند شود.

جشنواره فارابی در راستای دیپلماسی علمی

قاعدتاً افراد زیادی هستند که توان گفت‌وگوی مؤثر و علمی را با دانشمندان بیرون از مرز دارند و گاهی می‌بینیم که در علوم انسانی حتی نه از طریق دانشگاه‌های داخل، بلکه از طریق دانشگاه و مراکز خارجی کتاب‌های حوزه علوم انسانی ما به زبان‌های مختلف مثل عربی و انگلیسی ترجمه می‌شود.

این نشان می‌دهد که دانشمندان ایرانی در بسیاری از زمینه‌ها سخن برای گفتن دارند و می‌توانند وارد «گفت‌وگوی معرفتی» شوند و جشنواره فارابی می‌تواند از طریق جهت دادن به حمایت‌های مادی و معنوی، به این امر کمک بیشتری کند. یعنی به گفت‌وگوی علمی این دانشمندان با همکاران بیرون از کشور کمک کند و مشاوره آنان را در کارها داشته باشد. برخی فعالیت‌ها در علوم انسانی بین فرهنگی است و کاملاً به صورت بین فرهنگی رخ می‌دهد.

این پژوهش‌ها باید امتیازهای خاصی داشته باشند و به عنوان حمایت مادی و فرهنگی منتخبان حمایت شوند.

چندین سال پیش گروهی متشکل از دانشمندان تنسی آمریکا، آمستردام هلند، دانشگاه تهران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در باب «تأثیر و پیامد روان‌شناختی دین و دینداری» کار می‌کردند. در این زمینه مقالات بین‌المللی خوبی هم منتشر شد و اساساً یک رهاورد خیلی مهم را در این مورد بدست آوردند.

ما در حوزه‌های مختلف نیاز به «مطالعات بین فرهنگی» داریم و مطالعات بین فرهنگی نیاز به مطالعه گروهی دارد که مرکب از فرهنگ‌های مختلف باشد. حاصل سخن من این است که ارزیابی چنین مطالعاتی در جشنواره فارابی باید دارای امتیازی ویژه‌ای باشد. آن طرف هم کسانی

که انتخاب می‌شوند، می‌توانند به عنوان بخشی از جویز، با دانشمندان مغرب زمین ارتباط و تعامل راحت‌تری داشته باشند.

پاسخ به نیازهای کشور در قالب تحقیقات جشنواره فارابی

علم برای علم نیست بلکه برای حل مشکلات جدی جامعه است. جامعه ما در حوزه علوم انسانی مشکلات عدیده‌ای دارد که نیازمند تحقیقات وسیع دانشمندان است. اگر سخنرانی روز اول عید نوروز مقام معظم رهبری را یک بار دیگر مرور کنیم، بخش اعظم سخنان ایشان، مطالبه از دانشمندان و پژوهشگران است که به درد اخلاق اجتماعی جامعه برسند و فکری برای مهار تورم و تولید ملی کنند. این مسائل غالباً نیاز به یک سری مطالعات بنیانی دارند؛ مطالعاتی که بتواند نیازهای جامعه را رفع کند.

شناخت و رفع نیازهای مبرم جامعه ما باید یکی از راهبردهای جشنواره فارابی باشد تا بتواند در این جهت سیاست‌گذاری کند. اگر سؤال بپرسیم که آیا تاکنون چنین بوده است، این پاسخ یک مطالعه جدی می‌خواهد. باید واقعاً دید که نسبت این دو چگونه بوده است؟ جشنواره فارابی باید معطوف به نیازهای کشور باشد. پژوهش‌هایی که در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه بوده است را باید بیشتر در مرکز توجه قرار داد.

علاوه بر اینکه در جشنواره فارابی باید اهمیت زیادی به ارتباط علوم انسانی با صنعت داد، اگر یک دانشمندی در حوزه الهیات و علوم انسانی مورد اعتماد صنعت باشد و صنعت به خاطر او با دانشگاهش قرارداد ببندد و از خدمات مشاوره‌ای و پژوهشی او استفاده کند، باید حمایت شود. چون درگیر چنین پژوهش‌هایی بوده‌ام و تجربه این را دارم که این پژوهش‌ها به مقاله و کتاب نمی‌انجامد اما به رفع مشکلات اساسی کشور می‌انجامد. در بحث مصرف‌گرایی و الگوهای مصرف، ارتباط اجتماعی، اخلاق سازمانی، رشد اخلاقی، نظریه‌های مربوط به رشد اخلاقی، مسائل فرهنگی، فرهنگ عمومی و سازمان و فرهنگ خانواده نیازمند تحقیق و پژوهش هستیم و وقتی جشنواره‌ای در این سطح داریم باید به گونه‌ای باشد که معطوف به نیازها باشد تا دانشمندان تشویق شوند و به سراغ مسائل عینی بروند. جشنواره فارابی می‌تواند و باید سهم بزرگی در معطوف کردن پژوهش‌ها به رفع نیازهای ملی و نیازهای جامعه داشته باشد. بنابراین باید این نوع هدف‌گذاری را انجام دهیم و براساس آن به سراغ شاخص‌ها برویم.

تحول علوم انسانی با کمک دانشگاه‌ها

یک ارتباط دو جانبه باید بین جشنواره فارابی و دانشگاه‌ها و مراکز علمی وجود داشته باشد. دانشگاه‌ها باید به جشنواره فارابی و جشنواره فارابی باید به دانشگاه‌ها کمک کنند. باید یک چرخه سازنده بین آنها وجود آید تا به دور باطل گرفتار نشوند. این دور می‌تواند دور تصاعدی و فزاینده باشد. از طرفی، جشنواره فارابی می‌تواند با حمایتی که از فعالیت‌های درخشان دانشگاه‌ها می‌کند، به دانشگاه کمک کند که همکاران دانشگاهی ما نشاط بیشتری پیدا کنند و بیشتر معطوف به تولید علم شوند. دانشگاه‌ها هم می‌توانند از طریق آزمایش رشته‌ها و اقبال به رشته‌هایی که ما امروز نیاز مبرم به آنها داریم جشنواره را حمایت کنند. حقیقتاً علوم انسانی نباید درجا بزند. اگر علوم انسانی درجا بزند با صدها جشنواره هم به جایی نمی‌رسیم اما اگر آمایش جدی رشته‌ها انجام شود و تحولی رخ دهد و موازی کاری از بین برود، بهینه‌تر پیش می‌رویم. وارد شدن به حوزه‌های جدید و مورد نیاز جامعه، دانشگاه را رونق می‌دهد و قاعدتاً حمایتی از جشنواره فارابی است. جشنواره فارابی به آورده‌های دانشگاه نظر می‌کند. آورده دانشگاه با قلمروهای جدیدی که پیش روی استادان و دانشجویان دکتری می‌گذارد، می‌تواند محصولات پربار و رقابت‌های جدی علمی را در پی داشته باشد اما متأسفانه گاهی افراط یا تفریط می‌کنیم. می‌بینیم کشورهای اروپایی و کشورهای همسایه ما بشدت در میراث منطقی و فلسفی و کلامی تمدن اسلامی سرمایه‌گذاری می‌کنند. من هم معتقدم باید منابع میراث غربی را ترجمه کرد. من در ترجمه منابع غربی، اشکالی نمی‌بینم و باید از علم روز آنان شناخت داشته باشیم و با آنان وارد گفت‌وگوی علمی و البته گفت‌وگوی انتقادی شویم. اما اینکه میراث خودمان را هیچ بدانیم و هر چه را که به زبان دیگران آمد را اهمیت دهیم، رفتار علمی پسندیده‌ای نیست.



جشنواره فارابی
به لحاظ ساختار،
هسته‌ها و گروه‌های
تأسیس شده
در این جشنواره
و بهره‌گیری از
اعضای هیأت
علمی دانشگاه‌های
کشور، مقبولیت
و انگاره مثبتی
در میان نخبگان
و اندیشمندان
کشور دارد؛ چرا که
بدنه دانشگاه‌ها
در پیشبرد این
جشنواره دخالت
دارند. اعتمادی
که دانشگاهیان به
جشنواره فارابی
دارند، ظرفیت
مهمی را برای این
جشنواره ایجاد کرده
است

بداند، به نظرم نمی‌توان چنین آزاداندیشی را دارای ارزش علمی، اخلاقی و فضیلت دانست. اما اگر آزاداندیشی را به درستی معنا کنیم «جشنواره فارابی» به دلیل جایگاهی که دارد می‌تواند به این آزاداندیشی توجه کند و آن را ارتقا دهد و این امر به سیاست‌گذاری‌های جشنواره، شاخص‌ها و شیوه‌های آن بستگی دارد.

آزاداندیشی نباید به این معنی باشد که هر کس هر چیزی می‌خواهد بگوید. پژوهش‌های انجام شده در کشور با تعهد ملی ما ارتباط دارد. پژوهش‌ها باید به پیشرفت ملی، سرآمدی، تعالی و رفاه عمومی مردم و به عناصر هویتی و تمدنی ما کمک کند. اگر کسی آزاداندیشی را به معنی رهایی از عناصر هویت ملی و تعهدی



بهرش



گفت‌وگو با دکتر محمدهادی همایون، معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی:

زبان گفت و گو با مردم

«هنر» و «رسانه» می‌توانند علوم انسانی را برای مردم عملیاتی کنند

● تحلیل

دکتر محمدهادی همایون، معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی در این گفت‌وگو پیرامون درک و تعریف بهتر علوم انسانی در میان اقشار مختلف جامعه صحبت کرد و با اشاره به اهمیت این حوزه در راهبری رشته‌های مختلف، به لزوم «شکل‌گیری زبان گفت‌وگو» میان رشته‌های علوم انسانی با سایر رشته‌ها تأکید کرد و از «هنر» و «رسانه» به عنوان ابزاری برای تعریف علوم انسانی میان مردم نام برد. او همچنین رویکرد اسلامی در علوم انسانی را پایه و اساس این حوزه دانست و تصریح کرد، علوم انسانی بدون رویکرد قرآنی مسموم است.

تمام ذهن ما را به خود درگیر کرده است.

وی با بیان اینکه اهالی علم و اندیشه در حوزه علوم انسانی به دنبال تثبیت جایگاه این علوم هستند، خاطرنشان کرد: تمام افراد فعال در حوزه علوم انسانی دنبال این هستند که بگویند علوم انسانی هم در کنار بقیه علوم توان حل مسأله دارد، چرا که علوم دیگر با حل مسأله خود را ثابت کردند. این یک اصل ثابت است که اگر علم نتواند فوراً مسأله را حل کند و ما آن را نپذیریم، دیگر علم نیست. در نتیجه در نگاه عمومی، مکانیک یا پزشکی علم است اما فلسفه علم تلقی نمی‌شود! در سطح جامعه‌شناسی کلان هم همین صحبت است که نتوانسته مسأله را حل کند.

به تثبیت جایگاه علوم انسانی بشدت نیاز داریم

دکتر محمدهادی همایون در توصیف جایگاه و منزلت علوم انسانی در مسیر پاسخگویی به نیازهای کشور و دست‌یابی به نظام حکمرانی برتر اظهار کرد: به تعبیر ما علوم انسانی و اسلامی در کشور محدود شده است. مسأله ما این است که آیا علوم انسانی می‌تواند همانند علوم دقیق‌تر مانند علوم فنی-مهندسی و پزشکی به نیازهای کشور پاسخ دهد و زندگی مردم را هدایت کند و یک الگو برای مردم محسوب شود؟ یا علوم انسانی موضوعی است که بسیار از زندگی مردم دور است؟ مهندسی و مکانیک بطور واضح مشکل مردم را رفع می‌کند، اما در این نقطه با یک مسأله مهم مواجه می‌شویم به نام علوم انسانی که



اگر علوم انسانی ما توانست هویت خود را پیدا کند و در تعامل با بقیه علوم حضور پیدا کرده و پذیرفته شود، می‌تواند علوم تجربی و طبیعی را هم بسازد. اگر توانستیم چنین علوم انسانی تعریف کنیم، می‌توانیم حرف از تمدن بزنیم؛ تمدنی که وحدت بین علوم را در نظر می‌گیرد



تمام افراد فعال در حوزه علوم انسانی دنبال این هستند که بگویند علوم انسانی هم در کنار بقیه علوم توان حل مسأله دارد، چرا که علوم دیگر با حل مسأله خود را ثابت کردند. این یک اصل ثابت است که اگر علم نتواند فوراً مسأله را حل کند و ما آن را نینیم، دیگر علم نیست. در نتیجه در نگاه عمومی، مکانیک یا پزشکی علم است اما فلسفه علم تلقی نمی‌شود!

ایجاد شده نیست. گاهی این موفقیت در حوزه سنت‌ها و مراسم‌هایی است که ایجاد می‌شود. حتی این رشد و پیشرفت می‌تواند در بسته‌بندی ظاهری یک فناوری یا شکل یک تکنولوژی باشد. علوم انسانی می‌تواند در این بخش حرف خود را بزند. به نظر سال‌ها علوم دیگر از داشتن علوم انسانی در طراحی محصول محروم بوده‌اند. گفت‌وگوی بین این دو حوزه دانشی می‌تواند خیلی خوب جواب دهد. این هم گام دومی است که برای عملیاتی شدن علوم انسانی باید برداشته شود.

علوم انسانی ظرفیت جهت‌دهی به بقیه علوم را دارد

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره ضرورت کاربردی شدن علوم انسانی گفت: مسأله این است، همه علوم کنار هم هستند و اینطور نیست که بگوییم هویت‌های جداگانه‌ای وجود دارد.

علوم انسانی بقیه علوم را در بر گرفته است و به آنها جهت می‌دهد. اینکه می‌گوییم فاصله علوم انسانی با زمین زیاد است و متهم به این است که روی زمین نمی‌آید، اشکال کار اینجا است که علوم انسانی رابطه خود را با مرحله پایین قطع کرده و می‌خواهیم علوم انسانی را مستقیم به زمین برسانیم.

علوم انسانی باید تأثیر خود را روی بقیه علوم اعمال کند. همایون به چگونگی ارتباط علوم انسانی و سایر علوم پرداخت و اظهار کرد: در حال حاضر بقیه علوم از مبادی خود جدا شده‌اند. وقتی سایر علوم که به مردم متصل هستند، به مبادی خود اتصال نداشته باشند و برای خود کار کنند، طبیعتاً علوم انسانی هم برای مردم قابل لمس نخواهد بود.

وی به تمدن غرب و اتصال علوم انسانی به سایر علوم اشاره و خاطرنشان کرد: این اتفاق در دل تمدن غرب از علوم انسانی شروع شد. علوم انسانی بود که بقیه علوم را جهت‌دهی کرد و شکل داد و به اینجا رساند. اگر علوم انسانی ما توانست هویت خود را پیدا کند و در تعامل با بقیه علوم حضور پیدا کرده و پذیرفته شود، می‌تواند علوم تجربی و طبیعی را هم بسازد.

اگر توانستیم چنین علوم انسانی تعریف کنیم، می‌توانیم حرف از تمدن بزینیم؛ تمدنی که وحدت بین علوم را در نظر می‌گیرد. همایون همه علوم را دارای حرف مشترک دانست و افزود: طراحی یک محصول، مبانی عمیق در رشته فلسفه دارد که باید خودش را در فناوری نشان دهد و در نهایت در سبک زندگی خود را نمایان سازد و در رفتارهای اجتماعی ما و مناسبات و تعاملات انسان‌ها منعکس شود. استاد دانشگاه امام صادق (ع) با بیان اینکه اگر سطح تمدنی مردم بالاتر رود، می‌توانند بدون واسطه علوم انسانی را درک کنند، ادامه داد: علوم انسانی در ساختار سازمانی، حکومتی و نحوه حکمرانی ما هم حضور پررنگی دارد. علوم انسانی از طریق هدایت بقیه علوم وارد زندگی ما می‌شود.

این استاد دانشگاه همچنین در پاسخ به این سؤال که به نظر می‌رسد همان‌طور که علوم انسانی نتوانسته در زندگی مردم ظاهر شود، فارابی هم کمتر از سایر اندیشمندان و دانشمندان در جامعه ایرانی شناخته شده است، اظهار کرد: حتماً همین‌طور است. ماجرای رسیدن علوم به زندگی مردم به شکل تجربی در دوران تمدن اسلامی و در قرون پنجم و ششم هجری قمری اتفاق افتاد. بعدها ما با یک کودتا در تاریخ مواجه شدیم؛ یک کودتای علمی بعد از رنسانس علیه تمدن اسلامی شکل گرفت و همه دستاوردهای تمدن اسلامی انکار شد و به دانشمندان غربی نسبت داده شد.

همایون در پایان سخنانش تصریح کرد: در سال‌های بعد از وقوع کودتا این‌گونه بیان شد که اکتشافات و آورده‌های علمی بعد از رنسانس صورت گرفتند و در درون تمدن اسلامی هیچ آورده‌ای نبوده است، در حالی که در جریان جنگ‌های صلیبی و خیلی از اتفاقات دیگر که در تاریخ ثبت شده، مجموع معارف سرزمین‌های اسلامی به این کشورها منتقل شد. اگرچه این معارف شامل معارف ناب اهل بیت نبود و تمدن ناقص اسلامی وارد سرزمین‌های غربی شد و آنچه را ساخت که اکنون می‌بینیم.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه بشدت به تثبیت جایگاه علوم انسانی نیاز داریم، افزود: این اصل بسیار مهمی است و شاید قدم اولی است که باید اتفاق بیفتد. پیشنهادی بود که در وزارت علوم یک بخش یا معاونت برای علوم انسانی ایجاد شود که دانشگاه آزاد اسلامی این کار را انجام داد. این تشخیص و هویت‌یابی برای علوم انسانی مهم است.

علوم انسانی غربی برای جامعه ما مسموم است

دکتر همایون اضافه کرد: واقعیت این است، اکنون در جامعه ما علوم انسانی موجود، علوم انسانی غربی است که این علوم ذاتاً مسموم هستند. ما با توسعه و آموزشی که روی علوم انسانی غربی انجام می‌دهیم، در واقع به جامعه سم تزریق می‌کنیم و هر لحظه که بتوانیم باید جلوی این موضوع را بگیریم. وی با تأکید بر مسموم بودن علوم انسانی که علوم اسلامی را در دل خود ندارد، یادآور شد: از درون علوم انسانی فعلی نکته موافق نظام در نمی‌آید. بنابراین علوم انسانی ما باید قرآن‌پایه باشد و بر اساس قرآن شکل بگیرد. هنوز علوم انسانی قرآن‌پایه نداریم و تلاش‌های پراکنده و غیرپراکنده‌ای انجام شده که کافی نیست.

وقتی علوم انسانی ظرفیت تمدن‌سازی پیدا می‌کند که عملیاتی شود

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی همچنین به تفاوت‌های درک مردم از علوم انسانی و سایر علوم پرداخت و گفت: صرف نظر از ارتباط علوم انسانی با بقیه علوم، زمانی علوم انسانی توسط مردم فهم می‌شود و توان تمدن‌سازی پیدا می‌کند که عملیاتی شود. حوزه پزشکی کاملاً با زندگی مردم سرو کار دارد و نتایج آن علم، به سرعت خود را در زندگی مردم نشان می‌دهد. مردم هم تشخیص می‌دهند که وقتی بیمار می‌شوند باید سراغ پزشک بروند، اما باید توجه داشته باشیم که علوم انسانی نمی‌تواند به سرعت علوم غیر انسانی ماهیت عملی به خود بگیرد.

«هنر» و «رسانه» می‌توانند علوم انسانی را برای مردم فهم‌پذیر و کاربردی کنند

همایون با اشاره به وجود زبان فهم علوم انسانی توسط مردم گفت: آنچه که به شدت می‌تواند کمک کند و یک پل انتقال‌دهنده بین علوم انسانی و مردم است، «هنر» و «رسانه» است. این فوری‌ترین و میانبرترین راهی است که بتوانیم علوم انسانی را روی زمین بیاریم. مردم می‌توانند در این صورت علوم انسانی را هم مانند سایر علوم لمس کنند و حالت کاربردی آن را ببینند. فوری‌ترین و شدنی‌ترین راه برای رسیدن علوم انسانی از عالم بالا به زمین، هنر است. اگر زلف علوم انسانی را به هنر و رسانه گره بزینیم، گشایش جدی در مردمی کردن علوم انسانی و توان‌افزایی برای ایجاد تمدن صورت می‌گیرد و این اولین قدم در این مسیر است.

علوم انسانی باید زبان گفت‌وگو با سایر علوم را پیدا کند

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) همچنین به بیان دومین راهکار شناخت و درک هر چه بهتر علوم انسانی اشاره کرد و گفت: مجادله‌ای بین علوم انسانی با سایر علوم مانند علوم فنی و علوم طبیعی شکل گرفته که باعث از بین رفتن وحدت شده است. در واقع علوم انسانی باید وارد تعامل با سایر علوم شود. اگر علوم انسانی نتواند وارد تعامل با بقیه علوم شود، عملاً راه به جایی پیدا نمی‌کند. علوم انسانی باید زبان گفت‌وگو با فیزیک را پیدا کند و وارد عالم مواد، طبیعت، حیوانات و محیط زیست شود. به گفته همایون، علوم انسانی و غیر علوم انسانی باید با هم همکاری کنند تا «علوم میان‌رشته‌ای» تولید شود که بسیار مبارک است و محصول ملموس آن فناوری است. با پیوند و تعامل بین علوم انسانی و غیر علوم انسانی می‌توانیم موفقیت بین حوزه‌های مختلف را به هم گره بزینیم.

وی به استفاده از علوم انسانی در حوزه فناوری و تکنولوژی اشاره کرد و گفت: لزوماً این موفقیت شامل سطح علم و دانش و فناوری‌های

موضوع را بگیریم. از درون علوم انسانی فعلی نکته موافق نظام در نمی‌آید. بنابراین علوم انسانی ما باید قرآن‌پایه باشد و بر اساس قرآن شکل بگیرد. هنوز علوم انسانی قرآن‌پایه نداریم و تلاش‌های پراکنده و غیرپراکنده‌ای انجام شده که کافی نیست

اکنون در جامعه ما علوم انسانی موجود، علوم انسانی غربی است که این علوم ذاتاً مسموم هستند. ما با توسعه و آموزشی که روی علوم انسانی غربی انجام می‌دهیم، در واقع به جامعه سم تزریق می‌کنیم و هر لحظه که بتوانیم باید جلوی این



برش

نگاه اهالی علوم انسانی



ظرفیت جشنواره فارابی در گفتمان سازی برای جامعه

دکتر عطاءالله رفیعی آتانی

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

علوم انسانی یک متولی در صف کلان در نظام و دولت ندارد. وزرای علوم در موارد اندکی از حوزه علوم انسانی بوده‌اند و در اغلب موارد از میان اساتید فنی برگزیده شده‌اند. علوم انسانی در ذیل دانش‌های فنی قرار دارد و نکته قابل توجهی در نظام سیاستگذاری کشور ما نیست. در واقع ساختار مدیریت کشور و نظام دانشگاهی ما به بنیان‌های فلسفی مختلف و یا دستاوردهایی که برای حل نیازهای کشور ما الزامی هستند، توجه اندکی دارد. در نتیجه مدیریت علم هم، در حوزه علوم انسانی تراز بالایی ندارد.

در حال حاضر علوم انسانی به تبیین و حل مسائل جامعه ایران نمی‌پردازد، اما گفتمان‌سازی به این مسأله کمک می‌کند. علوم انسانی و اجتماعی ما درگیر تبیین، تفسیر و ارائه برنامه برای افراد است و تأثیرگذار نیست. جشنواره فارابی باید مدیریت اجتماعی علم کند زیرا علم محصول ویژگی‌های اجتماعی است که در آن جریان دارد یا متأثر از ویژگی‌های ما است. این گفت‌وگو باید در مجامع علمی ما شکل بگیرد که می‌خواهیم علوم انسانی را فعال کنیم و در نهایت جشن علمی مانند جشنواره فارابی هم در پایان داشته باشیم. اگر جشنواره فارابی بتواند گفتمان‌سازی کند و مشکلات جامعه احصاء شود، به جای جشنواره فارابی که به برترین‌ها جایزه می‌دهد، به علوم انسانی جایزه می‌دهد و خدمات او را جبران می‌کند.



جشنواره فارابی در حوزه رقابتی قوی عمل کرده است

دکتر محمود حکمت‌نیا

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

برای پیشرفت در علوم انسانی و تبدیل شدن آن به لحاظ اقتصادی به یک محصول قابل رقابت در بازار باید در سطح حاکمیت طراحی و سازندگی انجام گیرد. جشنواره فارابی برای ایجاد انگیزه و احساس مثبت و در یک ارزیابی کلی یک جشنواره موفق بوده است. اگر بخواهیم بار بیشتری به جشنواره تحمیل کنیم، باید برخی موارد در جشنواره تعریف شود. چند جشنواره تخصصی در کشور برگزار می‌شود؛ به عنوان نمونه «جشنواره کتاب سال حوزه» برگزار می‌شود که نویسنده باید حوزوی باشد؛ چون این جشنواره محدودیت ذاتی دارد و برای حوزه تعریف شده است. ضمن اینکه جشنواره جلال آل‌احمد و جشنواره‌های پراکنده زیادی دیگری هم وجود دارد، اما رویدادی که اولاً در «حوزه علوم انسانی» باشد و «دوم برند بین‌المللی» داشته باشد، تنها جشنواره فارابی است. فارابی یگانه جشنواره‌ای است که در حوزه‌های علوم انسانی و برند بین‌المللی بهترین وضعیت را دارد. جشنواره‌ها باید این توانمندی را داشته باشند که افراد بیشتری را معرفی کنند. ما تلاش می‌کنیم علوم انسانی را معرفی کنیم، ضمن اینکه جشنواره فارابی در حوزه رقابتی قوی عمل کرده چون فقط اثر یا یک برگزیده وجود دارد.



اثرگذاری جشنواره فارابی در بهبود فضای علوم انسانی و اسلامی

آیت‌الله ابوالقاسم علی‌دوست

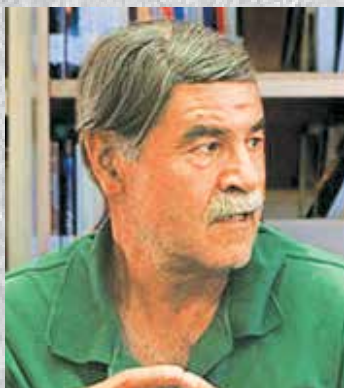
رئیس انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه

جشنواره فارابی منجر به ارتقای ضریب پژوهش‌های علمی می‌شود و چنانچه برگزار نشود، شاید سال‌ها طول بکشد که آثار باارزش حوزه علوم انسانی و اسلامی شناخته شود. بسیاری از آثار ارزشمند نیازمند این هستند که در یک فضای علمی بررسی و توسط اساتید برجسته آن رشته به عنوان برگزیده معرفی شوند تا تبدیل به یک چهره شوند. بسیاری از جوانان از طریق این جشنواره‌ها مطرح می‌شوند و استعداد آنان در یک زمینه خاص شناخته می‌شود. جشنواره فارابی باعث بهبود فضای علوم انسانی و اسلامی و دیده شدن و شناخته شدن آثاری می‌شود که اگر نبود، شاید سال‌ها شناخته نمی‌شدند.

معیار کار جشنواره بررسی آثار از نگاه علمی است و هیچ وقت خط سیاسی یا طرز فکر نویسندگان آثار معیار سنجش قرار نمی‌گیرد. داوران نمی‌دانند یک اثر متعلق به چه کسی است چون فضای علمی بر جشنواره حاکم است و فقط به این نکته توجه می‌شود که چه کاری از نگاه علم صورت گرفته و مهم نیست این اثر را چه کسی با چه دیدگاه سیاسی و شخصی نوشته است.



به جشنواره فارابی



آیت الله ابوالقاسم

علیدوست

جشنواره فارابی

منجر به ارتقای

ضریب پژوهش های

علمی می شود

و چنانچه برگزار

نشود، شاید سال ها

طول بکشد که

آثار بالارزش حوزه

علوم انسانی و

اسلامی شناخته

شود. بسیاری از آثار

ارزشمند نیازمند این

هستند که در یک

فضای علمی بررسی

و توسط اساتید

برجسته آن رشته

به عنوان برگزیده

معرفی شوند تا

تبدیل به یک چهره

شوند



جشنواره فارابی ظرفیت دارد که به یک «بنیاد علمی» بدل شود

دکتر منوچهر صانعی دره بیدی

استاد فلسفه

جشنواره فارابی می تواند تبدیل به یک «بنیاد علمی» شود که به کشور خدمت می کند. اگرچه حالا هم جشنواره فارابی به کشور خدمت کرده است اما در این صورت خدمت رسانی غنی تر و بیشتر خواهد بود. باید قدر جشنواره فارابی را بدانیم و از آن حمایت کنیم تا تقویت شود اما هنوز وضعیت جشنواره فارابی به نقطه ایده آل نرسیده است. کار فرهنگی پشتوانه ملی می طلبد و پشتوانه ملی کشور نیز قوی و پربار و وزین است.

فارابی به پشتوانه هویت ملی و تاریخی ایران می تواند در عرصه های بین المللی شناخته شود. ضمن اینکه باید بودجه ای برای این موضوع در نظر گرفته شود تا با دعوت از چهره های حتی الامکان ایرانیشناس یا آشنا به زبان فارسی، انگلیسی، آلمانی یا فرانسه امکان ترجمه آثار مناسب فراهم شود.

جشنواره فارابی باید اقدام به معرفی ایران به عنوان کشور دارای علم و ادبیات کند. زمینه کار بسیار است اما باید به جشنواره فارابی استقلال کافی و لازم برای تصمیم گیری داده شود؛ ضمن اینکه بودجه لازم هم در اختیار مدیران این جشنواره قرار گیرد.



ضرورت سیطره فارابی بر جشنواره های مرتبط با علوم انسانی

دکتر علیرضا قائمی نیا

رئیس پژوهشکده حکمت اسلامی

دستاوردهای جشنواره فارابی می تواند به نیازهای عینی کشور پاسخ دهد و قطعاً این قابلیت را دارد ولی در سال های گذشته نیازمحور حرکت کرده است. جشنواره فارابی قابلیت توسعه دارد ولی هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. فارابی باید بر جشنواره های مرتبط با علوم انسانی سیطره یابد. در حال حاضر جشنواره های مختلفی مانند جشنواره کتاب در داخل کشور برگزار می شوند که هر کدام بریده ای از جشنواره فارابی هستند و هر کدام ضوابط متفاوتی دارند، در حالی که جشنواره فارابی باید بر این جشنواره های موازی سیطره علمی پیدا کند.

علاوه بر موارد مذکور باید تدابیری اندیشیده یا تسهیلاتی در نظر گرفته شود که نفرات برگزیده به اندیشمندان خارجی و مراکز علمی دسترسی داشته باشند یا این دسترسی تسهیل شود.



نقش جشنواره فارابی در تعامل میان دانشمندان داخلی و بین المللی

دکتر شریف لک زایی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

افرادی که در سطح بین المللی و جهانی از سوی جشنواره فارابی معرفی می شوند یا پژوهش های برگزیده دانشگاه های معتبر می توانند به جایگاه جشنواره فارابی ارتقا بخشند و دانشمندان بیشتری را ترغیب به حضور در این جشنواره کنند. جشنواره باید در بین صاحب نظران، محققان و پژوهشگران حوزه علوم انسانی جای خود را باز کند و تا این اتفاق نیفتد، نمی توانیم امیدوار باشیم اتفاق خاصی رقم بخورد. اگر این نگاه به وجود بیاید و جایگاهش در فضای دانشمندان و صاحب نظران ایجاد شود، می تواند به جشنواره و ارتقای آن کمک کند.

جشنواره ای مانند فارابی می تواند فضای رقابتی را در تولید نظریه های جدید و نوآوری های علمی ایجاد کند و در همین راستا یک برنامه بلندمدت داشته باشد و فضای رقابتی را با حمایت ها و پشتیبانی هایی که انجام می دهد رقم بزند. محققان و پژوهشگران علاقه مند به علوم انسانی نیز می توانند نظریه های جدید و نوآوری های خود را به جشنواره عرضه کنند زیرا جشنواره می تواند مرجعی برای معرفی این نظریه ها و مبنی برای حمایت و پشتیبانی از آنان باشد.

گزارش آماری شرکت کنندگان در چهاردهمین جشنواره بین المللی فارابی

مجموع تعداد داوران	۵۷۰	برگزیدگان در مجموع	۵۰
داور برای بخش داخلی	۵۶۸	تعداد آثار پذیرفته شده برای داوری در بخش بین الملل	۶
داور برای بخش بین الملل	۲	تعداد آثار پذیرفته شده برای داوری در بخش داخلی	۲۱۶۱
تعداد گروه‌های علمی	۱۶		

تعداد برگزیدگان سایر بخش‌ها	شخصیت پیشگام..... ۴ نفر
	مترجم برتر ۳ نفر
	انجمن علمی حوزوی و دانشگاهی ۲ نفر
	جایزه صلح و دوستی..... ۱ نفر
	شخصیت پیشنهاد ۴ نفر
	نظریه پرداز برتر ۴ نفر
	نشریه علمی برتر حوزوی و دانشگاهی ۲ مورد
	جایزه منشور توسعه فرهنگ قرآنی ۶ مورد

تعداد آثار دریافت شده در بخش بین الملل

۷۰

تعداد آثار در بخش داخلی

تعداد آثار دریافت شده	۲۸۵۷
تعداد آثار برگزیده	۱۹

تعداد برگزیدگان بخش بین الملل

شخصیت پیشرو خارجی	۷ نفر
تحقیق برتر خارجی	۱ نفر

تعداد کل رساله دکتری			تعداد کل گزارش پژوهشی			تعداد کل کتاب		
کل	بین الملل	داخلی	کل	بین الملل	داخلی	کل	بین الملل	داخلی
۶۰۵	۱	۶۰۴	۱۸۰	۰	۱۸۰	۱۲۵۲	۴۵	۱۲۰۷
تعداد کل آثار رسیده			تعداد کل مقاله ها			تعداد کل پایان نامه ارشد		
کل	بین الملل	داخلی	کل	بین الملل	داخلی	کل	بین الملل	داخلی
۲۹۲۷	۷۰	۲۸۵۷	۲۹۹	۶	۲۹۳	۵۷۳	۰	۵۷۳

تعداد آقایان

کل	بین الملل	داخلی
۲۰۶۰	۴۴	۲۰۱۶

تعداد بانوان

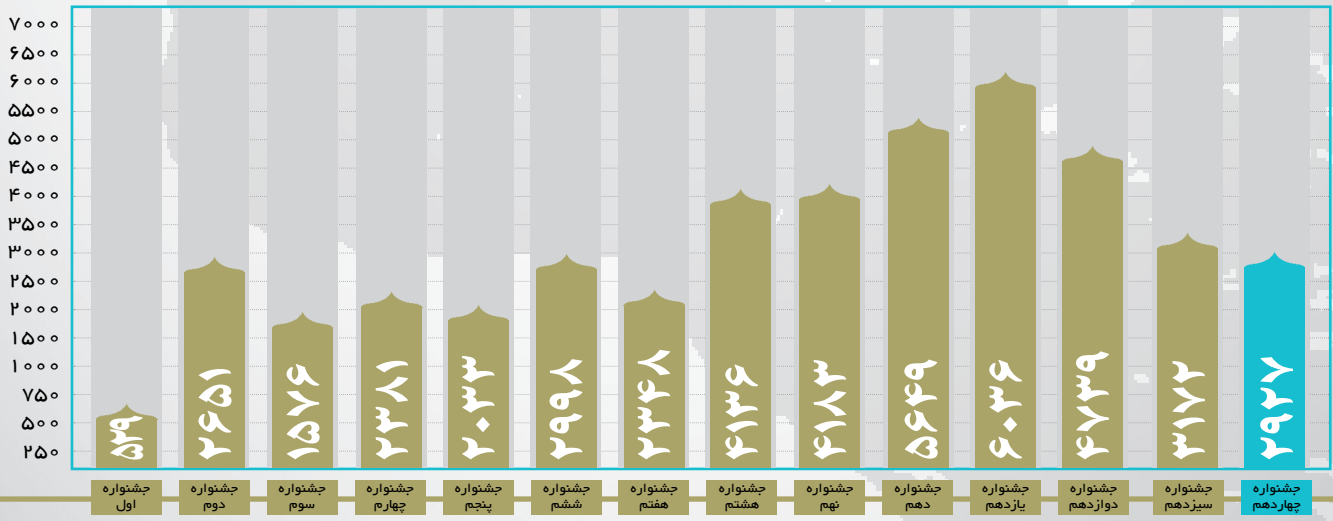
کل	بین الملل	داخلی
۸۴۹	۸	۸۴۱

تعداد شرکت کنندگان بخش جوان

کل	بین الملل	داخلی
۹۹۶	۱	۹۹۵

تعداد شرکت کنندگان بخش بزرگسال

کل	بین الملل	داخلی
۱۹۱۳	۵۱	۱۸۶۲



فراخوان پانزدهمین جشنواره بین المللی فارابی

ویژه تحقیقات علوم انسانی
و اسلامی
بخش داخلی



جشنواره بین المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، به عنوان یکی از معتبرترین جشنواره‌های علمی کشور در عرصه علوم انسانی و اسلامی، همه ساله توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با مشارکت بنیاد ملی نخبگان و به همت پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار می‌شود.

جشنواره فارابی با هدف شناسایی استعدادها، برتر داخلی و خارجی، آثار و نظریه‌های برتر، روش‌ها و طرح‌های جدید در پژوهش، در همه رشته‌های علوم انسانی و اسلامی، نسبت به شناسایی، معرفی و تشویق موارد برتر، به جامعه علمی و نخبگانی مبادرت می‌ورزد. زمینه‌سازی برای ارتقا، توسعه و تعمیق علوم انسانی بومی؛ انگیزش استعدادها، جوانان که آینده علمی کشور ما را رقم خواهند زد و ایجاد شهادت علمی لازم در آنان برای فعالیت‌های علمی نوآورانه؛ ورود فعالان علوم انسانی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های کشور؛ کاربردی شدن علوم انسانی موجود به نحوی که توان حل مسائل جامعه را پیدا کند؛ آشناسازی جامعه ایران خاصه جوانان، جهان اسلام و کل دنیا با یافته‌های محققان عرصه علوم انسانی و اسلامی و بسترسازی برای حضور فعال علوم انسانی و اسلامی ایران در تراز جهانی، از جمله دیگر اهداف این جشنواره است.

مسئله تحول در علوم انسانی و حرکت به سوی شکل‌گیری علوم انسانی بومی-اسلامی که توان حل مسائل ویژه جامعه ما را دارد، از ضروریات کنونی است و گرچه این مهم نیازمند فعالیت‌های علمی مبنایی، عمیق و گسترش‌دهنده مرزهای دانش است، لیکن جشنواره فارابی نیز می‌تواند در شناسایی ایده‌ها و آرا در این عرصه، گام‌هایی هرچند کوچک بردارد.

دبیرخانه جشنواره فارابی، چندی است شکل‌گیری شبکه نخبگانی از دانشمندان و پژوهشگران برتر عرصه علوم انسانی و اسلامی را آغاز نموده، درصدد است نقش میناپردازی علوم انسانی و اسلامی برای دیگر دانش‌ها را تقویت و تعمیق نماید. ارتقای کمی و کیفی جوایز جشنواره، بیگیری تحقق حمایت‌های بنیاد ملی نخبگان و اعطای گرنت از سوی معاونت پژوهشی وزارت عتف، در خصوص برگزیدگان ادوار مختلف جشنواره، از دیگر اقدامات دبیرخانه جشنواره در طی سال‌های اخیر بوده است.

روشن است که تحقق اهداف مزبور، جز با همکاری جامعه فرهیخته و فاضل دانشگاهی و حوزوی و مشارکت حداکثری آنان در جشنواره فارابی، قابل وصول و حصول نخواهد بود.

بنا بر نکات فوق، جشنواره فارابی از همه استادان، پژوهشگران، دانش‌آموختگان و صاحبان آثار علمی درخور و دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و ناشران علمی دعوت می‌کند همچون ادوار گذشته، در دوره پانزدهم این رویداد بزرگ و تأثیرگذار علمی، حضور فعال داشته باشند.

فارابی، در این دوره نیز آثار برتر، در دو عرصه «بزرگسال» (بیش از ۳۵ سال سن) و «جوان» (کمتر از ۳۵ سال سن) و در دو مرتبه «برگزیده» (رتبه یک، دو و سه) و «شایسته تقدیر»، تعیین و تقدیر خواهند شد.

زمان دریافت آثار دوره پانزدهم جشنواره فارابی، از بیست و هفتم شهریورماه تا دهم آبان ماه سال ۱۴۰۲ است.

همچنین آثاری که از ابتدای سال ۱۳۹۹ تا پایان اسفند ۱۴۰۱ منتشر شده یا پایان یافته‌اند، می‌توانند در این دوره از جشنواره شرکت کنند.

در بخش ویژه جشنواره فارابی، جوایزی با عناوین: «شخصیت پیشگام علوم انسانی و اسلامی»، «شخصیت پیشتاز علوم انسانی و اسلامی»، «نظریه‌پرداز برجسته»، «مترجم برتر»، «از زبان‌های خارجی به فارسی و از فارسی به زبان‌های خارجی»، «انجمن / قطب علمی برتر»، «دانشگاهی / حوزوی» و «نشریه علمی برتر»، «دانشگاهی / حوزوی» اعطا خواهد شد. همچنین از پژوهش‌های برتر قرآنی در بخش دیگری با عنوان «جایزه منشور توسعه فرهنگ قرآنی در حوزه پژوهش و آموزش عالی» تقدیر به عمل خواهد آمد.

گذشته از اینها، از دوره پانزدهم جشنواره، در قالب یک بخش ویژه با عنوان «جایزه دیپلماسی علمی»، از برگزیدگان این عرصه تقدیر به عمل خواهد آمد.

شایان ذکر است، بخش بین المللی جشنواره فارابی نیز سوابق علمی و آثار استادان و پژوهشگران خارجی در سه عرصه «ایران‌شناسی»، «اسلام‌شناسی» و «علم دینی» را دریافت و از موارد برتر با عناوین «شخصیت پیشرو خارجی» و «تحقیق برتر خارجی» تقدیر می‌کند. همچنین مصادیق فعالیت‌های پژوهشی برتر در قالب «جایزه صلح و دوستی» تعیین و تقدیر خواهند شد.

تمامی پژوهشگران عرصه علوم انسانی و اسلامی می‌توانند با مراجعه به سامانه جشنواره بین المللی فارابی به نشانی www.farabiaward.ir از بیست و هفتم شهریورماه تا دهم آبان ماه سال ۱۴۰۲، آثار علمی خود را ثبت کنند.

ثبت آثار در سامانه جشنواره فارابی در دو قالب حقیقی و حقوقی است؛ بدین معنا که علاوه بر اینکه استادان، پژوهشگران، دانش‌آموختگان و صاحبان آثار علمی درخور، خود می‌توانند نسبت به ثبت آثار در سامانه اقدام نمایند، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، انجمن‌های علمی، گروه‌های علمی آموزشی و پژوهشی و ناشران علمی نیز چنانچه اثری را واجد شایستگی‌های علمی لازم می‌دانند، به معرفی و ثبت آثار پیشنهادی مبادرت ورزند و زمینه شناسایی آثار فاخر را فراهم نمایند.

مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره جشنواره بین المللی فارابی در تیرماه ۱۴۰۳ در تهران برگزار و برگزیدگان نهایی اعلام خواهند شد و جوایزشان را از طریق دبیرخانه جشنواره دریافت خواهند کرد.

شایان ذکر است، در بخش داخلی جشنواره فارابی، آثار و تحقیقات، در شانزده گروه علمی «اخلاق، ادیان و عرفان»، «تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی»، «حقوق»، «زبان، ادبیات و زبان‌شناسی»، «علوم اجتماعی و علوم ارتباطات»، «علوم اقتصادی، مدیریت و علوم مالی»، «علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم ورزشی»، «علوم سیاسی، روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای»، «علوم قرآنی، تفسیر و حدیث»، «فقه و اصول»، «فلسفه، منطق و کلام»، «مطالعات فناوری اطلاعات، اطلاع‌رسانی و کتابداری»، «مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)»، «مطالعات هنر و زیبایی‌شناسی»، «مطالعات میان‌رشته‌ای» و «کمیته علوم انسانی اسلامی (ویژه مقالات پژوهشی)» دریافت می‌شوند.

آثار مورد پذیرش جشنواره همچون دوره پیشین، در پنج قالب اصلی شامل: «کتاب پژوهشی» (نسخه فیزیکی / فایل الکترونیکی)، «گزارش پژوهش اختتام یافته» (طرح پژوهشی)، «رساله دکتری / سطح چهار حوزه»، «پایان‌نامه کارشناسی ارشد / سطح سه حوزه» و «مقاله پژوهشی» در موضوع علوم انسانی اسلامی (منتشر شده در مجلات علمی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حوزه‌های علمیه) است.

همچون دوره‌های پیشین جشنواره



فراخوان پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی

ویژه تحقیقات علوم انسانی
و اسلامی

بخش خارجی

جشنواره بین‌المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی، توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران و با همکاری بنیاد ملی نخبگان و مدیریت پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به صورت سالانه برگزار می‌شود. این جشنواره در بخش بین‌الملل خود، با هدف شناسایی استعداد های برتر، آثار و نظریه‌های برتر، روش‌ها و طرح‌های جدید در پژوهش، در سه حوزه «ایران‌شناسی»، «اسلام‌شناسی» و «علم دینی» نسبت به تشویق و معرفی موارد برگزیده به جامعه جهانی اقدام می‌کند. بخش بین‌الملل این جشنواره در دوره پانزدهم، از میان واجدین شرایط، در دو عرصه «شخصیت پیشرو خارجی» و «تحقیق برتر خارجی» تقدیر به عمل خواهد آورد. بدین وسیله از همه استادان، محققان و صاحبان آثار «دارای ملیت غیرایرانی» دعوت به عمل می‌آید تا در بخش بین‌الملل دوره چهاردهم جشنواره فارابی شرکت کنند.



تذکرات:



۱. علاقه‌مندان می‌توانند از سپتامبر ۲۰۲۳ تا ژانویه ۲۰۲۴ در سامانه جشنواره فارابی به نشانی www.farabiaward.ir ثبت نام و مستندات لازم را بارگذاری کنند.
۲. ثبت نام در سامانه جشنواره در دو قالب شخصیت حقیقی خارجی و شخصیت حقوقی خارجی صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که هم استادان، پژوهشگران و صاحبان آثار علمی و هم ناشران علمی می‌توانند در سامانه مزبور ثبت نام کنند.
مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی در ژوئیه ۲۰۲۴ در تهران برگزار و برگزیدگان نهایی اعلام خواهند شد و جوایزشان را از طریق دبیرخانه جشنواره دریافت خواهند کرد.

اهم ویژگی‌های «شخصیت پیشرو خارجی»:

۱. داشتن آثار علمی و مرجع؛
۲. داشتن نوآوری درخور یا نظریه‌پردازی اثربخش؛
۳. داشتن سابقه مؤثر در بسط و گسترش آموزش عالی؛
۴. داشتن سابقه مؤثر در زمینه شاگردپروری؛
۵. تأثیرگذاری علمی و عملی در مجامع بین‌المللی.

اهم ویژگی‌های «تحقیق برتر خارجی»:

۱. داشتن مسأله و چهارچوب نظری مشخص؛
۲. روشمندی و بینارشته‌ای بودن تحقیق؛
۳. داشتن رویکرد نقادی دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف در حوزه موضوعی تحقیق؛
۴. داشتن نوآوری درخور در تحقیق؛
۵. داشتن الگو، نظریه اثربخش یا نظام منسجم (در تحقیقات بنیادی) یا راهکار عملی و اجرایی ناظر به مشکلات موجود (در تحقیقات کاربردی)؛
۶. انتشار تحقیق در بازه زمانی از مارس ۲۰۲۰ تا پایان مارس ۲۰۲۳.

همچنین مصادیق فعالیت‌های پژوهشی برتر در قالب «جایزه صلح و دوستی» با محورهای زیر تعیین و تقدیر خواهند شد:

۱. استقرار صلح جهانی بر پایه عدالت؛
۲. گفت‌وگوی فرهنگ‌ها در جهت ترویج فضائل انسانی؛
۳. گفت‌وگو و همکاری بین ادیان؛
۴. تقرب میان مذاهب اسلامی.

مسفحه آرایی: حجت حکیمی (دبیر)، محمد عباسپور و شکوفه مهاجری
تصحیح و ویراستاری: محسن جانی‌پور (دبیر)، داریوش کمالی‌پور آزاد

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)
مدیرمسئول: محمدحسن روزی‌طلب
سر دبیر: حسام الدین برومند
معاون اجرایی: هاشم سروش‌پور
دبیر ویژه‌نامه: لیدا فخری
دبیر ستاد اجرایی: نفیسه امامی

ایران

نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ | تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ | نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ | روابط عمومی: ۵-۷۴۶۹۰۸۸۷ | صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۵۸۷۵ | پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ | امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ | اینترنتی چاپ و صحافی: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

www.iran-newspaper.ir
editorial@iran-newspaper.ir